

بلوک نظامی امپریالیسم و دول ارتجاعی منطقه علیه انقلاب ایران

○ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و همه رژیم‌های ارتجاعی و دست‌نشانده علیه انقلاب ما و برای سرکوب تمامی جنبش‌های استقلال‌طلبانه متحد شده‌اند. تردید در همبستگی روزافزون با همه گردان‌های مبارزه ضد امپریالیستی در منطقه و جهان خطای تاریخی مهلکی در انقلاب ایران است. تشکیل جبهه واحد ضد امپریالیستی چه در داخل و چه در عرصه بین‌المللی، هدفی است که از ورای تنگ‌نظری‌ها، انحصارطلبی‌ها، ندانم‌کاری‌ها و محاسبات خطا، اکنون بیش از هر زمانی باید در راه آن مبارزه کنیم.

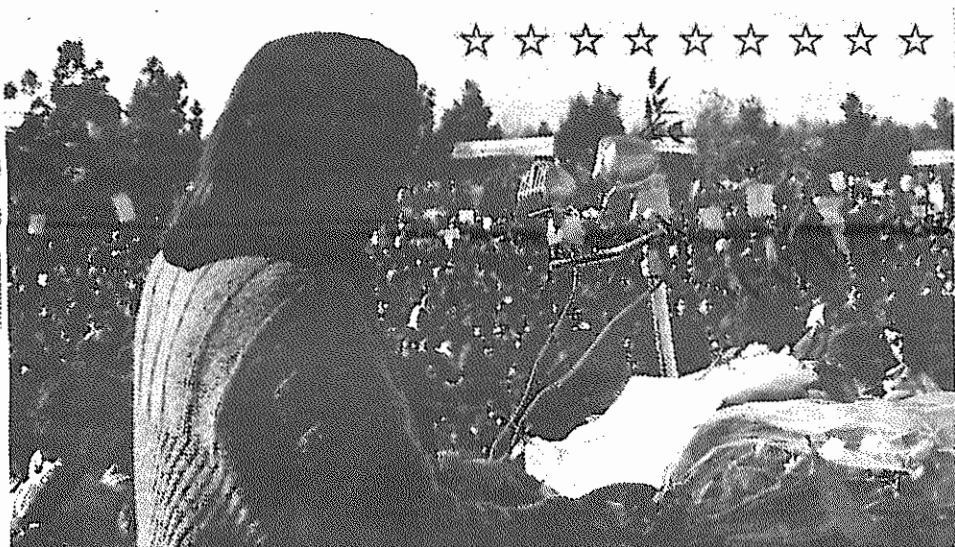
در صفحه ۱۰

۴ سؤال از آقای رئیس‌جمهور

در نوشته‌ها و گفته‌های آقای بنی‌صدر، معمولاً همه راه‌ها به رُم ختم می‌شود. آقای رئیس‌جمهور! برای مقابله با وابستگی‌های اقتصادی، برای مقابله با بحران اقتصادی یا کدام اقتصاد و با کدام دولت‌ها می‌توانیم روابط گسترده اقتصادی داشته باشیم؟

در شماره شنبه ۱۵ چاپ رسیده است. این فروردین انقلاب اسلامی گزارشی نیز مثل بقیه مطلبی تحت عنوان "گزارش رئیس‌جمهور به مردم درباره وضع اقتصادی کشور" به دارد اما به راه حل‌ها بقیه در صفحه ۲

استقبال بی نظیر مردم از مراسم ششمین سالگرد حماسه شهادت



"دشمن می‌خواهد ما متفرق باشیم، ما می‌گوئیم باید برای پیروزی بر امپریالیسم و حفظ دستاوردهای انقلاب که خونبهای شهیدان عزیز ماست متحد شویم." در صفحه ۱۴

پایبندی به سنت‌های انقلابی سازمان یعنی دفاع بی‌تزلزل و قاطع از انقلاب نماینده سازمان بر مزار شهدای انقلاب و جنگ مقاومت خطاب به خانواده پاسدار شهیدی که همانروز به خاک سپرده شده بود گفت:

به استقبال اول ماه مه برویم

"جنبش جهانی ۸ ساعت کار و اول ماه مه"

☆ ۹۵ سال پیش یکی از رهبران جنبش اول ماه مه، هنگامی که در بیدادگاه‌های سرمایه‌داری آمریکا محاکمه می‌شد، پس از شنیدن حکم اعدام توسط قضات، فریاد برآورد: "امروز اگر شما صدای حق‌طلبانه ما را به زور گلوله خاموش می‌کنید، مطمئن باشید که این صداها دیگر خاموش شدنی نیست و هر روز طنین آن رساتر خواهد شد." امروز فریاد رزمندگان به خون خفته اول ماه مه از گلوی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش در سراسر جهان، طنین‌انداز است. فریادهایی که به نشانه محکومیت ابدی استثمار، ستم، جهل و قوانین متحجر سرمایه‌داری.

اسلام آمریکایی علیه
روحانیت مبارز تجهیز
می‌شود
در صفحه ۱۱

یاد شهدای حوادث خونین دانشگاه را گرامی داریم

در سالگرد حوادث خونین دانشگاه بار دیگر بر ضرورت بازگشایی دانشگاه‌ها تأکید می‌کنیم
در صفحه ۱۲

متحد شویم

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

بمه از صفحه ۱

۴ سوال از آقای...

اشاره نشده است. مطالب مثل همیشه به گونه‌ای آمده است که خوانندگان کم و بیش درمی یابند کدام راه حلها را رئیس جمهور قبول ندارد. اما طبق معمول، رئیس جمهور راه حل خود را ارائه نمی دهد. با این همه وقتی به دقت نوشته ها و گفته های رئیس جمهور بررسی شود، می توان دریافت که سرانجام رئیس جمهور به کدام راه حلها خواهد رسید. در تمام گفته ها و نوشته های رئیس جمهور مسائل به گونه ای طرح می شوند که ناگزیر همه راهها به رم، پاریس، لندن، توکیو و خلاصه به اروپای غربی و ژاپن ختم می شوند. اما با این همه رئیس جمهور در خیلی از موارد به سئوالات مشخص مردم پاسخ نمی دهد و همین سبب شده است که از یک سو برخی از مردم به رئیس جمهور با خوش بینی نگاه نکنند و از سوی دیگر برخی از مردم تعبیرهای خوش آیند خود را از حرف های آقای رئیس جمهور داشته باشند.

ما تاکنون بارها از رئیس جمهور خواسته ایم به مهم ترین پرسشها که مردم از او دارند، پاسخ دهد. اما با وجود آنکه رئیس جمهور بسیار بیش از هر یک از مسئولان کشور می نویسد و می گوید، هر چند که رئیس جمهور تقریباً هر روز در روزنامه انقلاب اسلامی بحث و گفتگویی دارد، با این وجود هنوز حاضر نشده است به ابتدائی ترین پرسشهای مردم پاسخ دهد. ما بار دیگر برخی پرسشها را که برای مردم مطرح است و مردم می خواهند بدانند جواب رئیس جمهور به این پرسشها چیست، در زیر درج می کنیم و از آقای بنی صدر می خواهیم به این پرسشها صریحاً پاسخ دهد.

اما ابتدا به گزارش اقتصادی آقای رئیس جمهور اشاره داریم. در گزارش اقتصادی رئیس جمهور آمده است که تولید ملی نسبت به سالهای گذشته کاهش یافته، کشاورزی دچار وقفه و اخلاص شده، قیمتها رو به افزایش دارد، بیکاری گسترده است و خلاصه آن که وضع اقتصادی بد است.

آقای رئیس جمهور بارها بر این نکات تاکید کرده است. در واقع همگان می دانند که اوضاع اقتصادی دچار بحرانی گسترده و عمیق است. دوستان و نیز دشمنان انقلاب ایران نیز به این وضع توجه دارند. ما بارها در این دو سال گذشته تاکید کرده ایم که پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما مقابله ای همه جانبه با بحران اقتصادی کنونی را ضروری می سازد.

تمامی دوستان انقلاب ایران، تمامی کارگران و زحمتکشانی که با همه وجود خواهان به پیروزی رسیدن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران هستند، تمامی کسانی که در راه استقلال، آزادی، صلح و رفاه اجتماعی دست از جان شسته و در سراسر میهن به مبارزه ای پیگیر علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا ادامه می دهند، اهمیت مقابله با امپریالیسم و سرمایه داران وابسته را در عرصه اقتصادی عمیقاً دریافته اند.

دشمنان انقلاب ایران به بحران اقتصادی ایران چشم امید دوخته اند و آن را همچون حربه ای در مقابل انقلاب مردم رزمنده ایران به کار گرفته اند. امپریالیسم جهانی و همدستان داخلی آنها تا توانسته اند هر کاری کرده اند که به ابعاد بحران اقتصادی جامعه ما بیافزایند، تا انقلاب ایران را به شکست کشانند.

لیبرالها نیز به این امید باطل دل بسته اند که سرانجام امواج پرتلاطم بحران اقتصادی کنونی، مردم رزمنده میهن را به زانو درآورد، بار بیکاری و گرانی پشت کارگران و زحمتکشان را بشکند و راه را برای به دست گرفتن قدرت و اعمال سیاستهای سازشکارانه

سوال ۱- درباره کشاورزی و اصلاحات ارضی

دهقانان زحمتکش میهن از محروم ترین و ستمدیده ترین مردم جامعه ما هستند. مبرم ترین خواست برحق آنان اجرای بند "ج" و "دال" اصلاحات ارضی است. ما از شما می پرسیم نظر روشن و صریح شما درباره اصلاحات ارضی چیست؟ به بیانی دیگر به نظر شما آقای رئیس جمهور تکلیف و ابعاد مالکیت زمین چگونه و در چه جهتی باید معلوم شود؟

نه تنها دهقانان زحمتکش بلکه تمامی توده های انقلابی میهن ما به اهمیت اجرای اصلاحات ارضی واقفند. همه می دانند که خرابکاریهای زمینداران بزرگ، جلوگیری آنها از کاشت، داشت و برداشت محصول توسط دهقانان زحمتکش، از کارانداختن تراکتورها، پمپهای آب و دیگر ماشین آلات کشاورزی باعث اختلالاتی در تولید کشاورزی شده است. مسئله در این است که با این وضع چگونه مقابله شود. آیا زمینداران بزرگ بر سر کار آیند و ستم دیرین را بر دهقانان زحمتکش روا دارند یا آن که از آنان خلع ید شود و زمین از آن کسانی شود که روی آن کار می کنند؟ این است نکته اساسی در تعیین تکلیف و ابعاد مالکیت زمین. آقای رئیس جمهور، برای همیشه نمی توان با خواندن صورت مسئله از حل آن احتراز جست. مردم میهن ما به ویژه میلیون ها دهقان زحمتکش ایران می خواهند از نظر شما در این باره آگاه شوند.

این را بگوئیم که همه می دانیم که اگر تولید زیاد باشد خوب است، اگر زمینهای کویر سرسبز شوند، خوب است. اما دهقانان زحمتکش میهن ما می گویند با تقسیم اراضی زمینداران بزرگ میان دهقانان بی زمین و کم زمین، نه تنها تولید افزایش خواهد یافت بلکه زندگی فقرا نیز و ستم بار دهقانان زحمتکش میهن نیز بهبود خواهد پذیرفت اما قبل از هر چیز مسئله خلع ید از زمینداران بزرگ مطرح است. مردم ایران نظر صریح و روشن شما را در این باره خواهند.

سوال ۲- درباره ملی کردن تجارت خارجی

یکی از مهم ترین حلقه های پیوند اقتصادی وابسته ایران به امپریالیسم جهانی و نیز یکی از مهم ترین عوامل تشدید کننده بحران اقتصادی کنونی جامعه ما، تجارت خارجی است که در دست معدودی تجار بزرگ قرار گرفته است. وجود تجارت خارجی در دست سرمایه های بزرگ تجاری مانعی عظیم در مقابل مبارزه با وابستگی اقتصادی است و همچنان که مردم میهن شاهد بوده اند، عاملی مهم در روند افزایش فوق العاده قیمتها بوده است. رضاصدر وزیر بازرگانی دولت لیبرال بازرگان با به اجرا درآوردن طرح مراکز تهیه و توزیع، سیاست ملی کردن تجارت خارجی را به نفع تجار بزرگ به انحراف کشانید. ما از شما می پرسیم برنامه و پیشنهاد شما در مورد ملی کردن تجارت خارجی چیست؟ هم اکنون دولت موظف است تا آخر این ماه طرح ملی کردن تجارت خارجی را به مجلس ارائه دهد، مردم ایران می خواهند بدانند شما در این باره چه نظری دارید و هم اکنون چه طرحی در این زمینه پیشنهاد می کنید؟

سوال ۳- درباره صنایع وابسته

مردم میهن ما بدرستی آگاهند که بخش عظیمی از صنایع کشور ما در دست سرمایه داران وابسته و تحت تابعیت انحصارات امپریالیستی قرار داشته است. قانون "حفاظت و توسعه صنایع ایران" که در زمان دولت لیبرال مهندس بازرگان به تصویب شورای ۲۶ بقیه در صفحه ۲۶

تجدید و تحکیم روابط سلطه آمیز وابستگی هموار یابند.

از این روی بیش از آنکه توجه به وجود بحران اقتصادی از جانب رئیس جمهور یا هر مقام و نیروی اجتماعی دیگری حائز اهمیت باشد، شیوه برخورد با آن و سیاستهای مورد توجه است که دارای اهمیت است.

آقای رئیس جمهور در این گزارش نوشته است: "با اینکه شعارهای کلی اقتصادی روشن است و تقریباً همه آن را بارها تکرار کرده اند، ولی عملکرد داخلی آن پیوسته در تناقض و تضاد باقی مانده است... شعارها باید در استراتژی و برنامه عملی برای توسعه اقتصادی تبلور یابد..."

آری شعارهای اقتصادی یعنی خواستهای اقتصادی توده های محروم و انقلابی میهن ما معلوم است. این شعارها تنها یا دنبال کردن برنامه ای در جهت برپائی اقتصادی مستقل و به دور از وابستگی به امپریالیسم تحقق پذیر خواهد بود.

اما پرسش اصلی برای مردم میهن این است که استراتژی و برنامه عملی "پیشنهادی آقای رئیس جمهور برای تحقق بخشیدن به این شعارها چیست؟ ما بارها این سوال را از رئیس جمهور پرسیده ایم و هنوز هم رئیس جمهور پاسخ آن را به مردم ایران نداده است.

در این گزارش رئیس جمهور به جای ارائه "راه حل و برنامه عملی" مشکلاتی را برشمرده است. در پایان گزارش، در آنجا که انتظار می رود او سیاست مقابله با مسائل اقتصادی را مطرح کند آمده است:

"در شرایطی که امنیت وجود ندارد... تکلیف و ابعاد مالکیت روشن نیست... خیل بیکاران در حال افزایش

است... عوارض جنگ تحمیلی امریکا و عراق به تمام زمینها اثر گذارده است... چگونه می توان انتظار داشت برنامه عملی بر استراتژی قابل قبول را به مورد اجر گذارد؟"

بنابراین چون به زعم آقای رئیس جمهور امنیت نیست، (برای که نیست و برای که باید باشد؟) تکلیف مالکیت معلوم نیست (تکلیف مالکیت در چه جهتی باید معلوم شود؟)، بیکاری زیاد است و عوارض جنگ تحمیلی گسترده است، کاری نمی توان کرد! آیا این است بیان راه حل بحران اقتصادی جامعه ما؟ این که جز تکرار صورت مسئله نیست! و هر آدم عامی هم می تواند شب و روز این صورت مسئله را تکرار کند. مشکل ما امروز در ارائه راه حل منطبق با مصالح انقلاب به این مسائل است و نوع راه حل و سیاستهای پیشنهادی است که ماهیت هر نیرویی را مشخص می کند.

از آنجا که تاکنون رئیس جمهور این شیوه را دنبال کرده که به جای طرح صریح "استراتژی و برنامه عملی" خود، تنها جنبه های از مسائل اقتصادی را که ابعاد و اهمیت آن بر همگان روشن است، تکرار کند، ما چهار سوال زیر را بطور صریح از ایشان می پرسیم: ۱- ما از آقای رئیس جمهور می پرسیم در حالیکه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا می کوشد انقلاب ایران را به انحراف و شکست کشاند و در این راه با همدستی سرمایه داران وابسته از انجام هیچ گونه عمل خرابکارانه ای کوتاهی نکرده و نخواهد کرد، برنامه شما برای مقابله با فشارهای امپریالیسم، با بیکاری گسترده و گرانی دم افزون، برای تامین خواستهای برحق کارگران و زحمتکشان شهری و روستائی، برای ایجاد امنیت برای توده های محروم و زحمتکش در مقابل غارتگری، ستم و استثمار امپریالیستی، برای معلوم کردن تکلیف و ابعاد مالکیت به ترتیبی که سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ دیگر نتوانند میلیون ها کارگر و زحمتکش شهری و روستائی میهن را تحت ستم و استثمار قرار دهند، در زمینه های مشخص زیر چیست؟

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

با انقلاب یا علیه انقلاب

این حناها دیگر رنگی ندارد!

مهندس بازرگان طی یک آگهی مطبوعاتی از مردم خواسته است که کمک‌های مالی خود را به شماره حساب ویژه‌ای واریز کنند و بدین وسیله اعتراض خود را به توقیف روزنامه میزان و زندانی شدن رضا صدر اعلام نمایند. این شگرد بسیج لیبرال‌ها و سازشکاران که تازه‌ترین عوام‌فریبی لیبرال‌هاست قطعاً به علت خالی بودن کیسه سردمداران نهضت آزادی برای گذاشتن وثیقه جهت آزادی رضا صدر نیست، چراکه گوشه چشمی از طرف مدیران و مسئولین میزان کافی بود تا حامیان اصلی این روزنامه یعنی سرمایه‌داران، هزاران سند مستقالات و دارایی‌ها را رو کنند. همچنین این دعوت عمومی قطعاً نمی‌تواند برای حمایت از آزادی مطبوعات باشد به این دلیل ساده که توقیف و تعطیلی دهها نشریه مترقی و انقلابی باعث کوچکترین اعتراضی از جانب این لیبرال‌ها نشد. تنها شق باقی‌مانده همان عوام‌فریبی است که مهندس بازرگان به مدد سال‌ها تجربه در آن خیره و کارگشته شده است. این آقایان مترصد فرصت هستند تا از هر واقعه‌ای استفاده کنند و دوستان و طرفداران سازش با امپریالیسم آمریکا را متشکل نمایند آنها از لحظات پیش آمده بهره می‌جویند تا قدرت از دست رفته سرمایه‌داران، بزرگ مالکان، روحانیون مرتجع و بطور کلی همه آن اقلیتی که مستقیم و غیر مستقیم طرفدار سازش با امپریالیسم و دشمن انقلاب و پیشرفت آن هستند، اعاده گردد. اما اگر آقای بازرگان و دیگر طرفداران خط‌برزینسکی در عوام‌فریبی به راستی استاد هستند، توده‌های آگاه و بپا خاسته مردم قهرمان ایران نیز مدت‌هاست که نقاب از چهره آزادی خواهانه این آقایان زنگ! برداشته و آنها را همانطور که هستند شناخته‌اند. به آقای بازرگان باید گفت که این حناها دیگر رنگ ندارد!

کدام هیروت؟

از سنگسار و حد زدن فجیع قربانیان نظام سرمایه‌داری، در کرمان مدت درازی نمی‌گذرد که یک بار دیگر دادگاه ویژه مواد مخدر ۶ نفر از این مجرمین را در برابر دیدگان مردم، روشن در خیابان‌های تهران به گلوله می‌بندد تا به خیال خود درس عبرتی به خاطیان و بزه‌کاران دهد. برآستی مسئولین و تصمیم‌گیرندگان اینگونه اقدامات در کدام هیروت سیر می‌کنند؟ با این اعمال قصد گشودن کدام گره کور از معضلات اجتماعی را دارند؟ به این آقایان چه می‌توان گفت جز اینکه چشم‌های فرو بسته خود را بکشایند و ببینند در کدام زمان و کدام مکان زندگی می‌کنند ببینند که بشر به

دشمن همیشه شمشیر بدست نمی‌گیرد!

* ما همیشه بر این نکته تاکید و اصرار داشته‌ایم که ادامه و تعمیق انقلاب در شرایط کنونی مستلزم اجرای یک رشته اقدامات اساسی در جهت برآورده کردن خواست‌های به حق طبقات زحمتکش جامعه است. دموکراتیزم اقتصادی و ایجاد تحول در حیات اقتصادی و اجتماعی کارگران و دهقانان شرط بقا و تداوم انقلاب است. تنها با تکیه بر پشتیبانی و حمایت اکثریت محروم جامعه و در راس آنان کارگران و دهقانان انقلاب زنده و پویا می‌ماند و این جهت‌گیری خلقی بدون پاسخگویی به نیازهای اساسی این زحمتکشان متحقق نخواهد شد. سخنان روز جمعه حجت‌الاسلام خامنه‌ای می‌تواند حرکتی ارزنده و مثبت در این جهت باشد، آقای خامنه‌ای طی سخنان خود ضمن اشاره به "اختلاف سطح زندگی مردم" گفت:

"آنهایی که حاضرند به قیمت پولدار شدن خودشان به قیمت افلاس و بیچارگی مردم، خود را و کیسه خود را انباشته کنند، اینها دشمنان انقلاب اسلامی‌اند، دشمن، همیشه شمشیر به دست نمی‌گیرد و اسلحه نمی‌بندد، دشمنی سخت‌تر و سهمگین‌تر این است که اساس نظام جمهوری اسلامی را با این روش‌ها و اخلاقیات منززل کنند"

حجت‌الاسلام خامنه‌ای اضافه کرد:
"طبقه محروم و مستضعف بدانند که سربازان انقلاب آنها را بهره‌وران نهایی از این انقلاب و این جمهوری اسلامی هم آنها را"

— آقای خامنه‌ای در معرفی یک نظام اقتصادی سالم معیار واقع‌بینانه خود را اینچنین عنوان کرد:

"اگر نظام اقتصادی جامعه طوری باشد که مردم متوسط جامعه به طرف اشرافی شدن کشیده بشوند و مردم فقیر به طرف فقیرتر شدن بروند این نظام اجتماعی غلط است. در جامعه باید روال اقتصادی طوری باشد که مردم فقیر بسوی رفاه حرکت بکنند اما مردمی که از رفاه برخوردار هستند به سوی رشد سرمایه و رفاه سیر نکنند زیرا باز اختلاف سطح زندگی مردم باقی می‌ماند"

آقای خامنه‌ای در ادامه گفتار خود به درستی نتیجه می‌گیرد:

"باید وضع اقتصادی و ترکیب برنامه‌های دولت جمهوری اسلامی طوری باشد که مردم فقیر و مستمند که اکثریت جامعه ما را تشکیل می‌دهند بروند به سمت یک زندگی مرفه کامل"

ما ضمن تایید مضمون مردمی سخنان آقای خامنه‌ای از دولت می‌خواهیم که طرح‌هایی را که در جهت منافع زحمتکشان جامعه و خلعید از دشمن بی‌شمسیر "انقلاب است هرچه زودتر به مورد اجرا بگذارد.

مدد دانش و تجربه چه دستاوردهای گرانبهایی در زمینه تعلیم و تربیت بزه‌کاران و مجرمان کسب کرده است. مردم تهران در مقابل این اقدام واکنش منفی از خود نشان دادند. از جمله یکی از فروشندگان خیابان ناصرخسرو می‌گفت: "آخر کسی نیست به اینها بگوید که اگر هدف شما ترساندن قاچاقچیان است چرا اینکار را در وسط شهر که محل عبور و مرور مردم عادی و زن و بچه است انجام می‌دهید؟"

(به نقل از اطلاعات ۲۲ فروردین ۶۰)

ببینید که امپریالیست‌ها چگونه در کمین نشسته‌اند تا به مدد عقب‌افتادگی آقایان ماهیت مترقی انقلاب ایران را وارونه و مخدوش جلوه دهند؟ ببینند که لیبرال‌ها چگونه از قبل این بلاهت‌ها "نان" می‌خورند و سرمایه سیاسی می‌اندوزند؟ اگر مبارزه موثر و قاطع با قاچاقچیان و ریشه‌کنی مواد مخدر و توزیع کنندگان آن یک اقدام انقلابی است، اگر اعدام آن دسته از قاچاقچیان که سوداگران حرفه‌ای مرگ هستند یک وظیفه و مسئولیت جدی است که بر دوش دولت و ارگان‌های اجرایی می‌باشد، در همان حال اعدام خیابانی این مجرمین در نقاط پر ازدحام شهر و در برابر دیدگان مردم اقدامی از سر بی‌مسئولیتی و کج فهمی بود. از هر زاویه‌ای به آن بنگریم خطا و اشتباه است. مردم از مسئولین دادگاه می‌خواهند که چشم خود را بر روی واقعیات بکشایند و بیش از این آب به آسیاب دشمن نریزند.

سیستان و بلوچستان را دریابید!

سیستان و بلوچستان بدون شک یکی از مناطق حساس ایران است که ضدانقلاب فعالیت خود را در آن متمرکز کرده است تا در لحظه مناسب دست به اقدامات گسترده‌ای علیه انقلاب بزنند این وضعیت حساس و خطیر از یک سو ناشی از زمینه‌های عینی فقر و عقب‌ماندگی این استان و از طرف دیگر به علت هجوم مهاجرین افغانی است. تعداد بسیاری از این مهاجرین که از طرف فتودال‌ها و مرتجعین و وابستگان افغانی پشتیبانی می‌شوند با دست زدن به قاچاق مواد مخدر، دزدی و تجاوز به نارضایتی مردم و بی‌امینیتی در سراسر ایران دامن می‌زنند و اهرم‌های مناسبی برای فعالیت ضدانقلاب می‌شوند. اخبار حاکی از آن است که هر روزه تعدادی از این مهاجرین به جرم حمل و فروش مواد مخدر دستگیر می‌شوند. اخیراً باندسارقی که اقدام به فروش ماشین‌های مسروقه می‌کردند کشف شد. که دو نفر از فراریان افغانی از سران آنها بوده‌اند. مردم منطقه سیستان و بلوچستان خواهان بررسی جدی وضع افغان‌های فراری و پایان دادن به اقدامات ضدانقلابیون افغانی هستند. اقدامات اخیر مسئولین منطقه مبنی بر اسکان دادن مهاجرین افغانی در اردوگاه‌ها می‌تواند گام مثبتی برای تعیین تکلیف نهایی آنها و کنترل فعالیت‌های عناصر ضدانقلاب افغانی باشد. امروز دیگر آشکار است که دستجات ضدانقلابی افغانی که از جانب سیا و درپایگاه‌های رژیم ضیاء‌الحق تعلیم و سازمان می‌یابند در میان مهاجرین افغانی و حتی در اردوگاه‌هایی که دولت برای افغانی‌ها برپا کرده است تا چه میزان نفوذ دارد و چگونه علیه انقلاب ما و افغانستان بقیه در صفحه ۱۷

مرک بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

به استقبال اول ماه مه برویم

جنبش جهانی ۸ ساعت کار و اول ماه مه

منشاء پیدایش اول ماه مه روز جهانی کارگر به نحوی جدائی ناپذیر با یکی از مهم ترین خواست های طبقه کارگر که خصلت بارز سیاسی دارد، یعنی کاهش روزانه کار در آمیخته و با آن عجین شده است. تقریباً همزمان با پیدایش اولین طلائی های صنعت در آمریکا، همانند همه مراکز صنعتی جهان، مبارزه به خاطر کاهش روزانه کار نیز شروع شده و دم به دم توسعه یافت.

در اوایل قرن نوزدهم، کارگران آمریکا بانگ اعتراض خود را بر ضد کار "از بام تا شام" که در آن روزها بسیار رواج داشت، بلند کردند. جریان محاکمه توطئه گرانه رهبران کارگران اعتصابی دباغ در فیلادلفیا در سال ۱۸۰۶ به خوبی روشن ساخت که چگونه سرمایه داران کارگران را حتی به ۲۰ ساعت کار در روز نیز وامی داشتند. دهه های ۱۸۲۰ و ۱۸۳۰ سراسر مملو از اعتصابات کارگران به خاطر کاهش روزانه کار بود. در این زمان خواست مشخص ۱۰ ساعت کار روزانه در بسیاری از مراکز صنعتی مطرح بود. هر زمان که کارگران در جریان عمل مستقیم توده های خود، مبرم ترین مطالبات خود را به گونه ای حساب شده اعلام می کردند، خواست کاهش ساعات کار و حق ایجاد تشکیلات اتحادیه ای پیوسته در صدر مطالبات آنان قرار می گرفت. در واقع به موازات افزایش شدت استثمار و تشدید فشار طاقت فرسائی که کارگران از طریق ساعات طولانی کار متحمل می شدند، مبارزه به خاطر کاهش روزانه کار نیز پیش از پیش گسترش یافته و ابعاد و دامنه های سراسری تر و خصلت و شکلی سیاسی تر پیدا می نمود و به عبارت دیگر به تدریج از

حالت یک شعار اقتصادی صرف بیرون آمده و به یک حرکت سیاسی وسیع بدل می شد. در همین رابطه است که مارکس و انگلس (آموزگاران خردمند پرولتاریا) از "جنبش ۸ ساعت کار" صحبت می کنند و آن را بمثابة یک شعار طبقاتی فراگیر و پیش برنده جنبش کارگری در سرلوحه تبلیغات صنفی - سیاسی کارگران قرار می دهند. در سال ۱۸۲۷ مبارزات پر دامنه کارگران به خاطر ساعات کار کمتر، دولت فدرال به ریاست جمهوری "ون بورن" را وادار کرد تا فرمان اجرای ۱۰ ساعت کار روزانه را برای کلیه صاحبان مشاغل دولتی صادر کند. هنوز مدت زیادی از زمان تحقق این خواست در بخشی از صنایع نگذشته بود که کارگران پرچم ۸ ساعت کار در روز را برافراشتند. دامنه جنبش کاهش روزانه کار، تنها محدود به مرزهای آمریکا نمی شد، بلکه در هرجائی که کارگران در معرض استثمار وحشیانه سرمایه داران قرار می گرفتند، این مبارزه به چشم می خورد.

در ۲۰ اوت ۱۸۶۶، نمایندگان سه اتحادیه ریخته گران، مکانسین ها و فلزکاران در بالتیمور گرد آمدند و "اتحادیه سراسری کارگران" را تاسیس کردند. شورای موسس "اتحادیه سراسری کارگران" آمریکا در کنگره موسسان خود در اوت ۱۸۶۶ قطعنامه زیر را به تصویب رساند:

"نخستین و بزرگترین ضرورت زمان حاضر برای رهائی کارگران این کشور از قید بردگی سرمایه داری، تصویب قانون هشت ساعت کار روزانه در تمام ایالت های آمریکا می باشد... ما همگی مصمم هستیم که تمام نیروی خود را برای رسیدن به این

خواست شکوهمند به کار گیریم." در اثر کوشش های "اتحادیه سراسری کارگران" جمعیت های ائتلافی هشت ساعت کار ایجاد شد. پس از مدتی به دنبال فعالیت های پیگیرانه اتحادیه، چند حکومت ایالتی هشت ساعت کار روزانه را برای بخش دولتی صنایع، قانونی اعلام کردند. کنگره آمریکا نیز در سال ۱۸۶۸ قانونی به همین مضمون را به تصویب رسانید. به دنبال صدور قطعنامه "اتحادیه سراسری کارگران آمریکا" مبنی بر لزوم تصویب قانون هشت ساعت روزانه کار در اوت ۱۸۶۶، کنگره انترناسیونال اول در ژنو نیز در سپتامبر همان سال همین خواست را در بیانیه خود مورد تاکید قرار داد. کنگره انترناسیونال در بیانیه خود تصریح نمود که "محدودیت قانونی روزانه کار، نخستین شرطی است که بدون آن تلاش های بیشتر در جهت بهبود وضع طبقه کارگر و رهائی او با شکست روبرو می شود... کنگره هشت ساعت کار را به عنوان حد قانونی روزانه کار پیشنهاد می نماید."

مارکس آموزگار و پیشوای کبیر پرولتاریای جهان در کتاب مشهور خود "سرمایه" ضمن تاکید بر اهمیت همبستگی طبقاتی بین کارگران سیاه پوست و سفید پوست در مورد پیدایش و گسترش جنبش ۸ ساعت کار در آمریکا چنین می گوید:

"در ایالات متحده آمریکا شمالی، تا زمانی که بردگی قسمتی از این جمهوری را لگه دار می کرد، هرگونه جنبش مستقل کارگری فلج گردیده بود در جائی که به کار سیاه پوست داغ ننگ زده است، کار سفید پوست نمی تواند رهائی یابد. ولی

از مرگ بردگی بلافاصله زندگی نوین پر قدرتی برخاست. نخستین ثمره جنگ داخلی، تبلیغ درباره ۸ ساعت کار بود که با سرعت بی مانندی از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام، از نیویورک تا کالیفرنیا بسط و گسترش یافت."

مارکس همچنین بر این نکته مهم تاکید می کند که چگونه "تقریباً بطور همزمان در فاصله دو هفته، کنگره کارگری بالتیمور و کنگره بین المللی ژنو در سوئیس هر دو در مورد ۵ ساعت کار روزانه تصمیم گرفتند."

نمایندگان کنگره ژنو در قسمتی از بیانیه خود در این مورد چنین می گویند:

"از آنجا که محدود کردن ساعات کار نشان دهنده خواست عمومی کارگران ایالات متحده آمریکای شمالی می باشد، کنگره این خواست را به برنامه عمومی تمام کارگران جهان تبدیل می کند" هماهنگی تصمیمات کنگره های بالتیمور و ژنو بیانگر مشابهت شرایط کار طاقت فرسائی بود که در تحت آن کارگران در سراسر جهان توسط سرمایه داران استثمار می شدند. این هماهنگی، تجلی روح همبستگی بین المللی و نمایشگر عزم و اراده واحد کارگران سراسر جهان در مبارزه بخاطر شرایط کار و زندگی بهتر بود.

۲۳ سال بعد در جریان اولین کنگره انترناسیونال دوم این همبستگی به خاطر آرمان های واحد و اهداف مشترک، به گونه ای ژرف تر و در مقیاسی وسیع تر به منصفه ظهور رسید.

تولد اول ماه مه در ایالات متحده آمریکا در هفتم اکتبر ۱۸۸۴

چهارمین کنگره "فدراسیون کارگران آمریکا" در قطعنامه خود تصویب نمود که: "فدراسیون اصناف و اتحادیه های متشکل کارگری ایالات متحده و کانادا مقرر می دارد که از اول ماه مه ۱۸۸۶ هشت ساعت روزانه کار، مدت قانونی کار خواهد بود. ما توصیه می کنیم که تمام تشکیلات کارگری در حوزه فعالیت خود از تاریخ فوق، این تصمیم را به مورد اجرا بگذارند."

قطعنامه فدراسیون در جنبش کارگران آمریکائی به خاطر هشت ساعت روزانه کار یک گام عملی به پیش محسوب می شد. در واقع فدراسیون که بناتزگی سازمان یافته بود، به نیروی عینی بسیج کننده شعار هشت ساعت روزانه کار پی برده بود. این شعار می توانست توده های وسیع کارگرانی را که در خارج از فدراسیون بودند و همچنین توده اعضای "سازمان مجاهدین کار" را که تشکیلاتی قدیمی تر و رشد یافته تر بود، به دور خود گرد آورده و متشکل کند. فدراسیون از "مجاهدین کار" درخواست کرد تا از جنبش هشت ساعت کار پشتیبانی کند. زیرا می دانست که فقط وحدت مساعی فعالانه و اقدام توده ای و مشترک تمامی کارگران متشکل قادر خواهد بود به نتایج مطلوب دست یابد. فدراسیون در کنگره پنجم خود در ۱۸۸۵ تصمیم گرفت که در اول ماه مه سال بعد (۱۸۸۶) راهپیمائی گسترده ای برگزار کند. به این منظور جمعیت های "هشت ساعت کار" در شهرهای مختلف آمریکا به وجود آمدند. در نتیجه فعالیت های پر دامنه بعدی "سازمان مجاهدین کار" و "فدراسیون" در صفحه ۵

اول ماه مه روز تجلی وحدت و همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشانشان را هر چه با شکوهتر برگزار کنیم

بند (ج) و (د) اجراء باید گردد

گزارشی از گردهمایی دهقانان روستای حومه آمل

به منظور پشتیبانی مجدد از طرح مترقی تقسیم زمین و هیئت‌های هفت‌نفره و در تأیید اجرای بندهای "ج" و "دال" این طرح، در تاریخ ۲۰ اسفند ۵۹ دهقانان روستاهای اطراف آمل و نمایندگان آنان در یک گردهمایی که در استادیوم ورزشی آمل و با شرکت بیش از ۲۰۰ نفر برگزار گردید، شرکت کردند.

ابتدا تنی چند از نمایندگان دهقانان مبارز سخنرانی کرده و خواهان اجرای کامل طرح اصلاحات ارضی شدند. سپس در قسمتی دیگر از برنامه یکی از دهقانان آگاه و مبارز با اجازه دهقانان حاضر ضمن تأکید بر اجرای کامل طرح اصلاحات ارضی، گفت:

"همین دولت بند "ج" را تصویب نمود ولی توطئه زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و حمایت روحانیون مرتجع طرفدار آنان از یک طرف و عدم پیگیری دولت از طرف دیگر باعث شد که این طرح عملاً متوقف گردد." وی سپس ادامه داد:

"ما دهقانان با حمایت خودمان خواستار اجرای مجدد بند "ج" هستیم." در پایان قرار شد که نمایندگان دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین جلساتی به منظور هماهنگی و پیگیری در اجرای طرح مذکور داشته باشند.

بند (ج) و (د)

کماکان خواست عمده دهقانان زحمتکش روستاهاست

طی روزهای گذشته شاهد اوج‌گیری مجدد اعتراضات گسترده زحمتکشان و دهقانان روستاها به همراه ارگان‌های انقلاب برای اجرای بدون وقفه بند "ج" و "دال" اصلاحات ارضی بوده‌ایم. سمینارها، گردهمایی‌ها و طومارها همه و همه گویای ضرورت شروع مجدد کار هیئت‌های هفت‌نفره در تمام عرصه‌ها و رسیدگی به خواست‌ها و نیازهای کشاورزان سراسر میهن برای تقویت جبهه انقلاب است. جالب توجه است که قطعنامه‌های سمینارها و گردهمایی‌ها و متون طومارها در هیچ مورد صرفاً به مطالبات دهقانان زحمتکش خلاصه نشده‌اند بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنها بر آمادگی روستائیان برای شرکت همه‌جانبه در جنگ تحمیلی آمریکا - صدام، حمایت همه‌جانبه از انقلاب و ضرورت پاسخگویی به مسائل روستائیان و روستاها برای افزایش تولیدات کشاورزی و قطع وابستگی از امپریالیسم تأکید داشته‌اند. جا دارد که مسئولین با اجرای کامل اصلاحات ارضی بخصوص بند "ج" و "دال" پاسخی اصولی به مکاتبات انقلابی و مبارزات دهقانان زحمتکش داده و انقلاب در روستاها را هرچه بیشتر گسترش دهند.

تاخیر در اجرای

بند (ج)

طرح

اصلاحات ارضی

به نفع دشمنان

انقلاب است



نهادهای انقلابی در کنار زحمتکشان خواهان ادامه اجرای بند (ج) و (د) اصلاحات ارضی هستند

در ۶ اسفند ماه ۵۹ به دعوت هیئت‌واگذاری زمین استان خوزستان، گردهمایی شوراهای اسلامی روستاهای این منطقه در محل اداره کل کشاورزی استان خوزستان برگزار گردید. در این گردهمایی نمایندگان ۱۸۰ شورای روستائی و تنی چند از اعضاء جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، مسئولین استانداری و بنیاد مستضعفین جهت بررسی طرح واگذاری اراضی به کشاورزان و پیرامون مسائل کشاورزی و ضرورت اجرای بند "ج" و "دال" به بحث و گفتگو نشستند.

در این گردهمایی، شرکت‌کنندگان بر لزوم اتحاد میان زحمتکشان و نهادهای انقلابی بخصوص هیئت‌های واگذاری زمین پای فشردند و فرمانده سپاه پاسداران خوزستان مهندس شمخونی طی سخنانی در مورد مخالفین اجرای بند "ج" گفت:

"مخالفینی که برای ساقط کردن حکومت اسلامی بپا خاسته‌اند. همین مخالفین بند "ج" و تقسیم ارضی می‌باشند زیرا آنها می‌دانند که اگر این طرح اجرا شود منافع آنان به خطر خواهد افتاد ولی مردم روستاهای ما باید با هم متحد شوند و علیه این توطئه‌ها بپا خیزند"

با امپریالیسم مقامات مسئول جمهوری اسلامی خواستار اجرای بند "ج" و "دال" قانون اصلاحات ارضی گردیدند. برخی از این روستاها عبارتند از:

توابع بخش نیر شهرستان اردبیل.

توابع بخش نیر شهرستان اردبیل.

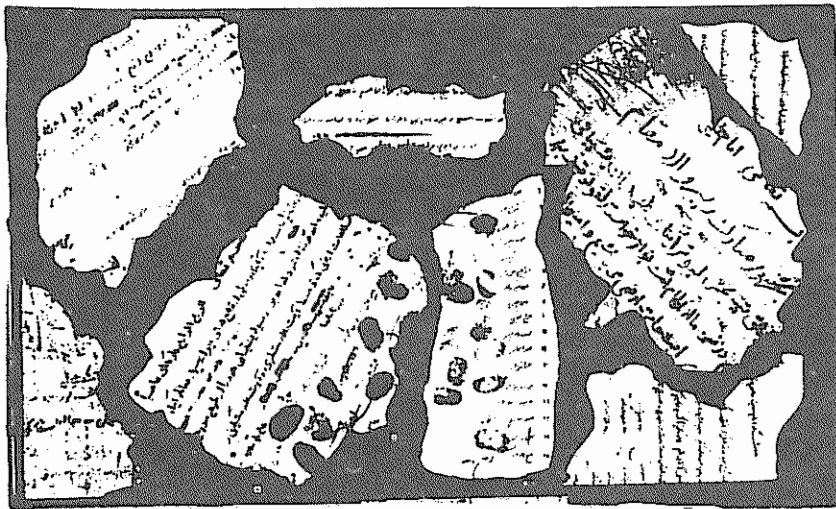
روستای قباق‌تپه از توابع بخش کبوترآهنگ شهرستان همدان.

روستای بیگم قلعه از توابع سلدوز شهرستان نقده.

روستای اوژان بلاغ از توابع بخش نیر شهرستان اردبیل.

روستای شمس‌آباد از توابع شهرستان قم.

روستای دمیرچی خرابه‌لی آذربایجان.



بند (ج) را اجراء کنید

نامه‌ها و طومارهایی در هفته گذشته از نقاط مختلف کشور به دست ما رسیده و در آن دهقانان زحمتکش ضمن اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ تحمیلی رژیم صدام و تأکید بر ضرورت افزایش تولیدات زراعی برای مبارزه

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



کامپوچیای نوین: در راه احیای ارزشهای ملی، سازندگی و ترقی اجتماعی



مردم کامپوچیا پس از پشت سر گذاشتن چهار سال حکومت ترور و اختناق دارو دسته پلپوت لبخند به لب به آینده امیدبخش می‌نگرند.

واحد های " ارتش خلق ویتنام " که به تقاضای دولت نوین به کمک آنها شتافته بودند استفاده کرد تاکنون بیش از ۵۰۰۰۰۰ راهزن پاکسازی شده‌اند. و بدین ترتیب شرایط لازم برای حل مسائل اقتصادی اجتماعی فراهم شده است. اولین وظیفه در این راه محو خطر قحطی بود. دسته‌های غارتگر پلپوت، قسمتی از ذخیره غلات را به چین حمل کرده بودند. و بقیه انبارها را در موقع عقب‌نشینی به آتش کشیده بودند. و بدین علت عملاً هیچگونه ذخیره مواد غذایی در کشور وجود نداشت. بلافاصله پس از رهایی کشور سیل کمک‌ها از اتحاد شوروی، ویتنام، لاوس و سایر کشورهای سوسیالیستی به کامپوچیا سرازیر شد. شش ماه بعد بعضی از سازمان‌های بین‌المللی نیز به صف کمک‌کنندگان پیوستند. پس از دریافت کمک‌ها، توزیع آنها مشکل بعدی بود چرا که دارودسته پلپوت تمام دستگاه اداری کشور را منهدم کرده بودند. علیرغم تمام این مشکلات شکم‌های متورم کودکان گرسنگی کشیده به تدریج به حالت طبیعی برگشت و جوانانی که ابتدا به اسکلت‌های زنده می‌ماندند بهبودی یافتند و توانایی کار را دوباره به دست آوردند.

در سال‌های ۱۹۷۹، هشتصد و پنجاه هزار هکتار زمین زیر کشت برنج و ۲۰۰۰۰۰۰ هکتار زمین تحت کشت ذرت و سایر محصولات قرار گرفت. در سال ۱۹۸۰، سطح زمین‌های زیر کشت به ۱/۵ میلیون هکتار رسید. و براین اساس خودکفایی مردم کامپوچیا از لحاظ مواد غذایی دیگر آرزوی دست نیافتنی نیست. تمام این موفقیت‌ها در شرایطی بدست آمده‌اند که چهار پنجم جمعیت کامپوچیا رازنان و کودکان تشکیل می‌دهند و در دوره شوم زمامداری پلپوت، زمین‌های زیر کشت به میزان دوسوم کاهش یافت و تعداد دام‌های باری از ۳۰۰۰۰۰۰ به ۷۰۰۰۰۰ راس رسیده بود. کارخانه‌های ویران شده توسط حکومت جنایتکار پلپوت، به تدریج باز سازی می‌شوند در حال حاضر چهار پنجم کارخانجات و کارگاه‌هایی که قبل از ۱۹۷۵ فعالیت می‌کردند مشغول به کار شده‌اند. نهادهای سیاسی و اداری دولت با کوشش‌های فداکارانه دولت انقلابی نوین به رهبری هنگ‌سامرین

اندکی بیش از دوسال قبل در ژانویه ۱۹۷۹، مردم ستم‌کشیده کامپوچیا تحت رهبری " جبهه متحد کامپوچیا برای نجات ملی " سرنوشت خود را از چنگ جنایتکاران دارودسته پلپوت - ینگساری رها ساختند. دارودسته پلپوت که آشکارا اعلام کرده بود که " از هشت میلیون جمعیت کامپوچیا تنها به یک میلیون نفر نیاز دارد " در مدت زمامداری خود تمام کوشش خود را بکار برد تا مردم کامپوچیا را که تازه از سلطه امپریالیسم نجات یافته بودند، به دوران سیاه قرون وسطایی و حتی به جامعه بدوی اولیه برگرداند. برای عملی کردن چنین زسالت شوم و ضدانسانی بود که دارودسته پلپوت در مدت حکومت خود بیش از یک سوم جمعیت کشور را (حدود سه میلیون نفر) را به هلاکت رسانید و بقیه را به کار طاقت‌فرسا در شرایط بسیار ابتدایی واداشت، تقریباً تمام دستگاه اقتصادی و دولتی و اداری کامپوچیا رانابود کرد و با هر چیزی که اثری از پیشرفت بشری داشت درافتاد. مضحک‌تر و تاسف‌بارتر از همه این بود که تمام این جنایات تحت شعار مبارزه برای رهایی مردم از ستم و استثمار انجام می‌گرفت.

اما مردم کامپوچیا علیرغم ضربات هولناک مادی که بر آنها وارد شده بود و علیرغم تاثیرات روحی بسیار مایوس‌کننده و انفعال‌آوری که اقدامات ضدانسانی جنایتکاران پلپوت در آنها بوجود آورده بود به موفقیت بسیار قابل‌توجهی در راه احیای ملی و سازندگی ملی نائل شده‌اند و این امر جهانیان را به تعجب واداشته است. بطور عمده چهار عامل را می‌توان دلیل این امر دانست: عامل اول آن است که رهایی مردم از چنگ جنایتکارانی که قصد انهدام آنها را داشتند باعث آزاد گشتن چنان انرژی عظیمی شد و چنان نیروی حیاتی و علاقه‌ای برای زندگی انسانی در آنها بوجود آورد که آنها علیرغم ضعف جسمی و روحی قادر شدند به قهرمانی‌های بی‌سابقه‌ای در عرصه کار و زندگی دست یازند. عامل دوم کمکی است که از طرف دوستان مردم کامپوچیا به آنها ارائه شد. عامل سوم غنای طبیعی سرزمین کامپوچیا است که به مردم آن کشور امکان داد و می‌دهد تا سالانه دویا سه باره کشت بپردازند و از آب رودخانه‌های وسیع و منابع زیر زمینی آن برای گسترش هرچه بیشتر تولید یاری گیرند. و بالاخره عامل چهارم آن است که " شورای انقلابی خلق کامپوچیا " از همان آغاز به دست گرفتن قدرت، سیاست اقتصادی و اجتماعی واقع‌بینانه‌ای درپیش گرفت و مردم کامپوچیا را صرف‌نظر از اعتقادات مذهبی آنها زیر پرچم خود گردآورد.

با این‌همه مردم کامپوچیا مجبور بودند زندگی صلح‌آمیز خود را سلاح در دست آغاز نمایند. این امر برای مقابله با راهزنان پلپوت که به صورت گروه‌های کوچک متشکل شده بودند و از هر فرصتی برای ضربه زدن به مردم این کشور استفاده می‌کردند ضروری بود. برای مقابله با حملات این گروه‌ها و پاکسازی مناطق غربی کامپوچیا از " ستادهای عملیاتی " پلپوت بود که از بهار سال ۱۹۷۹ نیروهای مسلح انقلابی کامپوچیا اقدامات وسیعی را آغاز نموده و در این امر از خدمات

بازسازی می‌شوند. سازمان‌های عمومی برپا می‌گردند. در حال حاضر تنها سازمان سیاسی فعال در کامپوچیای نوین، " جبهه متحد کامپوچیا برای نجات ملی " است. دستگاه دولتی و شوراهای ایالتی و شهری و روستایی روز به روز فعالتر می‌شوند. کارآیی رزمی " ارتش انقلابی خلق کامپوچیا " نیز به طور مداوم افزونتر می‌شود. حکومت خلقی کامپوچیا، کوشش و هزینه بسیاری برای بهداشت و آموزش عمومی صرف می‌کند. در چهار سال حکومت دارودسته پلپوت فعالیت آموزشی در کامپوچیا متوقف بود ولی امروز کودکان و جوانان با اشتیاق تمام، علیرغم کمبود بسیار مشهود امکانات، دوباره به آموزش مشغولند. در حال حاضر بیش از ۵۰۰۰ مدرسه ابتدایی و حدود بیست مدرسه متوسطه در کامپوچیا وجود دارد. حدود یک میلیون دانش‌آموز در این مدارس به تحصیل اشتغال دارند.

بهداشت عمومی، پس از رهایی وضع بهتری از آموزش نداشت. حدود چهار سال سوءتغذیه و تغذیه ناکافی و کار طاقت‌فرسا و اجباری اثرات بسیار ناگواری بر سلامتی مردم کامپوچیا گذاشته است. در حال حاضر سه بیمارستان بزرگ، در پنوم‌پن، پایتخت کامپوچیا وجود دارد به علاوه در هر ایالت یک پلی‌کلینیک و در هر اجتماع متشکل از چند روستا یک مرکز کمک‌های اولیه وجود دارد. مردم مناطق دوردست نیز توسط اکیپ‌های درمانی سیار مداوم می‌شوند. در فاصله دوسالی که از رهایی کامپوچیا می‌گذرد بیماری‌های شایع مثل مالاریا و اسهال خونی ریشه‌کن شده‌اند و میزان مرگ و میر به نحو قابل توجهی کاهش یافته است. با تمام کوشش‌های دولت انقلابی برای تربیت پزشک، کامپوچیای نوین تنها ۶۹ پزشک دارد در حالی که تعداد پزشکان در سال ۱۹۷۵، حدود ۷۰۰ نفر بودند. پزشکان ویتنام، اتحاد شوروی، کوبا و سایر کشورهای سوسیالیستی به پزشکان کامپوچیایی یاری می‌رسانند.

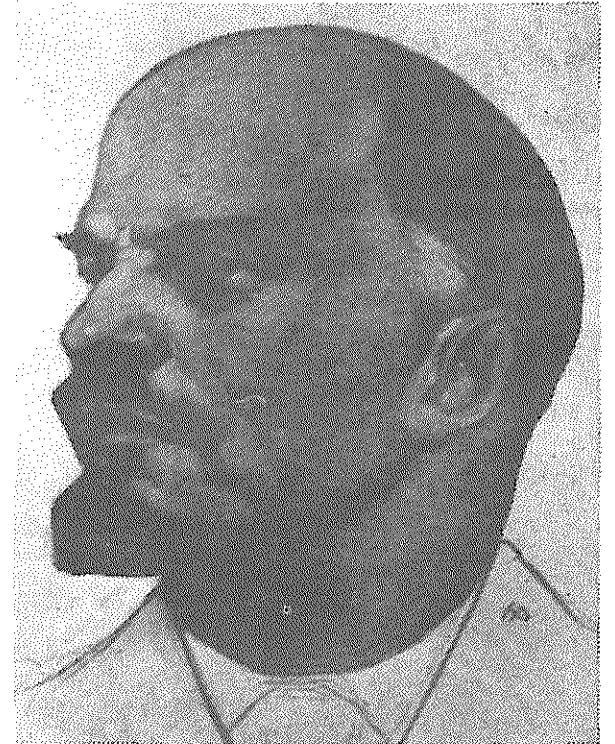
کامپوچیای خلقی نوین، همچنین به موفقیت‌های بزرگی در عرصه بین‌المللی دست یافته است. ۳۱ کشور از جمله کشورهای اردوگاه سوسیالیستی، دولت جدید را به عنوان نماینده خلق کامپوچیا به رسمیت شناخته‌اند. و این در حالی است که دولت‌های آمریکا و چین همچنان سعی می‌کنند دولت موهوم و خیالی " کامپوچیای دمکراتیک " را که جنایتکاران پلپوت علمدار آن هستند در مقابل نماینده واقعی مردم کامپوچیا قرار دهند.

مردم کامپوچیا همراه با تمام بشریت مترقی و در راس آن کشورهای سوسیالیستی در راه احیای ارزش‌های ملی، سازندگی و ترقی اجتماعی گام برمی‌دارند نیروهای انقلابی سراسر جهان نیز با علاقه‌مندی و احساس همدردی کوشش‌های قهرمانانه آنها را دنبال می‌کنند و با تمام نیرو و امکاناتشان به کمک آنها می‌شتابند.

به مناسبت صد و یازدهمین سال تولد لنین

پرچمی که لنین بلند کرد جاودانه در اهتزاز است

همه جهانیان آثار لنین را می‌خوانند



به پیش، دوگام به پس، " دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک"، " ماتریالیسم و امپریوکریسیسم"، "امپریالیسم بمثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری"، "دولت و انقلاب" و... رانام برد.

"چه باید کرد؟" نقش بسیار مهمی در تاریخ حزب کمونیست شوروی و جنبش جهانی کمونیستی داشته است. این کتاب ۱۹۹ بار در خارج شوروی (در بیش از ۳۷ کشور و به ۴۱ زبان) منتشر شده است. "یک‌گام به پیش، دوگام به پس" ۹۴ بار در ۲۷ کشور جهان به چاپ رسیده است. "ماتریالیسم و امپریوکریسیسم" بیش از ۱۷۲ بار در بیش از ۳۵ کشور جهان به ۲۸ زبان چاپ شده است. بالاخره "امپریالیسم بمثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری" ۳۲۴ بار در ۴۴ کشور جهان، "دولت و انقلاب" ۳۸۹ بار به ۴۸ زبان و در بیش از ۵۰ کشور به چاپ رسیده‌اند.

در کشورهای آسیا و آفریقا و کشورهای جهان سوم عموماً بیش از ۱۱۰۰ اثر لنین منتشر شده است. در میان این کشورها باید از هندوستان نام برد که در آنجا بیش از ۴۰۰ اثر لنین منتشر شده‌اند. آثار لنین همچنین در برمه، کامبوجیا، فلسطین اشغالی، سوریه، ترکیه، تانزانیا، مالاگامی، سریلانکا، کلمبیا، مکزیک، اروگوئه، برزیل و سایر کشورها می‌توان نام برد.

در سالهای اخیر در میهن ما نیز جنب و جوش عظیمی برای انتشار و مطالعه آثار پرارزش رفیق لنین به چشم می‌خورد. انتشار آثار لنین که تا قبل از سالهای اوج جنبش توده‌ای در شرایط مخفی و با سخت‌ترین فشارها و محدودیت‌های

تمامی انقلابیون و خلقهای جهان است. آثار او در ابتدا در کشورهای اروپایی منتشر شدند. اولین بار در سال ۱۹۰۲ "چه باید کرد" به زبان انگلیسی در لندن منتشر گردید. این اولین اثر لنین بود که به یک زبان خارجی منتشر می‌شد. در سال ۱۹۰۵ آثاری از او در بلژیک و سپس در ۱۹۰۹ در فرانسه ۱۹۱۶ در نروژ و آمریکا، ۱۹۱۷ در اتریش و فنلاند و سپس در ۱۹۱۸ در امریکای لاتین و ۱۹۲۰ در آسیا و آفریقا منتشر گردیدند. و بالاخره در سال‌های ۱۹۳۰ چاپ آثار وی در ژاپن آغاز گردید.

هم‌اکنون در جهان آثار لنین به بیش از ۷۰ زبان منتشر شده است. جنبش کارگری و کمونیستی جهان در کشورهای گوناگون نقش مهمی در انتشار این آثار ایفا نموده است. این کوشش بخصوص در کشورهایی که فشار اختناق و دیکتاتوری خونین بیداد می‌کند و اغلب پیدا شدن یک اثر لنین نزد هر شخصی برابر با محکومیت‌های بسیار سنگین است، قابل توجه است.

در دوران حکومت نازی‌ها در آلمان، حزب کمونیست این کشور اغلب آثار لنین را با نام‌هایی ساختگی منتشر می‌کرد. مثلاً "دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک" با نام "راه ملت آلمان در ۳۳ - ۱۹۱۴" منتشر گردید و... در میهن ما نیز برخی آثار لنین به همین ترتیب در سال‌های آخر دوران اختناق و سرکوب محمد رضای معدوم منتشر شدند. کمونیست‌های آلمان در سخت‌ترین شرایط برخی آثار لنین را با تیراژ ۳۰ هزار نسخه منتشر می‌کردند.

چاپ آثار لنین در مجارستان و رومانی در

بیش از انقلاب کبیر اکتبر، آثار لنین بجز تعداد معدودی که به شکل علنی منتشر شدند، اکثراً به شکل مخفی چاپ و منتشر می‌شدند. در این دوره طبق آمار موجود در حدود ۶۰۰,۰۰۰ نسخه آثار لنین چاپ و منتشر شد که ۲۱۲ عنوان کتاب یا جزوه را شامل می‌شد.

اولین اثر لنین که به چاپ رسید "دوستان مردم کیانند و چگونه علیه سوسیال‌دمکرات‌ها مبارزه می‌کنند" بود. این اثر به صورت پلی‌کپی بطور غیرقانونی چاپ شده و در سال ۱۸۹۴ منتشر گردید. در سالهای مبارزه مخفی بیشتر آثار لنین در خارج از روسیه به صورت کتاب و یا گاهنامه چاپ می‌شدند و سپس بطور مخفیانه به روسیه آورده می‌شدند. بسیاری از این آثار تنها پس از انقلاب پیروزمند اکتبر از جاسازی‌ها خارج شدند.

اینک در صد و یازدهمین سالروز تولید لنین، آثار او در سراسر جهان با استقبال بی‌نظیری روبرو است. در اتحاد شوروی آثار لنین ۱۴,۰۰۰ بار و به ۶۶ زبان خلقهای این کشور و ۵۲ زبان خارجی - در مجموع ۱۱۸ زبان - به تیراژی برابر ۵۰۰ میلیون نسخه منتشر شده است.

از سال ۱۹۲۰ تاکنون "مجموعه آثار" لنین ۵ بار در شوروی چاپ شده است: چاپ اول مجموعه آثار "۲۰ جلدی" در بین سالهای ۲۶ - ۱۹۲۰ در ۲۶ جلد شامل ۱,۵۱۳ اثر لنین منتشر گردید. چاپ دوم و سوم در ۳۰ جلد بین سالهای ۳۲ - ۱۹۲۵ شامل ۲,۷۷۸ اثر لنین منتشر گردید. چاپ چهارم در ۳۵ جلد در سالهای ۵۰ - ۱۹۴۱ شامل ۳۰۰۲ اثر و بالاخره چاپ پنجم مجموعه آثار لنین در سالهای ۶۵ - ۱۹۵۸ در ۵۵ جلد شامل ۸,۷۰۲ اثر لنین تکمیل و منتشر گردید.

مجموعه آثار لنین به زبان‌های اوکرائینی، ملداوی به چاپ رسیده و انتشار آن به زبان‌های ازبکی، قزاقی، آذربایجانی، ارمنی، لیتوانی در حال تکمیل می‌باشد. همچنین چاپ و انتشار مجموعه آثار به زبان ویتنامی به وسیله انتشارات پروگرس در حال اتمام می‌باشد. چاپ پنجم "مجموعه آثار" هم‌اکنون به بیش از ۴۱ میلیون رسیده است.

علاوه بر مجموعه آثار انتشار "منتخب آثار" لنین و یا منتخبی از نوشته‌های او حول یک مسئله مشخص و یا سایر آثار جداگانه لنین ابعادی بسیار وسیع داشته است.

در خارج از زادگاه لنین آثار او مورد استقبال

در اتحاد شوروی آثار لنین به ۶۶ زبان خلقهای این کشور و ۵۲ زبان خارجی در مجموع ۱۱۸ زبان به تیراژی برابر ۵۰۰ میلیون نسخه منتشر شده است.

بسیار صورت می‌گرفت، در این سالها رونق و گسترش بی‌نظیری به خود گرفت. بسیاری از آثار مهم لنین همچون "چه باید کرد؟"، "امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه‌داری" و... بارها و بارها به طرق گوناگون تجدید چاپ شدند و در تیراژهای مختلف به سرعت نایاب گردیدند. هم‌اکنون برخی آثار لنین به صورت‌های گوناگون ترجمه و منتشر می‌شوند و با استقبال بی‌نظیر هواداران سوسیالیسم علمی و اندیشه‌های سترگ لنین روبرو می‌شوند. اما مسلماً تا رسیدن به یک برنامه منظم و جامع متناسب با شرایط انقلاب میهنمان برای انتشار آثار رفیق لنین راه طولانی درپیش داریم. راهی که باید به کوشش تمامی رهروان راه لنین طی شده و هموار گردد.

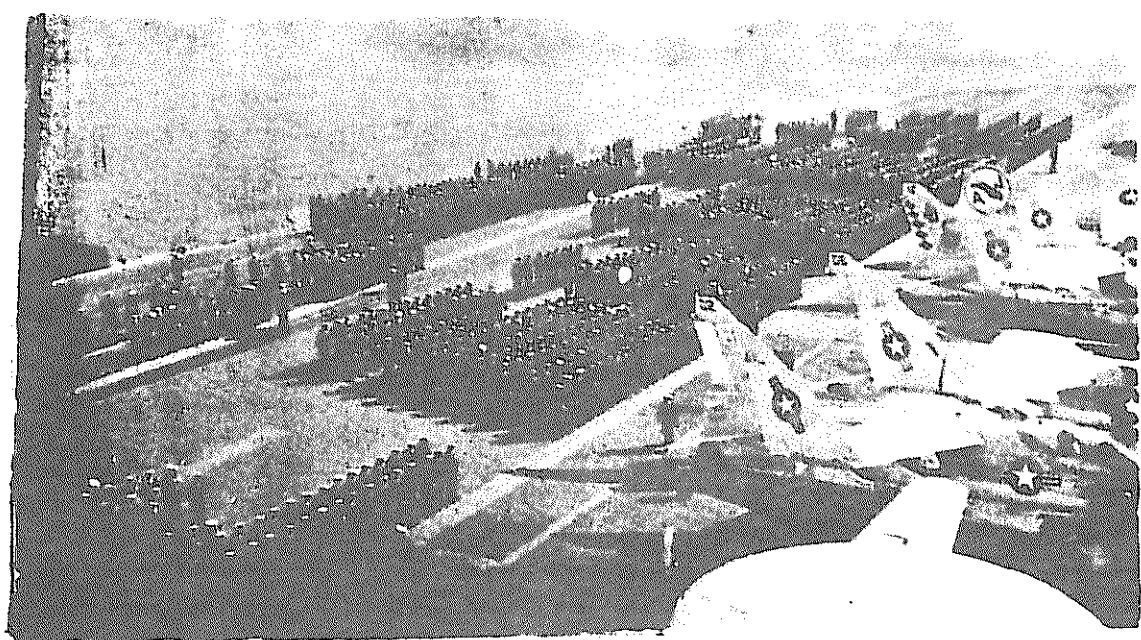
در صد و یازدهمین سال تولد آموزگار پرولتاریا اندیشه‌های درخشان و دورانساز او در سرتاسر جهان انعکاس یافته‌اند و هر روز با استقبال فزاینده‌تر اردوی بیشتر کارمندان. پرچمی که لنین بلند کرده است، جاودانه در اهتزاز است.

سال‌های ۱۹۱۸ و در بلغارستان و یوگسلاوی در سال ۱۹۱۹ و در چکسلواکی در سال ۱۹۲۰ آغاز گردید. برقراری حکومت‌های توده‌ای در برخی کشورهای اروپایی، آسیایی و کوبا دوران جدیدی را در انتشار وسیع آثار لنین در این کشورها گشود. از پایان جنگ جهانی دوم بدین سو، آثار لنین بیش از ۳۰۰ بار در کشورهای سوسیالیستی (بجز اتحاد شوروی) به چاپ رسید که ۴۰٪ مجموع آثار منتشره لنین به زبان‌های خارجی را شامل می‌شود. تمامی کشورهای سوسیالیستی در حال انتشار "مجموعه آثار" لنین بوده و یا کار ترجمه آن را به پایان رسانده‌اند. مجموعه آثار همچنین در ایتالیا، ژاپن و آرژانتین انتشار یافته‌اند و در یونان و اسپانیا نیز چاپ "آثار" در جریان است.

آثار جداگانه لنین بارها و بارها به زبان‌های گوناگون جهان ترجمه و انتشار یافته‌اند. از جمله آثار لنین که با بیشترین استقبال جهانی روبرو بوده‌اند، می‌توان از "چه باید کرد"، "یک‌گام

بلوک نظامی امپریالیسم و دول ارتجاعی منطقه علیه انقلاب ایران

یک سال پس از شکست توطئه تجاوز نظامی "طیس" اکنون امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا در پی روی کار آوردن یک دولت "میانرو" در ایران است.



یکی از پایگاههای آمریکا در خلیج فارس

پس از دیدار الکساندر هیک، وزیر امور خارجه آمریکا از منطقه خاورمیانه و نزدیک، این منطقه به انضمام دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند، شاهد فعالیت کم سابقه دیپلماتهای امپریالیسم به سرگردگی آمریکا و حکام مرتجع متحد و دست نشانده آن بود.

آنگونه که واقعات دو ساله پس از انقلاب ایران نشان داده است و مضمون رفت و آمدهای هفته اخیر نیز نشان می دهد، این دیپلماسی پرتب و تاب، در شرایط کنونی، در درجه اول، انزوای انقلاب ایران و تضعیف "جمهوری اسلامی ایران" را هدف گرفته است. امپریالیسم آمریکا در راستای سیاست تشنج فزاینده خود و از طریق این فعالیت سرسام آور در منطقه می کوشد قبل از هر چیز و هر چه سریعتر، "خط مقدم" پایگاههای سیاسی - استراتژیک خود را در مرزهای ایران انقلابی تحکیم بخشد. کمربندی متشکل از پایگاههای زمینی و دریایی، ایستگاههای پرنده، ذخایر عظیم سلاح و...، حلقه تشنج زایی گرداگرد انقلاب ایران فراهم آورد تا به زعم خود نخست آن را منزوی و تضعیف کند و سرانجام، همگام با متحدان خود در داخل، شرایط را برای ایراد "ضربه قطعی" بر پیکر نوپای این انقلاب فراهم آورد. اعمال امپریالیست ها و متحدین آن، این حقیقت را هرچند از هر زمان نشان می دهد.

مجله نیوزویک، سخنگوی محافل معینی از انحصارات آمریکائی در این مورد می نویسد: "آمادگی آمریکا برای فروش جت های اف - ۱۵ و هواپیماهای مجهز به رادارهای پیچیده موسوم به آواکس به عربستان سعودی نشانه سیاست جدید آمریکا در منطقه است."

نیوزویک اضافه می کند: "در ارتباط با این سیاست، آمریکا همچنین قصد دارد پایگاه هوایی "ظهران" و دیگر پایگاههای مهم عربستان سعودی را به تجهیزات جدید مجهز کرده و این پایگاه را توسعه دهد. در عمان نیز آمریکا قرار است میلیون ها دلار خرج امروزی کردن پایگاه جزیره "مصیره" و "السعید" در نزدیکی تنگه هرمز کند. این پایگاهها برای نیروهای واکنش سریع آمریکا مورد استفاده قرار خواهد گرفت."

بر اساس گزارش فوق: "در شاخه شرقی منطقه بحرانی خاورمیانه نیز آمریکا در حال گسترش روابط خود با رژیم نظامی پاکستان می باشد و درصدد است حق استفاده از پایگاههای پاکستان را کسب کند."

"هوارد بیکر" رهبر اکثریت جمهوریخواه سنای آمریکا، در همین رابطه در راس هیئتی عربستان سعودی را مورد بازدید قرار داد. او "پادشاهی عربستان سعودی را دارای اهمیت حیاتی در منطقه" دانست.

مقامات عربستان هم اکنون کلاف درهم پیچیده ای از روابط سیاسی و نظامی گرداگرد خود تنیده اند. این کلاف از یک سو به محافل امپریالیستی جهان به سرگردگی آمریکا وصل است و از طرف دیگر با دول مرتجع منطقه نظیر مصر، ترکیه، عراق، اردن، شیخ نشین های خلیج فارس، عمان و پاکستان گره می خورد.

کشورهای فوق الذکر نیز، در فعالیت دیپلماتیک اخیر امپریالیسم جای خاص خود را دارند: روزنامه کویتی الانبیاء گزارش داده است که "شاه حسین (پادشاه اردن) در دو هفته اول اردیبهشت ماه آینده برای گفتگو با ریگان از واشنگتن دیدار خواهد کرد." شاه حسین قبل از عزیمت

به واشنگتن با سران چند کشور دیگر همچوار نیز مذاکره می کند.

چون روزه روشن است که این رفت و آمد، تنها در جهت تحکیم "وابستگی" کشورهای مرتجع منطقه و بحث و بررسی پیرامون پیشبرد نقشه های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا صورت می گیرد. "مارگارت تاچر"، نخست وزیر انگلیس یا بانوی "پولادین" امپریالیست ها، نیز در همین چارچوب سفر یازده روزه ای را آغاز کرده است. او قصد دارد در ملاقات با حکام مرتجع عرب موازنه استراتژیکی قوا در منطقه خاورمیانه را "مورد بررسی" قرار دهد.

از سوی دیگر "هوارد بیکر" که روز چهارشنبه هفته گذشته به همراه هیئتی از فلسطین اشغالی وارد قاهره شد، در پاسخ به این سؤال که چرا مسئله فروش هواپیماهای جاسوسی آواکس به عربستان سعودی را با سادات در میان می گذارد، گفت:

"چون سادات یک مقام صلح طلب است (!!)، مورد حمایت آمریکاست." نقش پاکستان نیز در تلاش امپریالیسم آمریکا به

منظور محاصره انقلاب ایران قابل توجه است. رژیم فاشیست مآب ضیاءالحق در تلاش است تا روابط خود را با آمریکا هرچه بیشتر گسترش دهد. سفر قریب الوقوع مقامات بلند پایه پاکستان به واشنگتن در همین رابطه است. آنها در مذاکرات خود با مسئولان جدید کاخ سفید از یک سو می کوشند تا حضور نظامی آمریکا را در منطقه هرچه بیشتر تحکیم بخشند از جمله شرایط را برای تحویل چهار پایگاه نظامی به این کشور فراهم آورند و از سوی دیگر همکاری های خود را با آمریکا در جهت تقویت و گسترش حملات راهزنانه به اصطلاح مجاهدین افغانی به افغانستان تحکیم بخشند. هم اکنون دسته های زیسادی از ساواکی های فراری ایرانی در پاکستان گرد آمده اند و به کار خرابکاری در انقلاب ایران و افغانستان مشغولند. پاکستان همچنین مقادیر قابل توجهی سلاح و امکانات نظامی از هیئت حاکمه رهبری طلب "چین" دریافت می کند. بالاخره کودتاچیان ترکیه نیز از طریق گسترش روابط نظامی با امپریالیسم آمریکا، سرکرده امپریالیست های

جهان و حکام مرتجع و دست نشانده منطقه، نقش خود را در محاصره ایران انقلابی ایفاء می کنند. پنتاگون در گزارش خود به کنگره اعلام کرده است که وزارت دفاع آمریکا قصد دارد پانزده جت فانتوم اف ۴ و وسایل یدکی و دیگر وسایل نظامی به مبلغ ۷۸ میلیون دلار به ترکیه بفروشد. بنابه موافقت نامه ای که بین ترکیه و آمریکا در سال گذشته به امضاء رسید، آمریکا می تواند از دوازده پایگاه نظامی در ترکیه استفاده کند. "ایلترتورکمن" وزیر امور خارجه ترکیه در بازگشت از سفر اروپائی و امریکائی خود در این باره گفت:

"روزهای تیره در روابط آمریکا و ترکیه به پایان رسیده است."

وی افزود: "من شاهد بوده ام که دولت ریگان به روابط دوستانه و حسنه (!!) با ترکیه ارج می نهد. وی سپس با اشاره به اینکه کشور وی در جریان یک مذاکره مداوم با ریاض است، ضمن تأیید تحویل سلاح های آلمان غربی به این کشور، یادآوری کرد که طی دو سال اخیر پادشاهی عربستان

مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

اسلام آمریکایی علیه روحانیت مبارز تجهیز می شود

برای بسیاری از مردم در آغاز انقلاب درک و باور اینکه روحانیت یک کل یکپارچه و همسان نیست ، مشکل و بعید بود . بسیاری می اندیشیدند که روحانیون یک کل واحد هستند و همه آنها از اسلام واحدی سخن می گویند . اگر کسی صحبت از اختلاف های اساسی مابین این یا آن روحانی و این یا آن دسته از روحانیون می کرد حداقل او را به بی اطلاعی و کج فهمی متهم می کردند . اگر فردی روحانی حرفی خلاف شخص روحانی دیگری می زد یا اقدامی متفاوت انجام می داد حداکثر این را به "اختلاف سلیقه" ربط می دادند و بیش از این را نمی پذیرفتند . در این ارزیابی نادرست بودند گروه های "چی" که حتی این بررسی غیرعلمی را تئوریزه کردند و هم امروز هم بطور کامل از آن دست نشسته اند . اما روند پیشروی انقلاب و تجربه روزمره مردم ، اینک این نکته را به حقیقتی روشن و معمولی تبدیل کرده است که علیرغم همه پیشداوری ها و پندارهای نادرست گذشته روحانیت هم از ستیز و برخورد طبقاتی و صف بندی های ناشی از آن به دور نیست . انقلاب در بیش از دو سال تجربه اندوزی به بسیاری از مردم ثابت کرد که روحانیون هم خواه ناخواه در صف بندی انقلاب و ضدانقلاب تقسیم می شوند . به عبارت دیگر اگر در جامعه کنونی ما بر سر یک رشته مسائل کلیدی ، بر سر مبارزه بی امان با امپریالیسم آمریکا به مثابه دشمن اصلی خلق های ایران ، بر سر ملی کردن تجارت خارجی ، بر سر اجرای بند "ج" و "د" طرح اصلاحات ارضی و بالاخره بر سر پیشبرد یا توقف انقلاب دعوا و اختلاف هست ، و اگر لیبرال ها و حامیان رژیم گذشته ، فئودال ها و تجار بزرگ و بزرگ مالکان از یک سو و نیروهای ترقیخواه از سوی دیگر دو طرف این دعوا هستند ، روحانیت هم بالطبع بین دو جبهه انقلاب و ضدانقلاب و بر سر پیشبرد و یا توقف و بازگشت انقلاب بخیش و تقسیم شده است .

این دسته از روحانیون در ماه های اخیر ، روابط بسیار نزدیک و صمیمی آنها را با سران لیبرال ها ، با افشا شده ها و ضدانقلابیون نشان می دهد . شخصیت های لیبرال مدام به ملاقات آنها می شتابند ، از آنها رهنمود می گیرند و به آنها از دست نیروهای خط امام شکایت می کنند . معنای این حرکات چیست ؟ کدام هدف از این اتحاد دنبال می شود ؟ واقعیت امر این است که هم اکنون شبکه ائتلاف لیبرال ها با روحانیت هم سلک آنها و همچنین روحانیون مرتجع دست به اقدامات منظمی بر علیه انقلاب و مصالح مردم می زنند . در این ائتلاف نامقدس ، همه نیروهای ضد کننده راه پیشرفت انقلاب تشریک مساعی دارند . تجار بازار که منافع بادآورده و سودهای کلان را در خطر می بینند ، فئودال ها و زمیندارانی که طناب دار یک اصلاحات ارضی مرفقی و به نفع دهقانان را بر بالای سر خود احساس می کنند ، و بالاخره همه نیروهای واکورده و منفعت گم کرده

مرتجع آن با جمهوری اسلامی چندان روشن نبود . اما امروز در اثر مبارزات خستگی ناپذیر خلق و پس از افشاکاری های نیروهای مرفقی بسیاری از این ابهامات به کناری زده شده است . قضیه بسیار ساده است . وقتی آیت الله قمی در دیدار با تجار بازار به صراحت در مورد طرح اصلاحات ارضی می گوید :

زارعین و مردمی که زمین ها بین ایشان تقسیم شده و تصرف نموده اند ، همه غاصب و گناهکارند .

نکته مهمی باقی نمی ماند وقتی سیل فتواها بر علیه بند "ج" صادر می شود و عده های تهدید به کفن پوشی می کنند تا این طرح مرفقی را متوقف سازند ، جای پرسشی باقی نمی ماند . اسلام این دسته از آیت الله ها اسلامی است که هیچ تشابهی با اسلام حامی گودنشینان و کوخ نشینان ندارد . اسلام این دسته از روحانیت ، اسلام لیبرال ها و زمینداران بزرگ است . اسلام آمریکائی است . آنها از میان کوه احادیث و اخبار موجود آنچه را که در خدمت منافع طبقات ستگر و در خط خود می بینند بیرون می کشند و آن را بعنوان اسلحه ای در دست مدافعان و مشتریان خود ، یعنی سرمایه داران و تجار بزرگ و فئودال ها قرار می دهند . آنها تفسیرهایی از اسلام را که به نفع زحمتکشان و به زیان طبقات استثمارگر است ، نمی پسندند آنها بر می آشوبند که چرا کلمه "مستضعف" را به معنی "تهیدستان" و بی نوایان به کار می برند . آنها امیران نظام ها و ایزدی ها را "رجال شایسته" می خوانند و از اینکه آنها افشا شده و به مردم معرفی شده اند ، عصبانی اند . یک نگاه ساده به جبهه گیری ها و ملاقات های

روحانیت مبارز که سابقه سالها ستیز و مبارزه با امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه را دارد ، روحانیتی که مدافع برداشتهای خلقی و مردمی از اسلام بوده ، امروز هم مدافع ادامه مبارزه با آمریکا و طرفدار اصلاحات جدی به نفع اکثریت زحمتکشان جامعه است . در مقابل ، روحانیت مرتجع و لیبرال ، روحانیتی که سابقه دمخوری و سازش با رژیم وابسته شاه را یدک می کشد ، روحانیتی که در طول خیزش ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی خلق مدام آیه یاس و سرخوردگی و مماشات را سر داده ، روحانیتی که پس از انقلاب مخالف هر نوع حرکت انقلابی و مردمی بوده ، روحانیتی که در یک کلام از اسلام آمریکائی دفاع می کند امروز هم کماکان در جبهه ضدانقلاب ، در جبهه لیبرال ها و اعوان و انصار آنهاست و هر روز بر دامنه فعالیت های ضد مردمی خود می افزاید .

اعلام رسمی این حقیقت که در برخی از حوزه های علمیه عده ای از روحانیون دست به توطئه و اخلال زده اند ، گویای این حقیقت است که دامنه خرابکاری و اقدامات ضدانقلابی آن دسته از روحانیت که انقلاب و پیشرفت آن به مذاقش خوش نمی آید وسعت گرفته است . به راستی چه کسانی تحت لوای روحانیت دست به توطئه زده اند ؟ آنها چه می گویند و چه می خواهند ؟ اسلام آنها کدام اسلام است و دوستان و متحدین آنها کیستند ؟

زمانی که حزب خلق مسلمان به مدد حمایت شریعتمداری دست به توطئه آشکار و بی پرده علیه مردم زد ، شاید درک ماهیت دعوی این حزب ضد انقلابی و حامیان روحانی

در هر رگ برگ

خون یاران رفته است

در پی درخواست سازمان ، مبنی بر ارسال اسامی و شرح حال رفقای که تاکنون در لوح شهدا درج نشده است ، خانواده شهدا و اعضاء و هواداران سازمان طی نامه های متعددی ما را در تکمیل لوح شهدا یاری نموده اند . ضمن ارج نهادن بر تلاش آنان ، دعوتمان را تکرار کرده و اسامی پنج رفیق زیرین را به لوح پرافتخار شهدای سازمان می افزائیم :

★ رفیق شهید فدائی خلق جمال توت آغاچی

★ رفیق شهید فدائی خلق ستوان مهرعلی (مراد)

الفتی

★ رفیق شهید فدائی خلق عبداله کریمی

★ رفیق شهید فدائی خلق هادی کاگاخانی

★ رفیق شهید فدائی خلق حمید شگری

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

یاد شهدای حوادث خونین دانشگاه را گرامی داریم

در سالگرد حوادث خونین دانشگاه بار دیگر بر ضرورت بازگشائی دانشگاهها تأکید می‌کنیم

پزشکی، بهداشتی، کشاورزی و غیره) انفعال بخش عظیمی از استادان، مهاجرت برخی از متخصصین، بویژه پزشکان پیوستن به صف لیبرالها و مخالفت‌های پنهان و آشکار آنان را با خطا امام سبب شده است.

بازگشائی کامل دانشگاهها و مدارس عالی و شرکت دادن دانشگاهیان در اداره امور این موسسات اکنون به یک ضرورت حیاتی انقلاب ایران بدل شده است.

در سالگرد حوادث خونین دانشگاه، یاد شهدای این حوادث را گرامی می‌داریم و بار دیگر بر خواست آنها و همه دانشگاهیان که بازگشائی هرچه سریع‌تر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و تغییرات منطبق با مصالح انقلاب در نظام آموزشی کشور است، تأکید می‌کنیم.

بازگشائی کامل دانشگاهها و مدارس عالی و شرکت دادن دانشگاهیان در اداره امور این موسسات اکنون به یک ضرورت انقلاب ایران بدل شده است. تجربه یک سال گذشته نشان داد که تنها با مشارکت خلاق و آگاهانه کلیه دانشگاهیان متعهد و مبارز است که می‌توان آثار فرهنگ شوم سرمایه‌داری وابسته و امپریالیسم جهانی را از نظام آموزشی میهن بزدایم.

با تغییرات بنیادی نظام آموزشی و تامین آزادی‌های دانشگاهی و برقراری امنیت شغلی در محیط آموزش علمی است که یکی از شرایط و وسایل ضروری را برای قطع وابستگی‌های ایران می‌توان فراهم ساخت. در چنین شرایطی است که می‌توان نیازهای جامعه را به تخصصها و مهارت‌های حیاتی برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی برطرف کرد و با گشودن درهای دانشگاهها و مدارس عالی به نیروی وسیع‌ترین توده‌های زحمتکش است که انقلاب فرهنگی را می‌توان آغاز کرد.

اگر فاجعه اول اردیبهشت ماه دانشگاه بطور مشخص به شهادت عده‌ای از فرزندان مبارز این مرز و بوم انجامید، تعطیل دانشگاهها فاجعه‌ای در ابعاد ایران بوجود آورد که مسئولیت بلاواسطه آن بر عهده جمهوری اسلامی است.

بدون حضور نمایندگان واقعی استادان و دانشجویان و کارمندان و در اطاق دربسته به تغییر آموزش عالی اقدام کردن علاوه بر تعطیل آموزش عالی موجب انفعال بخش عظیمی از استادان، مهاجرت برخی از متخصصین و... شده است.

دانشگاهها که هجوم دانشجویان به کشورهای امپریالیستی به ویژه آمریکا را به دنبال داشته است، وابستگی فرهنگی ما به امپریالیسم را تشدید کرده و در عین حال حدود ۱۰٪ از درآمد ارزی ما را به خود اختصاص داده است.

بدون حضور نمایندگان واقعی استادان و دانشجویان و کارمندان و در اطاقهای دربسته به تغییر آموزش عالی اقدام کردن، یکی از نتایج منفی‌اش تعطیل آموزش عالی بوده است. سازماندهی برای استفاده از نیروی دانشجویان و استادان و کارمندان و آنچنان دور از واقعیتها و تنگ‌نظرانه بوده است که به جای بسیج این نیروی عظیم و آگاه برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه (مثلا مبارزه با بی‌سوادی، ارائه طرح‌های تعاونی‌های تولید برای مقابله با وابستگی ارائه طرح اصلاحات ارضی و امثال آن، ارائه خدمات

می‌توانست و می‌تواند رسالت انقلابی خود را به انجام رساند.

تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی عملاً آموزش عالی کشور را متوقف ساخته و هزاران استاد و بیش از ۱۶۰ هزار دانشجو را از تدریس، آموختن و کار خلاق بازداشته است. اگر فاجعه اول اردیبهشت ماه دانشگاه بطور مشخص به شهادت عده‌ای انجامید، تعطیل دانشگاهها فاجعه‌ای در ابعاد ایران به وجود آورده که مسئولیت بلاواسطه آن بر عهده جمهوری اسلامی است. تعطیل دانشگاهها به هر دلیل و بهانه، ۴۰ هزار دیپلمه را از وارد شدن به دانشگاهها بازداشت و تاکنون یک سال سرمایه مادی و انسانی ۲۰۰ هزار دانشجویان و استادان و کارکنان دانشگاهی راه هدر داده خلق ما را از چند هزار متخصص جدید که شدیداً به آنان نیازمند است محروم کرده است. تعطیل

آورد و شمره انقلاب خونین خلق ستمدیده مبارز ما را سخت در مخاطره قرار دهد. انحصارطلبی‌های سیاسی جمهوری اسلامی و اقدامات چپ‌روانه برخی نیروهای سیاسی از جمله ما در محیط دانشگاهها، زمینه‌ای شد تا محافلی از حاکمیت راه حل را در سرکوب و تسخیر مسلحانه دانشگاهها بجویند و اشغال این موسسات را در دستور قرار دهند. حکومت جمهوری اسلامی این اقدامات و تعطیل دانشگاهها را تحت شعار "انقلاب فرهنگی" به پیش برد.

دانشگاهها و مدارس عالی که زیر فشار چند دهه دیکتاتوری قرار داشتند و فرهنگ وابسته تامین کننده منافع امپریالیسم در آن نفوذ کرده و به همین دلیل و بحق مقاومت و مبارزه دانشگاهیان به‌ویژه دانشجویان مبارز را برانگیخته بود، تنها به کمک وسیع‌ترین اقشار دانشگاهی

در اواخر فروردین ماه سال گذشته به دنبال اشغال دانشگاه تبریز و تربیت معلم جمهوری اسلامی مهلتی سه روزه برای تخلیه دفاتر دانشجویی گروه‌های سیاسی در محیط دانشگاهها و مدارس عالی تعیین کرد. قبل از پایان مهلت به دلیل برخورداری خوشونت‌آمیز و انحصارطلبانه جمهوری اسلامی و چپ‌روی‌های بعضی گروه‌های سیاسی از جمله سازمان‌ها و دانشگاهها و مدارس عالی متشنج‌شد و حمله و اشغال دانشگاهها و مدارس عالی گسترش یافت. اشغال کنندگان که از زبان مقامات مملکتی، دانشگاهها را "مراکز فساد" و "جای پای امپریالیسم" می‌دانستند، دست به یک سلسله اقدامات خوشونت‌آمیز و ضد دمکراتیک زدند.

اگر دانشگاه را مردمی که از مبارزات درخشان دانشگاهیان آگاهی داشتند و توده‌های زحمتکشی که صدها شهید و هزاران زخمی در گرداگرد دانشگاهها داده بودند، سنگر آزادی لقب دادند، جمهوری اسلامی طی برنامه‌ای تبلیغاتی سعی در تخریب تصویر دانشگاه مبارز دانشگاه ضدامپریالیست و آزادخواه کرد. هتک حرمت دانشگاه و دانشگاهی آنچنان جوی را پدید آورد که سرانجام در روزهای اوایل اردیبهشت جمعی از بهترین فرزندان خلق ایران در محیط دانشگاهها و مدارس عالی به خون کشیده شده و به شهادت رسیدند.

فاجعه شهادت دهها دانشجو و آسیب دیدن صدها نفر دانشگاهی و غیره درست همزمان با تدارک تجاوز امپریالیسم آمریکا صورت گرفت و چنانچه به موقع کنترل نمی‌شد و جلوگیری می‌کرد و همچنین اعمال خوشونت‌های جنون‌آمیز برخی مأمورین مسلح حکومت گرفته نمی‌شد، می‌توانست فاجعه‌ای در ابعاد همه ایران به بار

خاطره مجاهدین شهید گرامی باد



نیز به راه خود و خلق خود وفادار ماندند. و سرانجام نیز در سحرگاهی خونین به دست رژیم جنایتکار شاه به جوخه اعدام سپرده شدند و خون سرخشان لاله‌های مقاومت و مبارزه را شکفته ساخت. سازمان ما خاطره این فرزندان دلاور خلق و همه شهدای راه استقلال و آزادی میهن را گرامی می‌دارد.

تسلیم طلبانه لیبرالها و نهضت‌آزادی و تبدیل آن به جریان انقلابی، خلقی و ضدامپریالیست نقش موثری ایفاء کردند. صادق، باکری، بازرگانی و میهن‌دوست در جریان همین مبارزه در نبرد علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم سرسپرده شاه در مبارزه طولانی با سازشکاران و لیبرالها شکفتند و تا به آخر

۳۰ فروردین سالروز شهادت ۴ تن از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران توسط رژیم جنایتکار شاه است. مجاهدین شهید ناصر صادق، علی باکری، محمد بازرگانی و علی میهن‌دوست که از اعضای اولیه سازمان مجاهدین خلق بودند، در قوام بخشیدن و تکامل این سازمان، جدایی آن از سیاست‌های سازشکارانه و

نفتگران پالایشگاه تهران مشکل مسکن را با شیوه‌های سنجیده حل می‌کنند

امکانات موجود انقلاب توجه اکید داشته باشند و این حقیقت را بیاموزند که تحکیم پایه‌های انقلاب و پاسخگویی مسئولانه به حوایج اصولی زحمتکشان لازم و ملزوم یکدیگرند.

کارگران و کارمندان زحمتکش و انقلابی پالایشگاه تهران که تاکنون در راه انقلاب حاضر به هرگونه فداکاری، ایثار، اعم از تلاش برای افزایش تولید و یا شرکت در جبهه‌های مقدم نبرد علیه متجاوزین بوده و هستند، هم اکنون با درک مسئولیتی بیش از پیش و با در نظر گرفتن شرایط کنونی انقلاب و در انطباق با امکانات موجود انقلاب و با درپیش گرفتن روش و شیوه‌های اصولی مبارزه درصدد تحقق خواست‌های منطقی و به حق خود می‌باشند ولی برخی مقامات جمهوری اسلامی با عدم پاسخگویی به خواست به حق کارگران و نیز

حرکت‌های غیراصولی در کارخانجات است. بارها و بارها شاهد بوده‌ایم که چگونه این سیاست‌های معشوش و اینگونه اقدامات غیر مسئولانه از یک طرف موجبات دلگرمی و تشویق ضدانقلابیون و لیبرال‌های ورشکسته را برای تشدید توطئه و اخلال در تولید و تداوم انقلاب فراهم آورده و به فرصت‌طلبان عوام‌فریب اجازه داده است تا مزورانه در صفوف مبارزاتی کارگران خود را جای دهند و از طرف دیگر موجبات دلسردی و بی‌اعتمادی توده‌های انقلابی را نسبت به تداوم خدشه‌ناپذیر انقلاب فراهم آورده است. این سیاست سبب شده است تا به برخی از خواست‌های صنفی که با امکانات موجود انقلاب قابل اجرا است پاسخ مناسب داده نشود. مقامات مسئول جمهوری اسلامی و به ویژه شهرداری تهران باید به ضرورت پاسخگویی مسئولانه به مشکل مسکن نفتگران در چارچوب

هنوز آنچنانکه باید مقتضیات انقلاب و ضرورت توجه به خواست‌های منطقی کارگران و زحمتکشان را درک نکرده‌اند بطوری که به جای برخورد اصولی و منطقی با مشکلات با بی‌اعتنایی و بی‌توجهی نسبت به حقوق صنفی رفاهی کارگران و تکفیرهر خواست و حرکت صنفی کارگران با برچسب "خط رفاه طلبی" عملاً موجبات دلسردی و بی‌اعتمادی کارگران را نسبت به سرنوشت انقلاب فراهم نموده و می‌نمایند. قطع نظر از محکوم کردن توطئه‌های اخلالگرانه ضدانقلابی و لیبرال باید تاکید کنیم که اقدامات یک جانبه، غیر مسئولانه و مخرب برخی از مسئولین جمهوری اسلامی و همچنین ضعف و نارسائی‌هایی که ناشی از بحران مدیریت در جمهوری اسلامی است، به نوبه خود موجب اخلال در نظم تولید و مبارزه انقلابی شده و محرک برخی از

بیوشاند و با برخورداری از حمایت قاطعانه شوراهای پالایشگاه، سرانجام موفق شده است، موافقت مسئولین وزارت مسکن، وزارت نفت و سازمان عمران اراضی را جهت احداث مسکن در این قطعه زمین جلب نماید. اما قائم مقام شهرداری تهران به بهانه دور بودن منطقه از امکانات شهری با این امر مخالفت کرده است. این مخالفت که توأم با بی‌حرمتی نسبت به نمایندگان کارگران نیز بود، و همچنین برخوردهای تحریک‌آمیز و غیر منطقی نماینده نخست‌وزیری در برابر کارکنان، موجبات تشدید جو اعتراض و برانگیختگی نفتگران را فراهم آورد. در اینجا لازم است واقعیت تلخی را که بارها بارها بدان اشاره کردیم باز دیگر ذکر کنیم گویا برخی از مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی (به ویژه مقامات شهرداری و نمایندگان آقای نخست‌وزیر)

نفتگران پالایشگاه تهران که سال‌هاست با مشکل مسکن دست به گریبانند، طی ماه‌های اخیر در ادامه تلاش‌های پیگیرانه‌شان از طریق تعاونی مسکن و شورای کارکنان، توانسته‌اند برخی موانع اولیه این مشکل را از سر راه بردارند. ولی آنچه که تاکنون حل این مسئله را دشوارنموده است، روشن نبودن سرنوشت قطعه زمینی است که باید جهت احداث ساختمان در اختیار کارکنان قرار گیرد. این قطعه زمین که در منطقه "باقلازار" تهران قرار دارد متعلق به شرکت نفت بوده و طبق مقررات این شرکت می‌بایست جهت احداث مسکن به کارکنان نفت واگذار شود. هیئت مدیره تعاونی مسکن پالایشگاه که مدت‌هاست مسئول پیگیری این امر شده است، بارها کوشید تا از طریق مذاکره، نامه، شکوائیه و مراجعات مکرر به مقامات مسئول این خواست برحق کارکنان را جامه عمل

بفیه در صفحه ۲۱

روزنامه‌هایی که لیبرال‌ها را افشاء کرده‌اند، علیه سیاست امپریالیست‌ها نوشته‌اند، علیه چماقداری و انحصارطلبی نوشته‌اند... قطعاً موردکینه و نفرت سرمایه‌داران لیبرال هستند و باید از جانب آنان تحریم شوند، اما هرگاه این روزنامه‌ها با قاطعیت بر کاستی‌های خود غلبه کنند و نکات قوت خود را هرچه بیشتر تقویت کنند، قطعاً بیش از پیش و به رغم همه ترفندهای لیبرال‌ها مورد استقبال مردم ایران قرار خواهند گرفت. ما از همه مردم آگاه و مبارز ایران و از هواداران سازمان می‌خواهیم که مشت لیبرال‌ها را در این عرصه باز کنند و مادام که روزنامه‌های اطلاعات و کیهان به سیاست ضدامپریالیستی - ضد لیبرالی خود ادامه می‌دهند، از این دو روزنامه حمایت کنند.

تبلیغات دشمنانه لیبرال‌ها علیه روزنامه‌های اطلاعات و کیهان

بازگرداندن حاکمیت به مردم "خواستار" تحریم روزنامه‌های اطلاعات و کیهان " برای مقابله با تبلیغات خشن و نابود کننده " این روزنامه‌ها شده است. قطعاً این اقدام نشریه لیبرالی - ضدانقلابی "پیام جبهه ملی" خود دلیلی است بر مشی ضدامپریالیستی روزنامه‌های اطلاعات و کیهان روزنامه‌هایی که از اقدامات هیئت‌های هفت نفره و بطور کلی از اصلاحات ارضی دفاع می‌کنند، روزنامه‌هایی که در ماههای گذشته برای ملی کردن تجارت خارجی و علیه وابستگی مطلب نوشته‌اند،

گرفته است. این لیبرال‌نامه در شماره ۶۲ خود به سرمایه‌داران و زخم‌خوردگان از انقلاب چنین نوید می‌دهد: "اتحاد و همبستگی و وحدت عمل شما می‌تواند حاکمیت را به ملت بازگرداند و کشور ما را... نجات دهد" توجه کنید که می‌گوید: "حاکمیت را به ملت بازگرداند" یعنی ملت قبلاً حاکمیت داشته و حالا این حاکمیت دست جمهوری اسلامی است که باید دوباره مثل سابق به ملت بازگردانده شود. به خاطر اولین قدم برای

و مطبوعاتی که چنین خطی را به پیش برند خاری می‌شوند در چشم لیبرال‌ها و موجب وحشت آنها و طبعاً مورد کینه و نفرت سرمایه‌داران وابسته لیبرال‌ها و همه دوستان ریز و درشت آنها قرار می‌گیرند. "پیام جبهه ملی" ارگان یکی از ورشکسته‌ترین محافل سرمایه‌داری لیبرال ایران که سرتاسر مملو از شعارها و رهنمودهای مشعشع "ضد ارتجاعی" از نوع شعارهای روزنامه‌های امپریالیستی و از نوع شعارهای رادیو بختیار و رادیو عراق هست اخیراً در قبال روزنامه‌های اطلاعات و کیهان موضعی به اصطلاح "قاطع" و "انقلابی"

از وقتی که لیبرال‌ها و دوستان و جاسوسان امریکا عمدتاً از مراکز حساس روزنامه‌های کثیرالانتشار اطلاعات و کیهان بیرون رانده شدند، زمان زیادی نمی‌گذرد. در همین مدت کوتاه اطلاعات و کیهان توانسته‌اند به رغم ضعف‌ها و کاستی‌هایشان نقش مهمی در افشای لیبرال‌ها و همه دوستان امپریالیسم، در مبارزه علیه تنگ‌نظری‌ها و انحصارطلبی‌ها و بطور کلی در ارتقاء آگاهی توده‌ها بازی کنند. سرمقالات و مقالات سیاسی و افشاگرانه اطلاعات و کیهان که عمدتاً به افشای سیاست‌های امپریالیسم و دوستان داخلی‌اش پرداخته قطعاً بیش از همه، لیبرال‌ها و دیگر دوستان امپریالیسم جهانی را ناراحت ساخته و دوستان آگاه انقلاب و خلق را خشنود ساخته است. بندهی است که روزنامه‌ها

پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران

استقبال بی نظیر مردم از مراسم ششمین سالگرد حماسه شهادت رفیق بیژن جزنی و همرزمان



رفیق حمشید طاهری پور هنگام سخنرانی در میتینگ بهشت زهرا

سنت‌های انقلابی فدائیان خلق، هیچ معنایی جز این ندارد که در پیکار حماسه - آفرین مردم ما که دلاوران و علی‌ه امپریالیسم و متحدان آن می‌رزمند، دوشادوش و پیشاپیش آنان پیکار کنیم. پیکار و دلاوری عظیمی که به حق میهن ما را، میهن شهیدان و تمامی سرزمین را لاله‌زاران ساخته است.

پایداری به سنت‌های انقلابی رفقا بیژن و همرزمان به معنی آن است که همدوش مردم و پیشاپیش مردم علیه تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم و نیروهای داخلی مورد حمایت آن فعالان شرکت کنیم. امروز انقلابی بودن جز این معنایی ندارد و این عنوان از هر جهت، امروز شایسته فدائیان خلق اکثریت است و این افتخار بزرگ ماست... فدائیان که چشمشان مردم را می‌بیند و قلبشان برای مردم می‌زند و گوششان صدای مردم را می‌شنود.

امروز تنها ۵۲ رزمنده فدائی در جبهه‌های نبرد علیه تجاوزات رژیم جنایتکار صدام به شهادت رسیده‌اند. از میان ۵۲ رزمنده فدائی که شهادتشان اعلام شده است، ۲۲ تن کارگرانی بودند که در مکتب سازمان ما پرورش یافته و در راه منافع طبقه کارگر و همه محرومان مبارزه می‌کردند این نه تنها نشانه نقش بزرگ بقیه در صفحه ۱۵

و نیز توضیح دادم که شهادت یکسان فدائیان و مجاهدین خلق گواه روشنی بر این حقیقت تاریخی است که در برابر دشمن مشترک، همه رزمندگان راه استقلال و آزادی می‌توانند و باید در جبهه‌های واحد مشترک و متحداً پیکار کنند.

امروز بر آنم که در این لحظات حساس، بر نکاتی اساسی تاکید نمایم. انقلاب مردم ما پایگاه محکم امپریالیسم بسرکردگی امریکا را در میهن ما منهدم کرده است. انقلاب یکی از جنایتکارترین رژیم‌های زمان ما را که وظیفه‌ای جز سرکوب جنبش‌های استقلال طلبانه مردم منطقه نداشت، سرنگون ساخته است. انقلاب، میهن ما را از پیمان‌های نظامی اسارت‌بار به در آورده است. انقلاب شکوهمند مردم ایران بشارت‌دهنده توانائی و قدرت توده‌های میلیونی مردم است که مصمم‌اند بپا خیزند و یوغ ستمگرانه امپریالیسم را به دور افکنند. امروز هرچند انقلاب به‌کندی، اما به هر حال در حال گسترش و تعمیق است و همین امر بیش از هر زمان دیگری تمامی امپریالیست‌های جهان و رژیم‌های مرتجع دست‌نشانده منطقه را به هراس انداخته است.

رفیق طاهری پور در قسمتی دیگر از سخنانش گفت: "... پایبند بودن به

پایبندی به سنت‌های انقلابی سازمان یعنی دفاع از انقلاب

پس از قرائت پیام خانواده شیدا، رفیق حمشید طاهری پور عضو کمیته مرکزی سازمان سخنرانی ایراد کرد. رفیق طاهری پور در آغاز سخنانش ضمن تقدیم سلام و احترام به پیشگاه خلق قهرمان ایران و تمامی شهیدان به‌خون خفته خلق گفت:

"... سرفرازم که هم پارسال و هم امسال فرصت آن را یافته‌ام که بر مزار رفیقان شهیدم، فدائیان خلق بیژن جزنی، حسن صیاء ظریفی، عباس سورکی، عزیز سمردی، محمد چوپانزاده، جلیل افشار مشعوف کلانتری و دوستان مجاهد شهیدم که پایبند بودند به آرمان بنیانگذاران سازمان خود و در راه انقلاب مردم وفادار ماندند و پیکار کردند، با شما سخن می‌گویم... بخاطر می‌آورم که

پارسال در چنین روزی کوشش کردم توضیح دهم که شهادت رفیقانم در تپه‌های اوین توسط دژخیمان امپریالیسم و مزدوران ساواک، دلیل روشن و آشکاری بوده است از پایبندی انقلابیون ایران به آرمان مردم و دلیل آشکار و ناپذیری آنان به دشمنان مردم.

ادامه دارد و رفیقانتان بار سنگینی را که شما بر دوش گرفتید، بطور خستگی‌ناپذیر حمل می‌کنند. آمده‌ایم بگوئیم: رفیق بیژن، آرمان تو وظیفه‌ای بس سنگین بر دوش سازمانت نهاده است و ما بارها و بارها آرزو می‌کنیم که ای کاش شما زنده بودید. رفیق بیژن! فقدان تو بار رفیقانت را بس سنگین‌تر کرده است. اما آنان قهرمانانه آنچنان که از تو آموخته بودند، تن به سازش و تسلیم ندادند و تا به سر منزل مقصود نیز کمر خم نخواهند کرد.

ما امروز مادران زیادی را در میان خود داریم که فرزندان عزیزشان را در جبهه‌های نبرد با دشمن از دست داده‌اند. ما امروز خود را همدرد و همراه همه این مادران می‌دانیم. مادران پاسداران شهید، مادران سربازان شهید، مادران فدائیان شهید و کلیه رزمندگانی که در جبهه‌ها شهید شده‌اند. درود و افتخار بر این مادران باد! شادباش و تبریک بر شما باد که رفیقانتان از کوره آزمایش سرفراز بیرون آمده‌اند و ما مادران نیز از شادی در پوست خود نمی‌گنجیم که اکنون بیش از هر زمان فرزندانمان را زنده می‌یابیم و افتخار می‌کنیم که فرزندانمان تحت رهبری اصولی سازمان چریک‌های فدائی خلق (اکثریت) تا آخرین لحظه زندگی به آرمان کارگران و زحمتکشان وفادار مانده‌اند و ما ایمان داریم که تا پیروزی نهائی به نبرد بی‌امان خود ادامه خواهند داد.

در پایان این پیام، مادران رفقای شهید اعلام کردند:

"رفقای شهید! جزنی، سمردی، ضیاء ظریفی، سورکی چوپانزاده، کلانتری و جلیل افشار، راهی را که شما آغاز کرده‌اید، ما از میان آتش و خون پیمودیم و در سایه فداکاری‌ها و از جان - گذشتگی‌ها و تصحیح انقلابی خطاها اکنون در بهترین موقعیت ممکن قرار گرفته‌ایم"

بهشت زهرا خارج از تهران است و مسیر تهران - بهشت زهرا به‌گونه‌ای است که همواره ترافیک پرازدحام، اجازه ایاب و ذهاب سریع را نمی‌دهد. با وجود این هنوز ساعت‌ها پیش از آغاز مراسم هزاران نفر در محل برگزاری مراسم گرد آمده بودند و دم‌به‌دم به جمعیت افزوده می‌شد بطوریکه هنگام آغاز مراسم ششمین سالگرد حماسه شهادت رفیق بیژن جزنی و همرزمان، محل وسیع برگزاری مراسم را انبوه فشرده جمعیت فرا گرفته بود با این‌همه در کانون‌های سه‌گانه میدان انقلاب، میدان امام حسین و میدان راه‌آهن که برای حرکت به سوی بهشت زهرا تعیین شده بود، انبوه بی‌شماری از مردم تنها به دلیل نبود وسائل حمل و نقل نتوانستند خود را به بهشت زهرا برسانند.

سالگرد شهادت رفیق جزنی و همرزمان در شرایطی برگزار گردید که هزاران فدائی خلق به‌همراه دیگر رزمندگان در جبهه‌های نبرد علیه تجاوزگران به‌نام فعال‌ترین و گسترده‌ترین سازمان انقلابی می‌رزمند و با ابراز عظیم‌ترین دلاوری‌ها در راه دفاع از استقلال میهن و انقلاب، حماسه‌های پرشکوهی آفریده و تاکنون با شهادت ۵۲ رزمنده فدائی، در جبهه‌های جنوب و غرب سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران را با خون خود لاله‌گون ساخته‌اند.

● مراسم بزرگداشت در ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه با اعلام یک دقیقه سکوت آغاز شد و سپس پیام خانواده شهید سازمان توسط مادر رفیق شهید فرامرز شریفی قرائت شد.

در قسمتی از این پیام چنین آمده است:

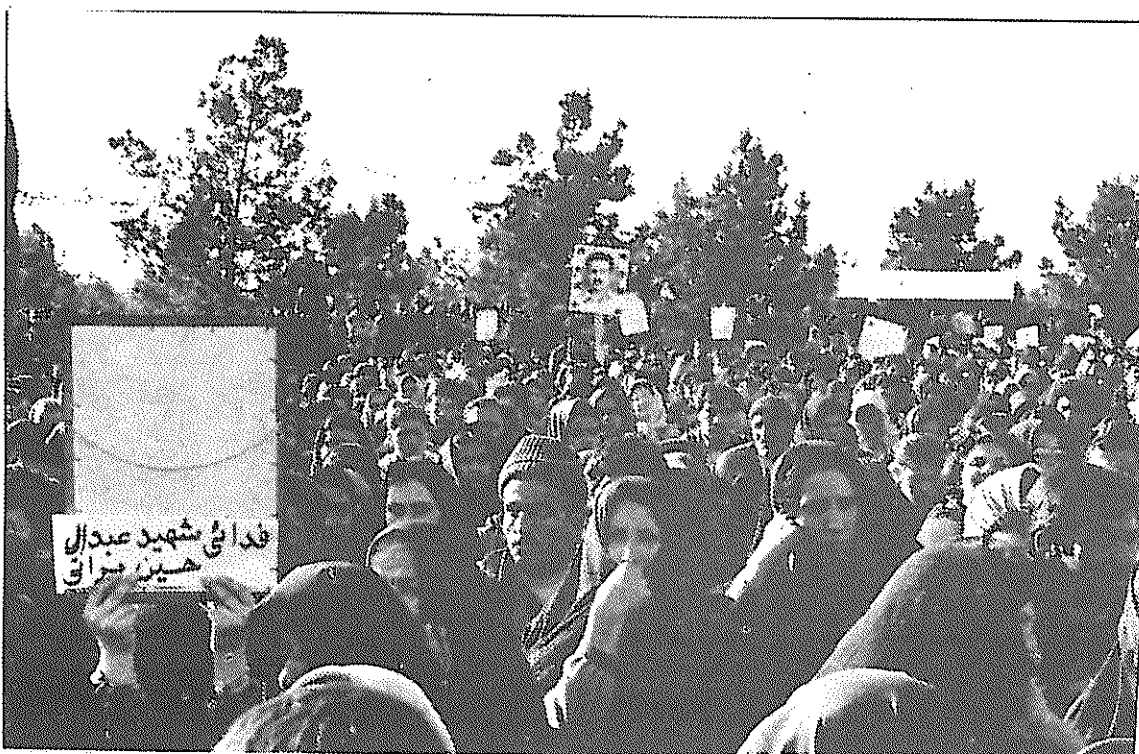
"... با قلبی سرشار از امید و ایمان به انقلاب و با کینه‌ای هرچه بیشتر به امپریالیسم، بار دیگر به دیدار فرزندانمان آمده‌ایم. آمده‌ایم تا یکبار دیگر در آغوشتان بگیریم، میثاق تازه کنیم و عهد و پیمانمان را باز هم بیشتر با شما محکم‌تر کنیم و بگوئیم: فرزندان عزیزمان، راه شما همچنان

استقبال بی نظیر مردم از مراسم ششمین سالگرد ...

فدائیان در پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن

انقلاب‌های پیروزمند عمل کرده‌اند.

است. نسل ما امپریالیسم و سرمایه‌داری را به‌گور خواهد



است، بلکه دلیل بزرگی است از گسترش نفوذ و اعتبار سازمان ما در بین طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن ما.

امروز صدها هزار نیروی فعال سیاسی منتسب به فدائیان اکثریت به عنوان صادق‌ترین و رزمنده‌ترین نیروی سیاسی علیه دشمنان انقلاب ایران می‌رزمند. امروز دهها هزار فعال سیاسی فدائی اکثریت به افشای بی‌امان دسائیس و توطئه‌ها و ترندهای لیبرال‌ها، فتوادل‌ها، خوانی‌ن، زمینداران بزرگ، سرمایه - داران بزرگ، تجار عمده، ساواکی‌ها و دوستان و جاسوسان امپریالیسم و همه وابستگان به رژیم سابق مشغولند و در این راه مبارزه می‌کنند.

این حقیقت، بیانگر نقش عظیم فدائیان خلق در دفاع از دستاوردهای انقلاب مردم و برهان و حجت روشنی است از گسترش پایه‌های اجتماعی سازمان ما در جهت پیوند استوار با طبقه کارگر و با محرومان جامعه.

رفیق طاهری پور ضمن تاکید بر نقش عظیم فدائیان خلق اکثریت در دفاع از انقلاب شوکومند مردم ایران گفت:

"... ما در راه مدافعه از منافع زحمتکشان، در راه مدافعه از انقلاب و دستاوردهای انقلاب آن‌گونه عمل می‌کنیم که همه

تجربه همه انقلاب‌های پیروزمند این را نشان می‌دهد که شرط مقدم پایداری خلق در برابر امپریالیسم و همه نیروهای متحد و مورد حمایت آن، فشرده‌گی صفوف خلق و وحدت و اتحاد است.

همین تجربه نشان می‌دهد که هسته اصلی و محور اساسی اتحاد خلق، اتحاد طبقه کارگر و همه گردان‌هایی است که با اعتقاد و ایمان به سوسیالیسم علمی در راه پیروزی طبقه کارگر پیکار می‌کنند. ما مصممیم که این راه را به فرجام رسانیم و این راه برخلاف توهمات که دامن زده می‌شود، راه دراز و پر پیچ و خم و سرشار از مبارزه است.

● رفیق طاهری پور با تاکید بر سخنان خود ادامه داد:

"... راه ما، راه بهروزی مردم، راه زحمتکشان، راه ما، راه انقلاب و راه انقلابیون راستین است. این حقیقت همان‌سان حقیقت است که این خورشید، حقیقت است!

آری! امروز فدائیان خلق اکثریت در چنین راهی گام برمی‌دارند، راهی که زندگی آفرین بودن آن و طراوت و زیبایی آن به زندگی آفرینی و زیبایی همه بهاران است.

رفیق طاهری پور سخنان خود را با این جملات پایان داد:

"... راه ما راهی است که به‌سوی سوسیالیسم رهسپار

سپرد و ما که امروز پرچم پیروزی آفرین و آزادیبخش سوسیالیسم علمی را برافراشته‌ایم، خلق‌های قهرمان میهن را در این راه بزرگ پیشگام خواهیم بود. آری! خلق ما امپریالیسم و سرمایه‌داری را به‌گور می‌سپارد. انقلاب ما سرانجام بی‌هیچ تردیدی به پیروزی نهائی دست خواهد یافت و زحمتکشان میهنمان فردا را در آغوش سوسیالیسم خواهند زیست. تاریخ، طنین مرگ ستمکاران را اوج تازه‌ای بخشیده‌است. ما پیروز خواهیم شد..."

پس از سخنرانی پرشور رفیق جمشید طاهری پور، جمعیت بامش‌های گره‌کرده و فریاد "مرگ بر آمریکا" و "درد بر فدائی" شکوه خاصی به مراسم بخشیدند.

سپس مادر فدائی شهید رفیق علیرضا حاتم‌زاده طی سخنانی از مبارزات و رشادت‌های فرزندش سخن گفت. او در حالیکه سرشار از نفرت و کینه نسبت به تجاوزگران بود، شور عظیمی از میهن‌پرستی انقلابی در میان جمعیت برانگیخت. او در حالیکه به‌عربی سخن می‌گفت، فریاد زد:

"صدام! صدام! ای جنایتکار! برو از خانه ما بیرون. بیرون می‌کنیم. صدام! به زور شهرو خانه ما را می‌گیری. بیرون می‌کنیم صدام! جنایتکار نوکر آمریکا!

لعنت بر صدام، لعنت بر آمریکا..."

پس از آن پدر شهید فدائی رفیق فریدون مرتضی‌زاده که در جبهه‌های مقاومت جنوب به شهادت رسیده، سخن گفت. او که خود از نفتگران قدیمی و مبارز صنعت نفت است، در سخنان خود ضمن برشمردن جلوه‌هایی از تاریخ مبارزات مردم ایران در جریان نهضت نفت گفت:

"شاه از روحانیت مبارز و انقلابیون کمونیست به عنوان کرم‌های سیاه و پرنندگان سرخ پردر نیابورده سخن می‌گفت و همواره از مبارزه آنان که در کوچه و خیابان، شهر و روستا و در مخفی‌گاه‌ها جریان داشت، هراسان بود. او غافل بود که مبارزه مردم سرانجام نه‌تنها بسطاط شاهنشاهی ننگین او بلکه بسطاط چپاول و غارت امپریالیست‌های سراسر جهان بسرکردگی آمریکا را در میهن ما برمی‌چینند.

او سپس درباره جنگ تجاوزکارانه صدام که به تشویق و تحریک امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است، صحبت کرد و بر مقاومت و پایداری مردم و فرزند شهیدش در برابر تجاوزگران با تحلیل و افتخار یاد کرد و بر جنبش مقاومت و پایداری که سرانجام، پیروزی را برای زحمتکشان به ارمغان می‌آورد تاکید کرد.

آنگاه پیام رزمندگان فدائی از جبهه‌های جنوب و جنوب غربی در میان خروش فریادهائی که می‌گفتند:

"خلق ما می‌رزمه صدام ریگان می‌لرزد" خوانده شد و سپس حلقه‌های گلی که از طرف کمیته مرکزی سازمان و نیز حلقه‌های گلی که از طرف ارگان‌های سازمانی و گروهی از هواداران تهیه شده بود و در پیشاپیش جمعیت به نمایندگی از طرف سازمان توسط رفیق جمشید طاهری پور حمل می‌شد، ابتدا بر مزار رفیق بیژن جزئی و سپس بر مزار شهدای انقلاب و شهیدانی که در جنگ مقاومت و دفاع از استقلال میهن در برابر تجاوزگران به شهادت رسیده بودند، گذاشته شد. حرکت جمعیت به‌طرف

مزار شهدای انقلاب و جنگ مقاومت علیه تجاوزگران با شکوه خاصی صورت گرفت. جمعیت در صفوفی منظم در حالیکه پلاکاردهائی در دفاع از استقلال و انقلاب و دستاوردهای آن و علیه جنگ تحمیلی رژیم صدام و امپریالیسم بسرکردگی آمریکا حمل می‌کردند، با شعارهای

امریکا تو خالی است
خونین شهرگواهی است
امریکا، آمریکا
مرگ به نیرنگ تو
خون شهیدان ما
می‌چکد از چنگ تو
خلق ایران می‌رزمه
صدام، ریگان می‌لرزد

به‌سوی مزار شهدا به حرکت درآمدند و زمانی که نخستین صفوف جمعیت به ابتدای قطعه‌ای که مزار شهیدان انقلاب و جنگ، در آن قرار دارد، رسید از بلندگوها اعلام سکوت شده و جمعیت در سکوت مطلق در حالیکه مشتهای گره‌کرده خود را به نشانه احترام و خشم و نفرت علیه امپریالیسم و رژیم متجاوز صدام بلند کرده‌بود وارد محوطه شد.

● در این هنگام رفیق جمشید طاهری پور به اتفاق مادران شهدای فدائی بر مزار یکی از پاسداران جبهه‌های جنوب که صبح همان روز به خاک سپرده شده بود، خطاب به خانواده پاسدار شهید چنین گفت:

"در اینجا کسانی خوابیده‌اند که در راه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی جنگیدند و به شهادت رسیدند. همه این شهدا از تبار زحمتکشاند، آنها در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم صدام در قلوب خود و در نیات خود خواستار نابودی فقر و گرسنگی، ناداری و بی‌خانمانی و در بگیری که محصول ستم و غارت و استثمار امپریالیستی و سرمایه‌داری است، بودند و در قلوب خود و در نیات خود در راه نابودی امپریالیسم به شهادت رسیدند. آنها در راه بهروزی و سعادت زحمتکشان به شهادت

باندهای سیاه را افشاء کنیم شبکه گسترده باندهای سیاه در کرمانشاه

★ اکنون تنها در شهرهای استان کرمانشاهان دهها گروه فشار و ترور مشغول فعالیت می باشند که مهم ترین آنها عبارتند از: "گروه شیت"، "قارعه"، "بدر"، "هستی انقلاب"، "حیدر رهنما"، "انجمن حجتیه" و "گروه محارب".
عناصر متشکله رهبری گروههای فوق عبارتند از: بازاریان مرفه و سرمایه دار، قاچاقچیان، ولگردهای شهر، عناصر فعال حزب ضدانقلابی و مائوئیست "رنجبران" و معدودی از روحانیون قشری.

را صادر کرده است.
۹- جلال پولکی از مسئولین بسیج مستضعفین جزو محرکین و مشوقین گروههای نامبرده می باشد. او از نفوذ خود در بسیج سوء استفاده کرده و به نفع گروههای فشار و ترور، تبلیغات زیادی به راه انداخته است. پولکی و همدستانش از طرف امام جمعه شهر عطاءاله اشرفی اصفهانی حمایت می شود.
۱۰- مجتبی سایه و نودی خبرنگار روزنامه اطلاعات و مسئول توزیع روزنامه انقلاب اسلامی در کرمانشاه از همکاران گروه شیت بوده و در حمله به دفتر "امت" شرکت داشته است.
۱۱- رحیم عیوضی در بخش تبلیغات سپاه کار می کند و متأسفانه عضو فعال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز هست.
۱۲- هاشم عیوضی مسئول سابق زندان سپاه پاسداران سنندج و سردسته حمله کنندگان به دانشگاه رازی بوده است.
۱۳- داوود باقرزاده رابط گروه شیت با تحقیقات سپاه است.
۱۴- حبیب خسروی معروف به حبیب پیغمبر، دبیر تعلیمات دینی دبیرستان رازی و مسئول انجمن حجتیه در دوران رژیم پیشین. او از طراحان و به اصطلاح متفکرین گروه شیت است.
۱۵- حمید نامداری پاسدار و عضو گروه محارب.
۱۶- محمدرضا گرد، پاسدار و عضو گروه محارب.
۱۷- کامران فتاحی سرپرست پیشمرگان مسلمان کرد

۱۸- فریبرز نجومی عضو بسیج بوده و در حمله به دفتر هماهنگی فعالیت های اسلامی غرب کشور و حمله به دبیرستان آل احمد شرکت داشته و حتی دیده شده که با کلت به سر و صورت دانش آموزان می زده است!
۱۹- بیژن اسفندیاری پاسدار زندان دیزل آباد که در حمله به دبیرستان دخترانه پروین اعتصامی نقش فعالی داشته است.
۲۰- غلامحسین پور رئیس دبیرستان ادیب، متفکر و سازمانده گروه قارعه.
۲۱- حسین سلطانی که اخیراً و پس از ادغام بسیج و پاسداران به عنوان فرمانده عملیاتی سپاه در سومار به جبهه اعزام شده است. او قبلاً از تکاوران نیروی دریائی بوده و پس از انقلاب مسئولیت عملیات خارج از شهر سپاه در کرمانشاه را به عهده می گیرد ولی پس از چندی به علت فساد اخلاقی و اختلاس از سپاه اخراج می شود. حسین سلطانی پس از شروع جنگ بار دیگر وارد بسیج و سپاه می گردد. او از همکاران فعال گروه تروریستی شیت است.
۲۲- کیومرث گردانی پاسدار که بسیاری لز بازجوئی های غیرقانونی و شکنجه ها زیر نظر او صورت می گیرد.

قاچاقچیان و ولگردهای فعال گروه های

ضدانقلاب در کرمانشاه

۲۳- سیاوش کرم قاچاق فروش که در بسیاری از حملات به اجتماعات نقش فعال داشته است
۲۴- صادق کرم (معروف به صادق شیت) که در کمیته ها فعالیت داشته و از امکانات آن سوء استفاده های فراوانی در جهت خرید و فروش مواد مخدر و اسلحه نموده است.
۲۵- هادی میرمعینی که سوابق دزدی و خرید و فروش قاچاق دارد.
۲۶- شاهرخ دائی پور چاقوکش و یکی از عوامل موثر حمله به کتابفروشی ها و دانشکده علوم و مجروح ساختن دانشجویان.

بقیه در صفحه ۱۷

و این بار به معرفی مهره ها و عناصر فعال شبکه گسترده باندهای سیاه در کرمانشاه که تحت عناوین متعددی مشغول به توطئه، بی اعتبار ساختن انقلاب و بهم ریختن صفوف یکپارچه مردم هستند، می پردازیم. همچنین افشای اسامی و چهره واقعی تعدادی از فعالین شبکه فوق، هشدار برای جوانان بی اطلاع و ناآگاهی خواهد بود که در بند فریب این عناصر گرفتار آمده اند و ناآگاهانه به اهرمی برای انجام نیات پلید آنان مبدل شده اند.

سرمایه داران و بازاریان مرفه از جمله

حامیان گروه های فشار و ترور

۱- حاج روح اله اسلامی (که نام اصلی او هوشنگ سیاوانی است) اخیراً مبادرت به تاسیس و سازماندهی گروهی به نام "محارب" کرده است. نامبرده سرپرست سابق گروه مبارزه با مواد مخدر بوده و به اتهام تجاوز و قتل از سوی آقای خلخالی برکنار و تحت پیگرد قرار گرفته بود.
۲- حاج کاظم ابوالفضلی سرمایه دار و گاراژدار فعلی و قاچاقچی و از جمله چاقوکشان سابق
۳- حاج حسین آفتاب، تاجر و محترک، سردسته چماقداران رژیم پیشین، عضو انجمن شهر در دوران طاغوب، سردسته فعال حمله کنندگان به تظاهرات روز جهانی کارگر سال ۵۸ و سایر اجتماعات.
۴- حاج فیض الله حائری نایلون فروش و صاحب کارخانه نایلون سازی در جاده سنندج.
۵- حاج کرمی.
۶- حاج محمد خرمی صاحب شیشه فروشی خرمی عضو موثر گروه شیت و جزو افراد ستاد تامین و امنیت شهر و سرپرست گروه حفاظت شهر در محله جوانشیر.
۷- علی پاکنژاد و برادران عضو باشگاه لاینز عضو فعال انجمن حجتیه و تامین کننده کمک های مالی باندهای سیاه.

روحانیون و مسئولینی که با باندهای سیاه

همکاری دارند

۸- شیخ نجومی پیشنماز مسجد نواب همکاری نزدیک با گروه های ترور و اختناق دارد و از جمله روحانیونی است که علناً از این گروه ها حمایت می کنند. لازم به گفتن است که او تاکنون در چندین سخنرانی خود حکم قتل کمونیست ها

در حال حاضر کرمانشاه و شهرهای اطراف آن به کانون فعالیت گروه های فشار و باندهای سیاه مبدل شده است. هربار که ماسک از چهره یک گروه برداشته می شود، گروه دیگری توسط همان عناصر آبرویافته و با همان وظایف ضدانقلابی خود با نام جدیدی سازمان داده می شود. گروه شیت که به ظاهر فقط برای سرکوب کمونیست ها متشکل شده بود، با گسترش فعالیت های ضد انقلابی اش و همچنین به دنبال حمله به دفتر هماهنگی فعالیت های اسلامی در غرب " معلوم شد که هدف آن سرکوب همه مبارزین راستین با هر مسلک و مرام است و پس از آنکه عناصر رهبری شیت و اعمال ضد مردمی و تروریستی آنان افشاء گردید و برخی از آنان که در نهادهای انقلابی نفوذ کرده بودند، طرد شدند. گروه دیگری به نام محارب اعلام موجودیت نمود!

اکنون نزدیک به ده گروه با عملکردهای یکسان و برنامه های واحد در کرمانشاه و نواحی غرب کشور مشغول به فعالیت هستند. این تنوع باندها نه به علت اختلافات بین رهبران و موسسین این گروه ها بلکه به این خاطر است که رعب، ترس و اختناق بیشتری را با تعدد بیشتر بیافرینند و بار سنگین جنایات و تبهکاری های انجام شده را بین خود تقسیم نمایند.

مهم ترین گروه های موجود و فعال در کرمانشاه با اسامی ذیل فعالیت دارند:

گروه شیت، قارعه، بدر، هستی انقلاب، حیدر رهنما، انجمن حجتیه و گروه محارب.
این گروه ها به نحوی با یکدیگر ارتباط داشته و عناصر متشکله رهبری آن شامل عده های سرمایه دار و بازاریان مرفه، قاچاقچیان، ولگردهای شهر و عناصر فعال حزب ضدانقلابی و مائوئیست رنجبران است. همچنین معدودی از روحانیون قشری کرمانشاه بطور آشکار با آنان همکاری داشته و از اعمال آنان حمایت می کنند. گروه های نامبرده فوق و به ویژه گروه شیت با عناصری از گروه تحقیقات سپاه پاسداران کرمانشاه ارتباط داشته و با آنان تبادل نظر و اطلاعات می نمایند و حتی از آنان رهنمودهای لازم را دریافت می کنند. متأسفانه تعدادی از انجمن های اسلامی مدارس و جوانان مذهبی فریب شعارهای به ظاهر اسلامی و انقلابی آنان را خورده و به دام آنان گرفتار آمده اند. لازم به گفتن است که برخی از مسئولین مهم دولتی در آن نواحی مانند سعیدزاده مدیرکل آموزش و پرورش (که عضو انجمن حجتیه و کاندیدای حزب جمهوری اسلامی برای مجلس در کرمانشاه بوده است) با حمایت از اعمال جنایتکارانه این گروه ها، جوانان مذهبی و انجمن های اسلامی متعددی از مدارس را به سمت این گروه ها رانده اند.
ما در شماره های قبل گروه شیت را افشاء کردیم

ضد انقلاب را افشاء کنیم (۵)

۱۳- توطئه های مشترك خوانین

مزدور بویراحمد

فارس علیبرغم کنترل و نظارت سپاه بر رفت و آمدهای منطقه کهگیلویه و بویراحمد، ارتباطات خوانین بویراحمد با یکدیگر بسیار زیاد شده است آنها از هر وسیله‌ای و به هر بهانه‌ای، از عروسی و عزا گرفته تا شب‌نشینی و گشت و گذار خارج شهر برای انجام توطئه‌های ضدانقلابی خود استفاده می‌کنند.

یکی از این ضدانقلابیون " امیر هوشنگ بهادر " است وی که از مهره‌های حساس کودتای نافرجام نوژه بود، توسط سپاه پاسداران از محل زندگی خود نزدیک " چنار بوم " به یاسوج تبعید شده است. با این وجود او دست از توطئه برنداشته و با " سروان باقری " فرمانده گروهان ژاندارمری یاسوج که در رژیم سابق نیز همین سمت را داشته، در رابطه است.

" سروان باقری " هم اکنون به عنوان کارچاق‌کن خوانین و عوامل آنها در ژاندارمری منطقه فعالیت می‌کند.

" امیر هوشنگ بهادر " با استاندار کهگیلویه و بویراحمد نیز روابط نزدیکی دارد و از امکانات استانداری جهت رفت و آمد در منطقه و اعمال ضدانقلابی خود استفاده می‌کند. در تاریخ ۱۴ فروردین " حداد پناهی " و " بیژن منصوری " دو تن از کدخداهای بویراحمد به همراه چند نفر دیگر جلسه توطئه‌آمیزی در خانه " امیر هوشنگ بهادر " در یاسوج تشکیل می‌دهند.

لازم به یادآوری است که " شهباز زرغامپور " از خوانین بویراحمد که در کودتای نوژه دست داشته است و اکنون نیز متواری است، در اردوی " خسروخان قشقای " بسر می‌برد.

۱۴- مسلح کردن گروهی از افراد شیخ

هادی توسط رژیم ضد خلقی عراق

کرند در تاریخ دهم اسفندماه ۵۹ حدود ۷۰ نفر مسلح از افراد " شیخ هادی " که توسط رژیم ضد خلقی عراق مسلح شده‌اند، در حوالی " ازگله " مرکز ثلاث باباخانی که به وسیله ارتش عراق اشغال شده است، دیده شده‌اند. افراد مسلح تحت رهبری " شیخ حسین پسر " شیخ هادی " می‌باشند و گویا دهی را به اسم " داری زنگنه " به عنوان پایگاه خود انتخاب کرده‌اند.

۱۵- ملاقات مهاجمین ضد انقلابی

با سید نصرالدین حیدری

غرب کشور - در اطراف " مله‌ویژه " در منطقه پالان، تعدادی از مهاجمین که به عراق رفته بودند، به ایران برگشته و با " سید نصرالدین حیدری " رهبر فرقه اهل حق که با ستاد بسیج عشایری همکاری نزدیک دارد، ملاقات کردند. طبق اخبار رسیده، مهاجمین پس از بازگشت از عراق و گرفتن دستور از مزدوران عراقی به دیدار " سید نصرالدین حیدری " می‌روند.

ما با هشداری مجدد به مقامات جمهوری اسلامی اعلام می‌کنیم که این عناصر شناخته شده در پوشش‌های مدعی علیه انقلاب توطئه می‌کنند.

بقیه از صفحه ۱۶

باند های سیاه

۲۷- شخصی معروف به حشمت سگباز که با حمله مسلحانه به تظاهرات روزجهانی کارگر در سال گذشته چندین نفر را مجروح نمود.

۲۸- محمود و نادر نادری که در اکثر درگیری‌ها با چاقو شرکت دارند.

۲۹- شهریار فتاحی که با چاقو به دبیرستان دخترانه پروین اعتصامی حمله کرده‌است.

۳۰- رضایوسف پور قمارباز و چاقوکش که در حمله به مدارس شرکت مستقیم داشته‌است.

۳۱- بهمن هدهدی راننده بهیاری الوند و یکی از قاتلان احتمالی هرمزگرچی بیانی است.

۳۲- رشیدجانی از قاتلین احتمالی گرجی بیانی است.

۳۳- علی اشرف تیغی مامور تعقیب و مراقبت باندهای سیاه با موتور سیکلت.

۳۴- فریبرز عباسی مامور تعقیب و مراقبت باندهای سیاه با موتور سیکلت.

۳۵- جلیل شادمانی (معروف به جلیل مرغی) از فعالین گروه شیت و از جمله اعضای جوخه اعدام گرجی بیانی بوده‌است.

۳۶- شاه‌عباس‌الوی از اعضای فعال و خطرناک گروه قارعه.

۳۷- حمید نیکپور از اعضای فعال قارعه که اکنون به اتهام قتل محمد خوشبو زندانی است.

۳۸- حسین سرخوندی که قبلاً به جرم مضروب ساختن عناصر مبارز مدتی در زندان بوده‌است.

بقیه از صفحه ۳

با انقلاب یا...

اقدام می‌کنند. سمینار ویژه هیئت دولت و استانداران از تاریخ نوزدهم تا بیست و دوم فروردین ماه در زاهدان از جمله اقدامات قابل پشتیبانی مسئولین امر است. این اقدام می‌تواند سرآغازی برای بازگرداندن تدریجی و اصولی مهاجرین افغانی به سرزمین‌شان و مبارزه اصولی و بنیادی با فعالیت‌های غیرقانونی و ضدانقلابی عناصر مرتجع و دست‌پروردگان سیا در میان افغانی‌های مهاجر باشد.

امپریالیست‌های خوب، فرانسوی

وزاپنی و ایتالیائی

از سرگیری مونتاژ وانت‌های ژاپنی به وسیله انحصارات امپریالیستی ژاپنی، و ردیف کردن ۶۱ هزار متقاضی (که هر کدام بیش از ۵۰ هزار تومان به شرکت ایران سایپا پرداخت کرده‌اند) در صف خرید اتوموبیلی که تولید آن در وابستگی کامل به انحصار امپریالیستی فرانسوی است، سیاستی نه در جهت مقابله با وابستگی است بلکه مخالف آن است.

در همین رابطه حتی هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی به سفیر ایتالیا در ایران گفت:

" امیدوارم با امکاناتی که در ایران و ایتالیا هست صادقانه برخورد کنیم و بدون این‌که تحت تاثیر ابرقدرت‌ها قرار بگیریم همکاری‌های زیاده‌تری داشته باشیم ... "

ما باز هم بر این نکته تاکید داریم که امپریالیسم جهانی، دشمن انقلاب خلق‌های جهان و دشمن انقلاب مردم میهن ما است. انتظار برخورد " صادقانه " از امپریالیسم

۳۹- رمضان رحیمی (معروف به رمضان بیخی) که در ضرب و جرح دانش‌آموزان مدارس شرکت داشته و دارای انحراف اخلاقی است.

عناصر معروف گروه ضد انقلابی رنجبران که با باندهای سیاه همکاری دارند

۴۰- امیرکرم که از عناصر شناخته‌شده حزب مزدور رنجبران است به همراه سایر سه‌جهانی‌های رس‌وای رنجبران از جمله دکتر شمس‌پور استاد دانشگاه رازی با اعضای گروه شیت جلسات مشاوره و بحث داشته و در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌نمایند.

آنچه در بالا آمد گوشه‌ای از شبکه وسیع گروه‌های ضدانقلابی، اختناق‌آفرین و تبهکاری است که زیر چتر حمایت برخی مسئولین قشری و بی‌توجهی دولت جمهوری اسلامی رشد یافته و ضربات کاری و موثر خود را بر انقلاب ما وارد آورده‌است.

طی دو سال اخیر این گروه‌های ضدانقلابی در پوشش دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی همانند موریانه‌های درصدد تهي ساختن انقلاب ستبر و شکوهمند ما بوده تا آن را از پای درآورند. ما به دولت جمهوری اسلامی و مسئولین وفادار به انقلاب بازهم هشدار می‌دهیم تا فرصت هست، باطرد عناصر مشکوک و حامیان گروه‌های ضد انقلاب از دستگاه‌های دولتی و با سرکوب رهبران باندهای سیاه، این موانع جدی راه پیشروی و گسترش انقلاب را از میان بردارند.

تعداد متقاضیان «رنو» ۴ برابر تولید سالانه است

اطلاعات ۱۶ فروردین ۶۰

مونتاژ وانت‌های ژاپنی در ایران از سر گرفته شد

اطلاعات ۱۸ فروردین ۶۰

تولید سالانه رنو، تنها جوایگی ۱۵ هزار متقاضی است در حالی که ۱۱۴۰۰ متقاضی برای دریافت اتومبیل بول برداخت و مدارک خود را برای دانست کرده‌اند!

مهندس کاتوزیان در آغاز این گفتگو اظهار داشت: - ابتدا لازم است از کلیه متقاضیان رنو بخاطر حسن استقبالشان تشکر بکنیم. این مسئله حسن‌اطمینان هموطنان ما را نسبت به حمایت از صنایع داخلی نشان‌میدهد اما واقعیت این است که ما به هیچوجه بیش‌بینی این تعداد متقاضی را نمی‌کردیم. رقم ۱۱۴۰۰ متقاضی برای ما غیرمتوقع بود.

اطلاعات ۱۶ فروردین ۶۰

انتظار مهر و عطوفت ازگرم درنده است. ما باز هم بر این نکته تاکید می‌کنیم که امپریالیست‌ها امپریالیست هستند، چه ایتالیایی باشند، چه آمریکایی، چه آلمانی باشند، چه انگلیسی، چه فرانسوی، چه ژاپنی ...

ما باز هم بر این نکته تاکید می‌کنیم که توسل به سیاست و تئوری " ابرقدرت‌ها " سیاستی به غایت ارتجاعی است که امروز در تمامی ابعاد آن در خدمت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا است. و پیشبرد آن ضربات مهلکی بر انقلاب میهن ما وارد می‌آورد. از نتایج برجسته آن این است که بر امپریالیست بودن انحصارات امپریالیستی که پاره‌های پیکر واحد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند سربوش می‌گذارد و مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما را از مسیر آن منحرف می‌سازد.

اخبار شهرستانها

مناظره هواداران سازمان و نیروهای خط امام

بابلسر - روز شنبه ۲۲ فروردین جلسه بحث و گفتگو پیرامون " شناخت دوستان و دشمنان انقلاب " میان هواداران سازمان و نیروهای پیرو خط امام در سالن دانشکده بابلسر برگزار شد. در این جلسه که سرشار از محیط تفاهم و دوستی بود طرفین گفتگو بحث سازنده‌ای را پیرامون معیار شناخت دوست و دشمن و نیز ماهیت دوستان و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، پیش بردند. رفقای ما ضمن نثار درود بی‌پایان به شهدای جنگ خواستار اتحاد نیروهای ضدامپریالیست در این شرایط سرنوشت ساز شدند.

استقبال کم نظیر مردم موجب شد تا سالن دانشکده مملو از جمعیت شود و صدها تن از مشتاقان شنیدن این گفتگو ساعت‌ها در هوای سرد و بارانی، سر پا بایستند. این تجربه، که برای طرفین بحث و نیز مردم شرکت‌کننده بسیار آموزنده بود نشان داد که بحث و گفتگو پیرامون مسائل مبهم جنبش تا چه اندازه می‌تواند مفید واقع شود و جلو تشنجات و شیوه‌های جنجال آفرین را بگیرد.

از ماهشهر تا بندر دیلم به خاطر کمک به جنگ زدگان

ماهشهر - گروهی از هواداران سازمان که در ماهشهر و سربندر به کار کمک رسانی به جنگ‌زدگان مشغول هستند برای تامین قسمتی از مایحتاج مردم به بندر دیلم سفر کردند. این رفقا با ماشینی که همراه داشتند پس از گذراندن مسافت زیادی به بندر دیلم رسیدند و پس از چند روز توقف در شهر، مقدار زیادی ماهی و میگو خریداری کردند. آنها این مواد غذایی را به ماهشهر و سربندر آوردند و با قیمت ارزان و در بعضی موارد رایگان در اختیار مردم قرار دادند.

رفقا در گزارش مفصلی که از مسافرت خود به بندر دیلم نوشته‌اند از وضع ناگوار زحمتکشان این منطقه و خواست‌های رفاهی و اجتماعی آنان سخن گفته‌اند. آنان همچنین نوشته‌اند:

" ما با امکانات محدود، به خاطر احساس وظیفه‌ای که نسبت به جنگ‌زدگان می‌کردیم راه درازی را پیمودیم تا مقداری ماهی و میگو فراهم کرده در اختیار مردم قرار دهیم. مسئولان با امکانات زیادی که در اختیار دارند می‌توانند مواد خوراکی جنگ‌زدگان را از مناطق اطراف تهیه کرده و با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار دهند تا دست سوداگران و سودجویان که همچنان به چپاول خود ادامه می‌دهند، قطع شود "

تجلیل از ۱۲ پاسدار شهید در کرمان

کرمان - روز دوشنبه ۲۹ فروردین ماه اجساد ۱۲ پاسدار، که در غرب کشور بدست ضدانقلاب به شهادت رسیدند در کرمان تشییع جنازه شد. در این مراسم گروه زیادی از مردم شرکت داشتند و با ابراز نفرت از اعمال ضد - انقلابیون، خاطره این شهدا را گرامی داشتند. هواداران فدائیان خلق (اکثریت) در کرمان همراه با دیگر زحمتکشان و اقشار مختلف مردم کرمان در مراسم تجلیل از شهدای پاسدار شرکت داشتند.

ما ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های شهدا به عناصر تفرقه‌افکن و مغرضی که کوشیدند از این رویداد ناسف‌بار، علیه فدائیان خلق بهره‌برداری و سوءاستفاده کنند هشدار می‌دهیم که دست از این اعمال ضدانقلابی و غیر انسانی خود بردارند.

نخستین نمایشگاه ضدامپریالیستی در روستای جلالی بوشهر

بوشهر - روستای جلالی در ۱۵ کیلومتری بوشهر و در کنار دریا قرار دارد. بیشتر مردم این روستا (که ۲۵۰ نفر جمعیت دارد) به کار ماهیگیری مشغول هستند. عده‌ای از مردان زحمتکش روستا، تابستان‌ها برای کار به شیخ نشین‌ها و بخصوص به کویت می‌روند. با اینکه روستا نزدیک بوشهر است ولی نه مدرسه دارد، نه بهداشتی و نه حتی آب لوله‌کشی. اما در روستا رفقای ما هستند. رفقای ما در این روستا همانند هزاران شهر و روستای دیگر کوشش می‌کنند تا با کمک اهالی و مسئولان دلسوز منطقه مشکلات را به تدریج از پیش پای مردم رنج‌دیده بردارند. آنها همچنین می‌کوشند سطح آگاهی زحمتکشان روستا را بالا برند. این رفقا که اخیراً نمایشگاه ضدامپریالیستی در روستای جلالی برپا کرده‌اند در قسمتی از گزارشی که برای نشریه " کار " فرستاده‌اند چنین می‌نویسند:



" این اولین نمایشگاهی بود که در روستا برگزار می‌شد. نمایشگاه ما خیلی ساده بود ولی با وجود این مردم دسته دسته از آن دیدن می‌کردند بطوری که ما " ذوق‌زده " شده بودیم. ما روی ده عدد مقوای یک متری عکس‌هایی از جنایات امپریالیست‌ها و نیز عکس‌هایی که نشان دهنده قهرمانی‌های خلق ما بود چسبانده بودیم در کنار عکس‌ها نیز شعارهای ضدامپریالیستی نوشیتیم. بک پرچم آمریکا هم درست کرده و جلو نمایشگاه روی زمین پهن کردیم. دفعه اول یک پیرمرد جاشو (ماهیگیر) از کنار پرچم خیلی با

احتیاط گذشت تا پا روی آن نگذارد، ولی وقتی ما به او گفتیم که این پرچم آمریکا است، برگشت و با خشم دو پایش را روی آن کوبید... " رفقا در پایان گزارش خود به استقبال مردم از نمایشگاه ضدامپریالیستی روستای جلالی اشاره کرده و با آرزوی نابودی امپریالیسم آمریکا به گزارش خود پایان داده‌اند.

قاچاقچیان،

این بازوان امپریالیسم به جنگ انقلاب آمده‌اند!

خطر قاچاقچیان را که بیشتر در لباس مجاهدین افغانی! فعالیت می‌کنند و اخیراً به صورت " کاروانی " در رفت و آمد هستند باید جدی گرفت.

بلوچستان - از چندماه پیش فعالیت قاچاقچیان که مستقیماً از جانب امپریالیست‌ها و ضدانقلابیون حمایت می‌شوند، گسترش یافته است. قاچاقچیان که عمدتاً در مرزهای شرقی کشور در رفت و آمد هستند از ضدانقلابیون و فتوادل‌های فراری افغانی و گروهی از قاچاقچیان حرفه‌ای ایرانی که بسیاری از آنان با ضدانقلاب در رابطه‌اند تشکیل می‌شوند. کار این گروه به جایی رسیده است که به صورت " کاروانی " به حمل و نقل مواد مخدر و اسلحه مبادرت می‌کنند. اخیراً کاروانی از قاچاقچیان که شامل ۳۰ اتوموبیل می‌شد، مورد شناسایی پاسداران و ماموران انتظامی قرار گرفت. این کاروان قاچاق که در تاریخ چهارم فروردین در جاده قصرقند - جککور در حرکت بود به وسیله سپاه پاسداران استان سیستان و بلوچستان محاصره شد. در این عملیات تنها ۴ ماشین از کاروان قاچاق به دام افتاد و بقیه توانستند متواری شوند یکی از قاچاقچیان نیز در زد و خورد زخمی شد. دوزخ بعد در جاده نیک شهر - لاشار (نزدیک قریه اوکینگ) میان پاسداران و قاچاقچیان مسلح درگیری روی می‌دهد که یک پاسدار شهید و سه نفر از قاچاقچیان دستگیر می‌شوند که از آنان ۷۰ کیلو تریاک و مقداری اسلحه بدست می‌آید. در تاریخ هفتم فروردین نیز میان ماموران ژاندارمری پاسگاه " بزمان " واقع در جاده بم - ایرانشهر و قاچاقچیان مسلح برخورد شده که یک ژاندارم شهید و یک نفر دیگر زخمی و قاچاقچیان فرار می‌کنند.

بر اساس گزارش‌های دیگر تاکنون صدها کیلو تریاک و ده‌ها کیلو هروئین از قاچاقچیان مسلح افغانی که به عنوان " مجاهد " به ایران پناهنده شده و مرتباً در مرزها در حال رفت و آمدند بدست آمده است. در جریان درگیری با این ضدانقلابیون ده‌ها پاسدار و ماموران انتظامی به شهادت رسیده‌اند و موج ناامنی و تشنج منطقه سیستان و بلوچستان و خراسان نیز بالا گرفته است. علاوه بر این بیشتر قاچاقچیان که به مناطق آشنایی دارند و با عوامل خود در ارتباط هستند موفق به حمل مواد مخدر و اسلحه و توزیع آنها در شهرهای مختلف می‌شوند.

ما همچنانکه بارها هشدار داده‌ایم، یادآور می‌شویم، خطر قاچاقچیان را که اینک گستاخ‌تر از هر زمان دیگر سرگرم توطئه‌اند، می‌بایست جدی گرفت. باید دست از حمایت فتوادل‌ها و ضدانقلابیون افغانی که در لباس مجاهد به کار قاچاق و اغتشاش مشغول هستند، برداشت و آنان را مورد پیگرد قرار داد.



رویدادهای ترکمن صحرا

اربابان چپاولگر همچنان بر زندگی صیادان زحمتکش حاکم اند



صیادان ترکمن ساحل شرقی دریای خزر (ناحیه ۴ شیلات شمال) مثل همه صیادان زحمتکش ایران بیشترین ستم و استثمار را در رژیم گذشته تحمل کرده اند. شرایط اسفبار زیستی در کومه های ۶ نفره فاقد آب و برق، دست و پنجه نرم کردن با موج و توفان و مرگ بدون هیچگونه تأمین و بیمه شقاوت جلادی بنام سروان حامد از اقوام هژیریزدانی که بادت خود صیادان زیادی را به شهادت رسانده است، به اضافه استثمار وحشتناک، بیانگر وضع کلی این صیادان است. از نظر شغلی صیادان این ناحیه به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- صیادان اداری یا قراردادی که به صید ماهی های خاویاردار می پردازند و طبق قراردادی با شیلات کار می کنند. شیلات وسائل صید را در اختیار این صیادان گذاشته و با آنان قراردادی به مدت حدود ۱۱ ماه می بندد در این مدت مقدار معینی ماهی که در قرارداد ذکر شده، باید به شیلات تحویل دهند و نرخ این ماهی ها را نیز شیلات تعیین می کند. هیچ تضمینی هم برای عدم اخراج یا استخدام در سال آینده ندارد.

۲- صیادان پیمانی که آنان نیز ماهی خاویاردار صید می کنند و در استخدام یک ارباب قرار دارند. بدین ترتیب که ارباب از شیلات امتیاز صید در قسمتی از دریا را گرفته و تعهد می کند که ماهی های صید شده را به شیلات بفروشد. این اربابان تعدادی صیاد استخدام کرده و وسائل صید را در اختیار آنان قرار می دهند و در عوض ۵۰٪ از حاصل صید را تصاحب می کنند. سرمایه داران معروفی چون مختوم قلی

حاجی و یوسف قرهجه معدوم از بزرگترین ارباب های صیدگاه ترکمن محسوب می شدند.

۳- صیادان آزاد که با امکانات ناچیز خود به صید ماهی های فلسدار می پردازند. انقلاب در وضعیت صیادان نیز چون دیگر زحمتکشان میهن ما تحولاتی به وجود آورد. تحت شرایط جدیدی که با سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خن پدید آمده بود، صیادان زحمتکش برای دگرگون ساختن اوضاع کهن دست به مبارزه زده و با ایجاد تشکلهائی در بین خود به اقدامات متعددی از فرستادن هیئت های نزد مقامات دولتی و مسئولین شیلات گرفته تا اعتراض و اعتصاب دست زدند که این اقدامات تا تیرماه ۵۹ ادامه داشت. در این زمان بر اثر فشارهای صیادان پیمانی مبنی بر از میان برداشتن سلطه ارباب ها از دریا و انعقاد قرار داد شرکت شیلات با صیادان و همچنین اعلام یکسری خواست های صنفی و رفاهی از سوی صیادان، جلسه ای در ساری با شرکت ارباب ها، صیادان و مقامات مسئول دولت از جمله آگهیان، مدیرکل شیلات تشکیل شد. در این نشست پس از بحث و جدل های شدید بین طرفین، با پا در مانی آگهیان مبنی بر دادن دوباره امتیاز صید به ارباب ها، قراردادی منعقد شد که براساس آن سهم ارباب از ۵۰٪ به ۳۰٪ کاهش یافت. با آنکه اکثر شرکت کنندگان در جلسه با ابقاء ارباب ها در دریا مخالف بودند، اما قرار شد که انجام این امر به سال آینده موکول گردد. هر چند که کاهش سهم ارباب ها گامی بود به جلو و به نفع صیادان زحمتکش اما

پس از انعقاد این قرارداد از آنجا که ارباب ها هنوز صاحب وسائل صید بودند، طبیعتاً در اجرای مفاد آن اختلال کرده، نه تنها سهم تصویب شده ۷۰٪ را به صیادان نمی دادند، بلکه برای کسب سود بیشتر از دادن ماهی و خاویار نیز به شرکت شیلات خودداری کرده و محصول خود را در بازار گران تر از نرخ تعیین شده توسط شیلات (ماهی اوزن برون کیلویی ۱۵۰ ریالی) و به قیمت های هر کیلو ۲۰۰ الی ۲۵۰ ریال به فروش می رساندند. این وضع مدت چند ماه ادامه داشت تا اینکه پس از ممنوعیت فروش این ماهی ها در بازار آزاد توسط سپاه پاسداران بندر ترکمن، آنها مجبور به تحویل محصول خود به شیلات شدند. اما نگاهی به میزان ماهی و خاویار تحویلی از طرف ارباب ها به شرکت شیلات، صحت نظرات صیادان را در مورد تقلب و اختلال ارباب ها در امر صید ثابت می کند. این اوضاع و احوال و رعایت نکردن مفاد قرارداد توسط ارباب ها، برای صیادان بسیار رنج آور بود. آنان از یک طرف منبع معاشی غیر از دریا نداشته و از طرف دیگر بخاطر گرانی و کمبود آلات و ابزار صید که توان خرید آن را نداشتند، مجبور بودند به شرایط کار ارباب ها تن در دهند. صیادان آزاد برای نجات از این اوضاع حاکم بردریا، طرحی تنظیم و آن را تسلیم مقامات مسئول نمودند. اما توجه چندانی به این پیشنهادات نشد و مسئولین تنها برای به اصطلاح سر و سامان دادن به وضع صید و صیادان آزاد به فکر ایجاد شرکت های تعاونی با ظرفیت های ۱۰۰ نفری افتادند. این در حالی بود که صیادان فکر می کردند با

ایجاد این تعاونی ها دولت جلوی افرادی را که جداگانه و بدون داشتن کارت صیادی اقدام به صید نمایند، خواهد گرفت ولی از آنجا که این طرح بدون در نظر گرفتن امکانات موجود و مشکلات صیادان ریخته شده بود، طبیعتاً از کارت صادر کردن برای صیادان فراتر نرفت که آن نیز با شکست روبرو شده و عاقبت دریا برای صید عموم آزاد شد.

با این وضع طبیعی بود که اکثر صیادان حاضر به کار در شرکت های تعاونی بخاطر کمی درآمد آن نخواهند شد و در نتیجه این بی برنامه گی های دولت و بی توجهی های مدیران لیبرال شرکت شیلات به امر صید و صیادان، دریا عرصه سودجویی افراد مختلف گردید. در حال حاضر و پس از اعلام آزادی صید از جانب دولت، علاوه بر ارباب های سابق، ارباب های جدیدی نیز به دریا اضافه شده اند. ارباب های جدید (کارمندان متوسط، مغازه داران، زمینداران میانه حال و...) با تهیه آلات و ابزار صید و قایق موتوری و با گذاشتن آنها در اختیار افراد بی کار (عمدتاً دیپلمه های بی کار) پول هنگفتی را به جیب می زنند. البته باید توجه داشت که اغلب این دیپلمه های بیگانه از خانواده های زحمتکش بوده و برای امرار معاش مجبور به قبول این شغل گشته اند.

در این اوضاع و احوال بود که تعدادی از صیادان پیمانی، کومه های ارباب ها را رها کرده، یا خود بطور مستقل شروع به صید نموده و یا زیر دست ارباب های جدید به صید ماهی های فلسدار پرداختند. اما در هر حال آنان را گریزی از دست ارباب ها نبود. صیادان در

پی به دست آوردن مبلغ ناچیزی جهت گذران زندگی مدام ارباب عوض کرده و هر کس که سهم بیشتری می داد به طرف او می رفتند. اوائل نیز کار صید بد نبود اما این وضع با توجه به صید بی رویه نمی توانست دوام داشته باشد.

در حال حاضر صید ماهی های فلسدار نسبت به سال قبل حدود ۷۰٪ و ماهی های غضروف دار ۲۰٪ کاهش یافته است. حرص و طمع، افراد فرصت طلب و سودجو را چنان فرا گرفته که حتی از ماهی های نارس و کوچک هم نمی گذرند. این امر صیادان را نگران سال های آینده ساخته است. دریا را هرج و مرج شدیدی فرا گرفته و چندین هزار نفر به نام صیاد آزاد مشغول صید هستند در حالیکه در منطقه بیش از ۶۰۰ صیاد آزاد حرفه ای وجود ندارد. در شرایط حاضر صیادان حرفه ای با امکانات محدودشان به زحمت شکمشان را سیر می کنند و قایق هایشان نمی تواند با رقابت کند و هر روز که می گذرد بدهکار و بدهکارتر می شوند. بدهکاری آنان و کاهش ماهی های فلسدار اغلبشان را مجبور به بازگشت به کومه های سابق و زیر دست ارباب های سابق کرده است.

این است آنچه که می توان نام هرج و مرج و بحران در اوضاع دریا و صید و صیادان بر آن نهاد. علل این امر را تنها می توان در رابطه با بی برنامه گی دولت در امر صید و کارشکنی مدیران لیبرال شیلات نسبت به خواسته ها و طرح های پیشنهادی صیادان دانست. با همه اینها صیادان پیمانی اخیراً طی نامه ای به مقامات مسئول، نگرانی خود را از وضع موجود ابراز کرده و با دادن طرح پیشنهادی جدید، از آنان خواسته اند که جدا نسبت به امر صید و صیادان اساسی تر باندیشند و نگذارند این ثروت ملی اینگونه نابود شود. ما نیز ضمن درج پیشنهادات این صیادان، توجه جدی مسئولین دولت را به این امر جلب می نمایم. این طرح شامل موارد زیر است:

۱- از میان برداشتن شیوه اربابی و دادن امتیاز صید به صیادان حرفه ای. ۲- انتخاب صیادان حرفه ای از طرف خود صیادان و شرکت شیلات

پس از جدا شدن رحمان کریمی و چند تن دیگر از اعضای کمیته مرکزی و تعدادی از مسئولین و پیشمرگان از باند قاسملو، این دار و دسته خائن به خلق کرد با بحران شدیدی دست به گریبان است و هر روز تعداد بیشتری از این افراد که نسبت به سیاست‌های قاسملو دچار اشتباه و توهم بودند به ماهیت واقعی آن پی برده و حساب خود را از آن جدا میکنند.

قاسملو که اخیراً از اروپا به کردستان بازگشته است برای حفظ موقعیت خود مرتب از دستاوردهای مسافرت خود برای مردم کردستان داد سخن می‌دهد. در صحبت‌های قاسملو شگرد رسوا شده گذشته‌اش یعنی تظاهر به رابطه نزدیک با نیروهای مترقی و کشورهای سوسیالیستی بیش از پیش به گوش می‌رسد.

واقعیت این است که در خارج از کشور جز دستجات ضدانقلابی و سوسیال‌دمکرات‌های تیپ برنوکرایی که به دوستی با صهیونیسم شهره است نیروهای دیگری از قاسملو حمایت نمی‌کنند.

قاسملو این حقیقت را که در تمام کشورهای سوسیالیستی ممنوع‌الورود اعلام شده است از مردم، سالوسانه پنهان می‌سازد و برای بی اعتبار کردن این کشورها دم از حمایت آنان از خود می‌زند.

در داخل نیز تنها قاسملو از حمایت رهبری خطاکار مجاهدین مورد پشتیبانی است در پلنوم ۲۴ فروردین دارو دسته قاسملو سیاست همکاری با مجاهدین خلق مورد تصویب قرار گرفت و قاسملو برای کسب اعتبار کذایی همواره از مجاهدین به عنوان نزدیکترین نیرو به خود یاد می‌کند.

ما از اینکه رهبری مجاهدین آنچنان موضعی اتخاذ نموده که قاسملو آنان را به این عنوان می‌خواند سخت متأسفیم. آنهم در موقعیتی که سیاست ضدانقلابی این دار و دسته حتی برای پیشمرگان ساده نیز آشکار گردیده است.

اعلامی‌های که در زیر ملاحظه می‌کنید توسط پیشمرگان هیزی شهید سمو در اشنویه انتشار یافته این گروه از پیشمرگان از مواضع رحمان کریمی در مقابل باند قاسملو قاطعانه به دفاع برخاسته و اعلام کرده‌اند:

"هر روز که می‌گذرد، چهره کریمه و واقعی ضدانقلاب و باند منحرف در کردستان نمایان‌تر می‌گردد. و منحرفین، توطئه‌های خود را یکی پس از دیگری به مورد اجرا گذاشته و بیشتر بر رسوایی خود مهر تایید می‌زنند.

پس از حرکت تاریخی و قهرمانانه پیشمرگان هیزی سمو در مورخه یازدهم اسفندماه مبنی بر دستگیری افسران فراری و کمیته‌چیان بختیار، منحرفین تمام نیرو و توان و دستگاه‌های جاسوسی و تروریستی خود را جهت سرکوب و به دام انداختن پیشمرگان آگاه و جوانان مبارز به کار انداخته تا شاید خدش‌های بر این حرکت انقلابی وارد و از طریق متوقف کردن حرکت تاریخی و انقلابی که در سراسر کردستان شکوفا گشته، مدتی هر چند کوتاه و زودگذر به عمر ننگین و پلید خود ادامه دهند.

گذشت، آن زمان که منحرفین حاکمیت کثیف خود را بر زحمتکشان کردستان تحمیل کرده و این منطقه جدایی ناپذیر از خاک ایران را به جولانگاه ضد انقلاب و ساواکی‌ها و افسران فراری و مزدوران بعثی و... تبدیل کرده بودند. مردم کردستان

دیگر فریب نیرنگ‌ها و وعده‌های پوچ و توخالی خائنان را نخورده و چهره‌های : سمکوعلیار، سرهنگ قادری‌ها، سروان حاتم‌ها، سرگرد علیارها، ساواکی‌ها و دست‌نشانندگان بعثی برای مردم کاملاً شناخته شده هستند.

تبلیغات شوم، اعمال زور و فشار، ایجاد فضای خفقان و ترور، تفتیش عقائد و... نه تنها براراده فولادین فرزندان قاضی محمد و ادامه دهندگان مشی اصولی حزب دمکرات کردستان ایران و مردم کردستان خدش‌های وارد

اخبار کردستان

باند قاسملو شتابان در سراسر اشیب انزوا

نمی‌آورد، بلکه همه انقلابیون، اعضاء و هواداران صدیق حزب و مردم کردستان را متشکل‌تر و متجددتر در مقابل توطئه‌های شیطانی امپریالیسم و بعث عراق و ضدانقلاب آماده پیکار می‌کند. اینک دیگر مردم کردستان و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران دفاع از دستاوردهای انقلاب خونبار ایران و رهبری امام خمینی و مقابله با امپریالیسم و بعث تجاوزگر عراق را در سرلوحه مبارزات خود قرار داده و از همه انقلابی‌نمایان که در حزب دمکرات کردستان ایران به ظاهر در صف مقدم جبهه مبارزه با توطئه‌های امپریالیسم و بعث عراق بودند، ولی در عمل هنوز در گرداب خیانت غوطه‌ور بوده و تاکنون به مواضع به اصطلاح انقلابی خود جامه عمل نپوشانده: انتظار دارند که ساکت و دست روی دست گذاشته به اوضاع ننگرند و با دید انقلابی با این رویداد تاریخی برخورد نمایند. زیرا ساکت و بی طرف بودن نسبت به این جریان کمک به ضدانقلاب و از گناهان نابخشودنی است روی سخن ما با آن عده از همسنگران صادق که مجسمه‌وار نشسته و اراده خود را در کنترل خویش ندارند، است. نه با افسران فراری و سلطنت طلب و مزدوران بعثی.

ما پیشمرگان هیزی سمو ضمن محکوم کردن مجدد این توطئه نافرجام ترور همسنگران رحمان کریمی و رحمان پیرونی به وسیله ایادی بعثی و ناتو و سپاسگزاری از ابراز همدردی و همکاری پیشمرگان قهرمان هیزی آواره در اعلامیه مورخه نهم فروردین ماه ۶۰ از تمام پیشمرگان قهرمان هیزی‌های شهید نحو و شهید معینی و شهید افشین انتظار داریم که عملاً به ما بپیوندند و بیشتر از این فریب نیرنگ‌های وابستگان بعث و امپریالیسم را نخورند.

راه ما راه اساسنامه و قاضی محمد و شهدای به خون خفته کردستان است. و هر انحرافی از این راه مقدس محکوم به فناست. ما با اعتقاد به اینکه: تنها راه حل مسئله کردستان راه مسالمت آمیز بوده و خودمختاری کردستان در گرو اتحاد و تشکل خلق کرد با سایر خلق‌های ایران و مبارزه پیگیر با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست، به آن دسته از روشنفکران به اصطلاح انقلابی غرق در ناسیونالیسم کور توصیه می‌کنیم بار دیگر به کتب علمی و تجارب تلخ مسئله ملی در کردستان عراق

نظر بیفکنند و واقعیت‌ها را با دقت هرچه بیشتر در رابطه با انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران مورد مطالعه قرار دهند.

منطق ما تکیه بر اصول علمی مبارزاتی و تجارب تلخ گذشتگان است. نه متوسل شدن به زور و چماق و سرنیزه به شیوه فاشیست‌های بعثی و نازیست‌های هیتلری و ساواک. حزب دمکرات کردستان ایران با سابقه درخشان ۳۶ ساله، مبارزه را تا کنون ادامه داده و اکنون نیز برای ملاک عمل قرار دادن و سنجش عملکردهای حزب دمکرات کردستان ایران، برنامه و اساسنامه مصوب کنگره چهارم به مثابه راهنمای مبارزه در جهت (دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان) است. و هر انسان آگاه و متعهد و مسئول در مقابل خواست‌های برحق خلق ستم دیده کردبا مطالعه و برخورد اصولی با مصوبات کنگره چهارم حزب ماهیت باند منحرف و مزدور را که مدت‌هاست حزب دمکرات کردستان ایران و خلق کرد را به بازیچه گرفته و در زیر پوشش ماسک‌های عوام‌فریبانه، ناجوانمردانه‌ترین ضربات را به انقلاب ایران و جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی کردستان وارد آورده‌اند، به خوبی نمایان می‌سازد. ما به تمام روشنفکران دانش‌آموزان، معلمان مبارز، روحانیت آگاه و انسان‌های مسئول کردستان توصیه می‌کنیم که با مطالعه دقیق بند به بند برنامه و اساسنامه حزب، مصوب کنگره چهارم، خلق ستم کشیده و زحمتکشان کردستان را از حقایق موجود آگاه کرده و با قاطعیت انقلابی توطئه‌ها و شایعه‌پراکنی‌های ضد انقلاب و باند منحرف را خنثی کنند.

پیشمرگان هیزی شهید سمو (اشنویه)

باند قاسملو به منظور شکست هیئت مسئول بررسی مشکل کردستان به جنگ و گشتار دامن می‌زنند.

* در روزهای اخیر باند ضدانقلابی قاسملو در نتیجه جدا شدن تعدادی از اعضای کمیته مرکزی، مسئولین و پیشمرگان شدیداً به هراس افتاده و موقعیت خود را در خطر می‌بیند. هم چنین جهت اخلال در کار هیئتی که مسئول بررسی مشکل کردستان گردیده است و جلوگیری از ایجاد هرگونه چشم‌انداز صلح که باعث نابودی وی می‌گردد در محور مه‌آباد - ارومیه، به درگیری‌ها دامن می‌زند. در نتیجه این درگیری‌ها تاکنون دهها تن از افراد سپاه پاسداران و بسیج به شهادت رسیده‌اند. ما ضمن تأسف عمیق از شهادت پاسداران، به مسئولین دولت جمهوری اسلامی هشدار می‌دهیم که هوشیاری خود را حفظ کرده و با درس گرفتن از تجربیات دوساله، تحت تاثیر فضایی که ضدانقلاب می‌کوشد بر منطقه حاکم سازد قرار نگیرند زیرا ضدانقلاب از این طریق می‌کوشد مانع بازگشت آرامش به منطقه شده و هرگونه مذاکره‌ای را که به زیان وی باشد با شکست روبرو سازد. قدرت‌نمایی باند قاسملو به پایان خود نزدیک می‌شود. تنها از طریق اجرای قانون اساسی و اجرای دقیق پیام ۲۶ آبان ۵۸ آیت‌اله‌خمینی است که می‌توان با تامین حقوق عادلانه مردم کردستان به موجودیت ضدانقلاب پایان بخشید و از انقلاب شکوهمند مردم ایران در کردستان دفاع نمود تسریع در حل عادلانه مساله کردستان ضرورت انقلاب است. به مسامحه پایان بخشید!

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

بقیه از صفحه ۱۳

نفتگران پالایشگاه تهران . . .

در صنعت نفت پایگاه بالنسبه نیرومندی دارند (از موقعیت و یا از برخورد های غیرمنطقی برخی مقامات جمهوری اسلامی بهره برداری کرده و مبارزات متین و پرصلابت آنان را به آشوب و جنجال و انحراف بکشاند .

آنها باید توجه داشته باشند که یک خواست صنفی هر چند هم که برحق باشد ، چنانچه از راستای اصولی اش منحرف شود می تواند بهترین محمل برای بهره برداری ضدانقلابیون و لیبرالهای زخم خورده ای که در توهم احیای دولت میانروی خویشند و همچنین فرصت طلبانی که تنها در فکر منافع فردی و یا گروه گرایانه خویشند ، گردد .

نفتگران مبارز پالایشگاه تهران باید در تداوم پیگیرانه خواست های صنفی شان (به ویژه مسئله مسکن) به شیوه های سنجیده ای که تاکنون در پیش گرفته اند پای فشرده و در حرکات مبارزاتی آتی شان هیچگونه فرصتی به لیبرالهای ورشکسته و عوام فریب ندهند .

با برخوردهای تحریک آمیز و اهانت آمیز با کارگران تنها زمینه را برای ایجاد جو تحریک و تشنج و دور برداشتن عناصر ضدانقلاب و لیبرالها و سلب اعتماد کارگران از انقلاب را مهیا می سازند .

مقامات جمهوری اسلامی باید بدانند که با اتخاذ شیوه های نادرست و غیر اصولی و عدم پاسخگویی به خواست های به حق کارگران تنها زمینه را برای به انحراف کشیده شدن موضع اصولی و شیوه های منطقی کارگران پالایشگاه که تداوم و افزایش تولید و مبارزه برای تحقق خواست های منطقی دو وجه لاینفک آن است فراهم می کنند . دولت وظیفه دارد هرچه زودتر با دادن پاسخ مثبت و برخورد منطقی با کارگران پالایشگاه نفت جلو هر گونه تحریک و تشنج را بگیرد . کارگران قطعا حرکتشان در مسیر و راستای انقلاب بوده و خواهد بود و هرگز اجازه نخواهند داد که یک مشت عناصر ضد انقلاب و لیبرال (که متاسفانه هنوز

توضیح

شیوه برخوردی که می خواهد یک یا چند عضو تشکیلات را به صورت یک نیرو یا جریان دارای هویت مشخص جلوه دهد . آنچه با امضای "اعضا" ... منتشر شده است تا آنجا که به تشکیلات سازمان مربوط می شود شامل یک عضو و دو کاندیدای عضویت بوده است قطعا وقتی بدون این توضیح ، به اطلاعیه مذکور نگریسته شود چیزی غیر از آنچه واقعیت است در اذهان ترسیم می شود .

به هرحال ما ضمن تقبیح این اقدام رفقا اعلام می داریم که بیشتر افراد معدودی که در شرایط متحول امروز صفوف سازمان را ترک کنند ، قطعا در خواهند یافت که راهی نادرست در پیش گرفته اند ، آنها در خواهند یافت که جای ایشان در سازمان است نه در خارج از آن آنگاه که این واقعیت را درک کنند دوباره به سازمان مراجعه خواهند کرد .

اخیرا اطلاعیه ای با امضاء "اعضا" مسئولین و فعالین کمیته های محلی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در مناطق شوش مولوی و ... انتشار یافته که جدایی عده ای از اعضای سازمان را اعلام داشته است .

ما ضمن تقبیح این اعمال که تاکنون چند بار تکرار شده اعلام می داریم که خارج شدن یک یا چند نفر از صفوف یک تشکیلات آنهم تشکیلاتی به بزرگی سازمان ما پدیده ای است که بویژه در شرایط متحول جامعه ما به کرات اتفاق می افتد طبعاً همان گونه که بسیاری از انقلابیون کمونیست به صفوف سازمان می پیوندند ممکن است عده ای اینجا و آنجا صفوف سازمان را ترک کنند . آنچه از نظر سازمان ما و همه نیروهای انقلابی باید محکوم دانسته شود شیوه برخوردی است که تاکنون چند بار شاهد آن بوده ایم ،

کمکهای مالی دریافت شده

ی	۲۲۰۰۰	۳۰۰۲	۲۳۰۱	۲۸۶۵	آ و الف
۲۵۱۲	۳۰۸۸	۱۴۳۲	۳۰۱۰۰	۵۱۱۱	۱۰۱۲۵
۴۵۰۰	۵۴۵۱	۱۰۱۳	۲۱۲۳	۱۵۰۰۱	۵۲۱
۵۲۱	ه	۲۱۱۱	۱۱۱۷	۷۱۱۱	۱۰۰۰۹۶
۴۱۰۰		۳۰۲۲	۱۱۱۱	۵۰۳/۲	۳۲۲۲
۱۴۹۳		۲۱۹۳۲	۱۹۹۹	۷۷۰۱	۹۱۶
بدون حرف	۱۰۰۱۲۳	۲۱۱۱	۱۴۴۴	ز ۲۰۰۰	۱۰۱
اول نام	۵۶۹۲	۱۲۲	۱۲۳۳	الف ۱۰۰۰	۱۰۱۲
۱۱۳۲۳	۱۴۱۹۲	۱۰۱۳	۴۵۱۷	۱۶۲۳	۱۲۳۳۴
۴۱۲۴	۹۰۰۰	۱۲۲۲	۱۶۶۴۵	۲۵۱۲	۱۸۲۰
۶۹۳۰۷	۳۰۲۱	و	۲۱۴۵	۵۱۱۱	۵۸۱۸
۱۱۱۱	۵۰۳			۳۰۵۷۵	۱۷۰۳۴۴
۵۱۳۱	۲۱۶۲۳			۵۱۰۱	۴۳۲۱
الف ۳۰۰۰	۵۰۳	۲۰۳۰	۲۱۱۰	۲۰۲۵	۵۰۱۱
۴۰۰۳	۲۰۱۵	۵۱۱۵	۲۱۵۰	۱۰۳۵	۱۸۲۵
۵۰۵	۵۵۷	۴۱۱۱	۵۵۶۰	۴۲۲۲	۵۰۰۱
			۱۰۵۶۰	۱۲۲۳	۲۵۰۱
					۱۰۳۴۶
					۳۱۱۱
					۱۳۴۵
					۹۹۱
					۱۱۲۵
					۵۵۱۰
					۱۰۳۳۰
					۱۷۰۳۴۴
					۴۳۲۱
					۵۰۱۱
					۱۸۲۵
					۵۰۰۱
					۲۵۰۱
					۱۰۳۴۶
					۵۲۰۰
					۶۳۲۱
					۶۱۳۲
					۷۲۵
					۲۳۱۳
					۲۲۷۷
					۲۲۲۲
					۵۴۱۱
					۲۰۱۶
					۱۷۷۷
					۵۴۴۴
					۲۰۲۳
					۵۱۰۰
					۱۰۳۴۱
					۲۲۲۴
					۱۰۴۰۱
					۵۲۷۲
					۳۳۷۲
					۱۵۰۵
					۲۴۳۰
					۳۰۳۱
					۳۱۱۵
					۶۲۲۸
					۶۱۷
					۱۰۵۰
					۲۱۰۱
					۱۱۱۱
					۲۳۰۰
					۶۳۳۳
					۳۱۰۱
					۵۱۲
					۱۰۱۲۰
					۱۰۳۷
					۷۶۱۱
					۱۳۹۷
					۳۰۱۰
					۵۲۲۳
					۲۱۰۱
					۵۸۲۱
					۱۰۸
					۴۴۴۴
					۵۰۵۰۰
					۴۲۸۲
					۵۳۳
					۵۴۹
					۷۵۲
					۱۱۰۱
					۲۰۱۱۶
					۳۱۲۱
					۵۲۰۱
					۱۰۱۲۰
					۱۱۱۱
					۵۳۹۶
					۱۹۱۲
					۶۰۴۶۸
					۱۰۰۰
					۳۰۵۱۴
					۱۰۱۱۸
					۲۰۱۲۲
					۱۷۹۶
					۳۰۵۷
					۱۵۵۵
					۲۲۰۰۱
					۵۱۹۳
					۱۵۳۹
					۳۱۱
					۱۱۱۲
					۲۲۲۵
					۱۷۱۹
					۱۹۰۷
					۱۰۳۳۳
					۲۰۰۰
					۲۰۸۰۲
					۵۳۳۱
					۳۰۱۴۰
					۱۰۲۱
					۴۳۱۹
					۱۳۳۰
					۴۳۱۱
					۱۰۷۸۹

توضیح مهم

به اطلاع هم میهنان مبارز می رسانیم که قبضه های کمک مالی سازمان که تاریخ اعتبار آنها تا ۲۰ فروردین ۱۳۶۰ تعیین شده بود با منقضی شدن زمان اعتبار از درجه اعتبار ساقط و فاقد هرگونه ارزش اعلام می گردد .

ضد انقلاب در «سازمان وحدت بلوچ» متشکل می شود

در بلوچستان توطئه تازه‌ای در شرف تکوین است. در این توطئه‌ها، خوانین و سران خائن عشایر، ضد انقلابیون فراری و مولوی‌های مرتجع به همراه فتوادل‌ها و مزدوران افغانی و پاکستانی با رهنمودهای مستقیم امپریالیسم امریکا سرگرم فعالیت‌اند. این خائنین با امکانات مالی و نظامی که از امپریالیسم امریکا و دولت ارتجاعی پاکستان دریافت می‌کنند سازمانی به نام «وحدت بلوچ» به وجود آورده‌اند. پایگاه‌های این ضدانقلابیون در بلوچستان پاکستان و ایران است و بیشتر جلسات سیاسی و برنامه‌های ضد خلقی آنها در شهر کراچی و لندن طرح‌ریزی می‌شود. بخشی از «سازمان وحدت بلوچ» که در بلوچستان ایران فعالیت دارد، عناصر مرتجع و خائنی را سازماندهی می‌کند که متأسفانه بعضی از آنها مورد حمایت مقامات جمهوری اسلامی ایران هستند.

یکی از این افراد که پس از انقلاب با تائید تیمسار مدنی و موافقت بعضی از مسئولان جمهوری مسلح شد و امکانات تسلیحاتی و مالی زیادی دریافت کرد، امان‌الله باران است. وی که اکنون به اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی برخاسته چندی پیش در یکی از هتل‌های دویی با نمایندگان امپریالیسم امریکا ملاقات کرد و مبلغ ۲۷۰ هزار دلار دریافت داشت. در ملاقات بعدی نیز ۲۵۰ هزار دلار دیگر به وی پرداخت شد. در این مسافرت قادر بخش بلوچ، محمد (اهل سسراوان) و عبدالکریم (اهل بافتان) به عنوان راهنما، امان‌الله باران را همراهی می‌کردند. پس از این ملاقات‌ها، امان‌الله باران به همراه سعید مبارکی (پسر عیسی مبارکی خان جنایتکار) برای دریافت مقادیر قابل توجهی اسلحه از بندر دویی به منطقه تربت وکواد رفتند. علاوه بر این اخیراً ملاقات‌هایی میان خوانین بلوچستان ایران و ضدانقلابیون فراری که در کراچی به سر می‌برند، صورت

گرفته است. هدف از این ملاقات‌ها، تقویت هرچه بیشتر سازمان وحدت بلوچ، ایجاد زمینه برای همکاری‌های بیشتر و رفع پاره‌ای از اختلافات است. در اینجا ما به استناد مطالب افشاگرانه‌ای که تاکنون در کار منتشر کرده‌ایم، به افشای اسامی گروهی دیگر از ضدانقلابیون می‌پردازیم. در میان این اسامی، خوانین، ضد انقلابیون فراری، مولوی‌های مرتجع و قاچاقچیان بین‌المللی دیده می‌شوند. این امر نشان می‌دهد که ضد انقلابیون علاوه بر اجرای توطئه‌های سیاسی و سعی در به آشوب کشیدن منطقه، در کار قاچاق اسلحه و مواد مخدر نیز دست دارند.

بر مرزهای شرقی کشور کنترلی دقیق داشت و با توطئه‌های گوناگون دولت ارتجاعی پاکستان مقابله نمود. می‌بایست سیاستی انقلابی در رابطه با دولت افغانستان در پیش گرفت و مانع فعالیت گروه‌های ضدانقلابی افغانی - امریکائی گردید.

اسامی خوانین، وابستگان به رژیم سابق و ضدانقلابیون فراری

(در میان این افراد نمایندگان مجلس شاه و ساواکی‌ها نیز دیده می‌شوند تعدادی از آنان، افراد مسلح در اختیار دارند)

- ۱- محمد میرلاشاری
- ۲- عیسی مبارکی
- ۳- حاجی کریم بخش سعیدی

★ امان‌الله باران که از طرف مقامات جمهوری اسلامی اسلحه و امکانات دز اختیارش گذاشته شده بود، اکنون با افراد مسلح خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی توطئه می‌کند. وی در ملاقاتی که با نمایندگان امپریالیسم آمریکا در دویی داشته است مبلغ ۵۲۰ هزار دلار دریافت داشته است

- ۴- بهمن بارکزی
- ۵- امان‌الله باران
- ۶- کریم خان میرلاشاری
- ۷- میرمولاداد سردارزهی
- ۸- ایوب خان مبارکی
- ۹- شیردل بلیدهای
- ۱۰- بهرام شیرانی
- ۱۱- چراغ شیرانی
- ۱۲- امان‌الله مبارکی
- ۱۳- علم خان مبارکی
- ۱۴- سعید مبارکی (رابط لیبرال‌های ایران با ضد انقلابیون بلوچ)
- ۱۵- ایرام مبارکی
- ۱۶- تقی خان ریگی
- ۱۷- بی‌برگریگی
- ۱۸- اساخان
- ۱۹- اصغر خان
- ۲۰- جما بلوچ (مامور کار- کشته حزب بعث عراق)

اسامی تعدادی از افرادی که در اروپا هستند و با سازمان وحدت بلوچ همکاری می‌کنند

- ۲۱- دکتر ملک
- ۲۲- غلام خان زهی
- ۲۳- محمد امین مهبی

۲۴- عابدزاده

اسامی چند تن از مولوی‌های مرتجع منطقه

- ۲۵- مولوی عبدالعزیز (موسس دست‌راستی اتحاد المسلمین - نماینده مجلس خبرگان)
- ۲۶- مولوی عبدالحمید - شهبخش (جانشین مولوی عبدالعزیز)
- ۲۷- مولوی یارمحمد شهورزهی (مشاور مولوی عبدالعزیز که با شورشیان افغانی همکاری نزدیک دارد)

اسامی عده‌ای از قاچاقچیان بین‌المللی و حرفه‌ای مواد مخدر که با ضدانقلاب در رابطه‌اند

۲۸- حاجی اساخان قنبرزهی (قاچاق فروش عمده منطقه خاش)

- ۲۹- حاجی بلوچ خان (قاچاقچی بین‌المللی هروئین که کارخانه هروئین سازی و افراد مسلح دارد)
- ۳۰- حاجی محمد گل شیه (قاچاقچی معروف منطقه زاهدان)
- ۳۱- خوبیار خان یارمحمد زهی (قاچاقچی عمده منطقه خاش)
- ۳۲- عبدالنبی شهبخش
- ۳۳- حاجی نعیم خان شهبخش
- ۳۴- عبدل سلطانپور و شرکاء (سرمایه‌دار، قاچاق فروش در منطقه چاه‌بهار که اکنون به همراه ضدانقلابیون در کراچی بسر می‌برد)

رویدادهای ...

- ۹- دولت جهت کمک به صیادان ۵۰٪ از هزینه تهیه ابزار و آلات صید را تقبل نموده و در طول فصل صید این مقدار را از حساب صیادان کسر نماید و یا نایلون ماهیگیری باقیمت تمام شده در اختیار صیادان قرار داده شود
- ۱۰- صدور کارت صیادی ۹ ماهه برای کلیه صیادان. دولت باید جلوی صیاد کسانی را که کارت صیادی ندارند، بگیرد.
- ۱۱- ایجاد فروشگاه‌های توزیع ماهی در بخش‌های ساحلی (بندر ترکمن، گمش تپه، خوجه نفسو...)
- ۱۲- در فصل تخم‌ریزی ماهی‌ها و ایام بیکاری صیادان، شرکت شیلات در صورت لزوم از وجود صیادان در امر بافتن تور و تعمیر آلات و ابزار صید استفاده نماید.
- ۳- صیادان آزاد بخش‌های بندر ترکمن، گمش تپه و خوجه نفس می‌توانند در شرکت‌های تعاونی کل به صید ۶ ماهه بپردازند. در مورد این صیادان نیز دولت در امر تهیه آلات و ابزار صید ۵۰٪ هزینه‌ها را تقبل کرده و در طول فصل صید، از حساب صیادان کسر نماید.
- با توجه به سابقه حداقل سه سال انجام گیرد.
- ۳- اخراج کلیه افرادی که از روستاهای مجاور برای صید به دریا آمده و دارای زمین و ... می‌باشند.
- ۴- به‌کار گرفتن صیادان پیمانی سابق که از کومه‌ها اخراج و یا خودشان آنجا را ترک کرده‌اند.
- ۵- ایجاد کومه‌های جدید در طول ساحل دریا از مرز شوروی تا خوجه نفس.
- ۶- متشکل شدن صیادان در کومه‌ها به صورت شرکت‌های تعاونی جزء.
- ۷- صیادان می‌توانند هم ماهی‌های غضروف‌دار و هم ماهی‌های فلس‌دار صید نمایند و در پایان فصل صید شرکت شیلات باید بابت ماهی‌های فلس‌دار ۲۰٪ و ماهی‌های غضروف‌دار ۱۰٪ از قیمت کل فروش داخله را بپردازد. برنامه صید از طریق صیادان و شرکت شیلات تنظیم می‌شود.
- ۸- شرکت شیلات موظف می‌گردد با هریک از کومه‌ها جداگانه از طریق سرصیادهای منتخب آنها قرارداد بسته و ماهی و خاویار را با قیمتی عادلانه از صیادان خریداری کند. تعداد و حدود موتورها را شیلات مشخص می‌کند.

بقیه از صفحه ۲۴

چگونه...

کلامی از امپریالیسم است و نهمیاری برای سلب مالکیت از سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم .
(ب) - این قانون به جای آنکه ملی کردن واحدهای اقتصادی وابسته به امپریالیسم را تجویز کند ، تنها تملک سهام سهامدارانی را توسط دولت مجاز می‌شمارد که دارای روابط " غیر قانونی بوده و با " تضييع حقوق عمومی ثروت‌های " نامشروع " بدست آورده‌اند . نتیجه این است که تنها سهام اشخاص است که به موجب این قانون ملی شده است و نه شرکت‌های تولیدی وابسته به امپریالیسم . این یکی از مهمترین کاستی‌های این قانون بوده که عملاً پیشبرد سیاست ملی کردن صنایع وابسته را با مانعی عظیم روبرو ساخته است . پس از آنکه بنا بر معیارهای فوق سهام ۵۳ تن از وابسته‌ترین سرمایه‌داران ایران (و نیز سهام زن و فرزندان آنها) ، چون خیاطی‌ها ، رضایی‌ها ، حاجی برخوردارها و ... ملی اعلام شد ، بسیاری از سهامداران که به تشخیص شورای انقلاب دارای روابط غیرقانونی " نبوده و " حقوق عمومی را تضييع نکرده بودند بر سر کار خود باقی ماندند . نتیجه آن شد که در این موارد عملاً دولت در کنار سرمایه‌داران وابسته‌ای که سهام آنها ملی نشده بود ، اداره صنعتی را بر عهده گرفت که تا بیخ و بن وابسته بود . از این روی در چنین مواردی که مدیران تعیین شده از جانب دولت به همت کارگران و کارکنان متعهد و انقلابی خواسته‌اند گامی در جهت قطع وابستگی این صنایع بردارند با مشکلات عظیم اخلاقی و کارشکنی‌های دیگر سهامداران مواجه شده‌اند .

(ج) - این قانونی تنها ملی کردن واحدهای تولیدی صنعتی و معدنی را مجاز شمرده است . همانطور که در مقالاتی که پیش از این در این زمینه در " کار " درج شده است آمده است ، بسیاری از واحدهای سرمایه‌داری وابسته ایران ، انحصارات عظیم و گسترده‌ای هستند که واحدهای تجاری و خدماتی متعددی را در شبکه فعالیت‌های خود جا داده‌اند . این واحدها گاه در پیوندی مستقیم با انحصار تولیدی قرار دارند . و گاه به صورت مجزا و ظاهراً بدون هیچ پیوندی با انحصار تولید هستند . سلب مالکیت از برخی از سهامداران در صنعت وابسته و رها کردن واحدهای خدماتی و تجاری جنبی آنها ، به طور کامل سبب شده است که بسیاری از سرمایه‌داران وابسته (حتی آنان که از آنها در واحدهای صنعتی سلب مالکیت شده است) بتوانند به فعالیت کارشکنانه و غارتگرانه خود ادامه دهند . در این باره در بحثی که درباره تجارت داخلی و تجارت خارجی از پیش داریم مفصلاً صحبت خواهیم کرد . و در اینجا همین را بگوئیم که ملی کردن سرمایه‌های وابسته

کارگران مبارز ایران!
با تداوم تولید و افزایش
بازدهی کار جبهه انقلاب را
تقویت کنید

باید نه تنها در صنعت و معدن که در تمامی بخش‌های اقتصادی صورت گیرد . سرمایه چون آب روان است که هرگاه در این گوشه مانعی بر سر راه خود بیابد به گوشه‌ای دیگر سرازیر می‌شود تمامی راه‌های رشد و حرکت سرمایه وابسته باید بطور کامل سد شود .

(د) - در این قانون تکلیف سرمایه‌های امپریالیستی (سهام سهامداران خارجی) معلوم نشده است . بنا بر بند " الف " قانون ، دولت باید تمامی سهام واحد صنعتی را به تملک خود درآورد . با این حال دولت به صراحت اعلام نکرده است چه اقداماتی برای ملی کردن سهام خارجی این صنایع به عمل آورده است . آیا سهام رژی ناسیونال - رنو متعلق به انحصار امپریالیستی فرانسه در شرکت ایران سایپا به تملک دولت درآمده است ؟ آیا در مواردی که این سهام به

بقیه از صفحه ۶

مروری بر...

در خردادماه سال ۱۳۱۰ "قانون سیاه" رضا شاه به منظور قانونیت بخشیدن به سرکوب و پیگرد فعالین جنبش کمونیستی - کارگری و درهم کوبیدن سازمان‌های اتحادیه‌ای تصویب شد . از این زمان تا شهریور ۱۳۲۰ هم‌روند با تشدید ترور و اختناق در همه شئون زندگی اجتماعی و سیاسی ، دامنه سرکوب جنبش کارگری - سندیکائی نیز افزایش یافت . با این وجود ، اتحادیه‌های نیمه علنی و مخفی که در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ به همت رهبران و فعالین جنبش کارگری و حزب کمونیست ایران تشکیل شده بود ، به فعالیت مخفی و محدودشان همچنان ادامه دادند .

در جمع‌بندی تجارب جنبش سندیکائی از بدو پیدایش تا این زمان ، رهبران جنبش بر این اعتقاد بودند که یکی از موانع اصلی انسجام و استحکام صفوف جنبش ، فقدان برنامه و مشی صحیح و رهبران مجرب و کارآزموده بوده است . کنگره چهارم بین‌الملل ضمن ارزیابی از جنبه‌های مختلف فعالیت جنبش سندیکائی در ایران ، تصریح نمود که :
" پیگردهای بی‌رحمانه اتحادیه‌ها و رهبران

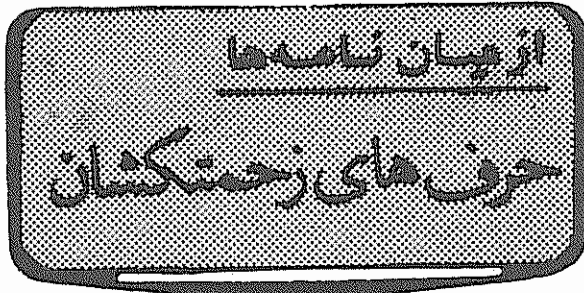
تملك دولت درآمده به این انحصارات پرداختی شده است ؟ آیا برای تبدیل این صنایع و قطع وابستگی به کشورهای امپریالیستی طرحی ارائه شده است ؟ اینها نکاتی است که دولت جمهوری اسلامی برای مردم روشن نکرده است . این مساله در مورد صنایعی که شامل بند " ب " شده‌اند نیز صادق است . علاوه بر آن در دهها واحد صنعتی که سرمایه‌داران امپریالیستی سرمایه‌گذاری داشته‌اند و شامل بند " الف " و " ب " نشده‌اند ، با سهام سرمایه‌داران امپریالیستی چه شده است ؟
مقابله با وابستگی اقتصادی ملی کردن تمامی سرمایه‌های امپریالیستی در اقتصاد میهن را ضروری می‌دارد . کوتاهی در این زمینه نتیجه‌ای جز تحکیم مجدد سلطه اقتصادی امپریالیسم بر اقتصاد میهن ندارد . ادامه دارد

آن ، توسط دولت رضاشاه که بنا به دستور عوامل انگلیس به مورد اجرا گذاشته می‌شد و همچنین سیاست نادرست برخی از رهبران سندیکاها و تبدیل سندیکاها به سازمان‌هایی صرفاً سیاسی به تضعیف و رکود جنبش سندیکائی ایران انجامید .

بر این اساس ، کنگره چهارم بین‌الملل رهبران جنبش سندیکائی ایران را به تصحیح اشتباهات خود فرا خواند و از آنان خواست که :
" الف - حداکثر توجه را برای بهبود وضع اقتصادی کارگران مبذول دارند و مبارزه برای ۸ ساعت کار در صنایع اساسی و ... آغاز گردد .
ب - کارزار وسیعی برای روشننگری اقتصادی طبقه کارگر درباره اهمیت سندیکا به راه افتد .

ج - علیرغم همه مشکلات ، برای سازمان دادن وسیع‌ترین گروه کارگران ایرانی که بیش از همه تحت سخت‌ترین شرایط توسط سرمایه‌داری خارجی استثمار می‌شوند (یعنی کارگران مناطق نفتی شرکت نفتی انگلیس و ایران) اقدام شود .
اما تشدید جو ترور و خفقان حاکم (به‌ویژه پس از ۱۳۱۰) و تحکیم نسبی پایه‌های دیکتاتوری رضا شاه ، تا سال ۱۳۲۰ به رهبران جنبش کارگری - سندیکائی ایران فرصت نداد تا آموزش‌ها و رهنمودهای داهیانه بین‌الملل سوم را در پیشبرد جنبش کارگری - سندیکائی به کار گیرند و سنت‌های مبارزاتی کارگران ایران را پر بارتر و غنی‌تر سازند .

ادامه دارد



بنام خدا

نشریه محترم کار :

دو سال از انقلاب خونین مردم ما می‌گذرد . مردم ما با به جا گذاشتن ۷۰ هزار کشته و صدها هزار زخمی رژیم منفور پهلوی را به گور سپردند . در طی این دو سال امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از هیچ کوششی برای نابودی انقلاب کوتاهی نکرده است . سرمایه‌داران داخلی و زمینداران بزرگ که دستیاران امپریالیسم آمریکا در کشور ما می‌باشند ، هر روز در حال توطئه و ضربزدن به انقلاب ما هستند .

طرح هیات هفت نفره گامی در جهت کوتاه کردن دست زمینداران بزرگ بوده که ما دهقانان کم زمین و بی‌زمین را برای ادامه انقلاب و درهم شکستن محاصره اقتصادی امپریالیسم تشویق می‌کرد . ولی متأسفانه بند " ج " این طرح متوقف گشته و دست زمینداران بزرگ را باز گذاشته و باعث تقویت آنان شده است . امروز ما درگیر جنگی تحمیلی با رژیم منفور بعث عراق هستیم و در محاصره اقتصادی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌باشیم . برای پیروزی حق بر باطل و افزایش تولید ، برای تحکیم پشت جبهه و کوتاه کردن دست زمینداران بزرگ خواهان اجرای بند " ج " اصلاحات ارضی هستیم .

از طرف کشاورزان کم زمین و بی‌زمین چند روستای منطقه :
جاوید ممسنی فارس (مورکی بهلو
تل سیاه و پادراز)

رونوشت : دفتر امام خمینی
رونوشت : مجلس شورای اسلامی

(دهها امضا و اثر انگشت)

بمناسبت سالروز کشتار وحشیانه ارامنه توسط امپریالیستها

امپریالیسم دشمن تمامی مردم صرف نظر از تعلقات مذهبی و عقیدتی آنان است

مبارزات سازمانهای خلقی علیه رژیم دیکتاتوری شاه و اربابان امپریالیست آن و سرانجام در انقلاب شکوهمند بهمین و همچنین پس از آن فعالانه شرکت کرده و با نثار خون خود در راه برقراری ایرانی آزاد و دموکراتیک رزمیدهاند. زحمتکشان ارمنی در این میان شهدایی چون وارطانها و مارتیک قازاریانها و بسیاری دیگر را به پیشگاه انقلاب تقدیم داشتهاند. زحمتکشان ارمنی به نحو فعالی در جبهه‌های جنگ عادلانه علیه تجاوز رژیم جنایتکار صدام شرکت دارند و همانند دیگر اقلیت‌های مذهبی در این راه شهدایی را تقدیم راه استقلال و آزادی کرده‌اند.

هدف امپریالیسم و امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای اعاده سلطه خود بر میهن ما گرچه می‌کوشد از تنوع ملیت‌ها و وجود فرق مختلف مذهبی در میهنمان ایران سوء استفاده کند، اما از این توطئه خود نیز طرفی نیست. است و هرگاه بخواهیم امپریالیسم را در استفاده از این توطئه برای همیشه ناکام بگذاریم، باید که موثرترین راه مبارزه با این توطئه را برگزینیم. موثرترین شیوه مقابله با این توطئه امپریالیسم حفظ و تحکیم صفوف زحمتکشان ایران صرف نظر از تعلقات مذهبی و عقیدتی آنان، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌های مذهبی و تامین برابری آنان با سایر مردم ایران است.

سازمان ما ضمن گرامیداشت خاطره صدها هزار تن از ارامنه زحمتکشی که به وسیله امپریالیستها در امپراتوری عثمانی به شهادت رسیدند، خاطره تمامی مبارزان ارمنی را که در طول رهایی ایران از چنگال استعمار و امپریالیسم جان باختند، گرامی می‌دارد.

اوایل اردیبهشت ماه هر سال مصادف است با سالروز قتل‌عام فجیع و وحشیانه صدها هزارتن از زحمتکشان ارمنی. در اردیبهشت ماه سال ۱۹۱۵ میلادی و در کشاکش جنگ اول جهانی به دستور امپراطور عثمانی تعداد بیشماری از ارامنه قتل عام شدند. این جنایت که در نوع خود از بیسابقه‌ترین جنایات تاریخ است حلقه‌ای از توطئه‌های امپریالیسم جهانی به منظور سرکوب مبارزات خلق‌های تحت ستم نشانه اوج بربرمنشی امپریالیستها و گوشه‌ای است از ستمی که توسط امپریالیستها در سال‌های جنگ جهانی اول بر مردم جهان رفته است.

هدف امپریالیسم و امپراتوری عثمانی از این قتل‌عام بی‌سابقه، گسترش نفاق ملی، تفرقه‌افکنی، پراکندن صفوف زحمتکشان و ادامه سلطه‌جبارانه بر جان و مال خلق‌ها بود. امپریالیستها از یک طرف کوشیدند با قتل عام زحمتکشان ارمنی آنها را از شرکت در مبارزات رهاغیبخش علیه دشمنان بشریت باز دارند و از طرف دیگر سعی کردند مزورانه از عوارض این جنایت خود بهره‌برداری سیاسی کنند. اما علیرغم این تشبثات مذبحخانه از آن پس زحمتکشان ارمنی بیش از پیش و بطور گسترده‌ای در مبارزه علیه امپریالیسم شرکت جستند و در میان آتش و خون اتحاد خود را با دیگر مردم زحمتکش جهان به خاطر بنای دنیایی صلح طلب و آزاد و فارغ از هرگونه ستم و استثمار حفظ کرده و تحکیم بخشیدند.

شرکت فعال مبارزان ارمنی در یک قرن مبارزات رهاغیبخش و کارگری در ایران نمونه بارز این ادعاست. زحمتکشان ارمنی در انقلاب مشروطیت در جنبش ملی کردن نفت در جریان

از گذراندن یک دوره یک‌ماهه داوطلبانه به جبهه‌های جنوب شتافت و با قلبی مالا مال از عشق نسبت به کارگران و دهقانان و خشمی فراوان از امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دوشادوش دیگر رزمندگان خلق به پایداری و مقاومت در برابر متجاوزین پرداخت. سرانجام شب ۸ اسفند ۵۹ در جبهه ماهشهر مورد اصابت خمپاره قرار گرفت و با فریاد مرگ بر آمریکا مرگ بر متجاوزین، درود بر طبقه کارگر و زحمتکشان ایران زنده باد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در حالی که زوال و فروپاشی نظام ضدانسانی سرمایه‌داری و تحقق جامعه‌ای نوین و به‌دور از هرگونه ستم طبقاتی را پیش چشم داشت، شهید گشت. ما ضمن بزرگداشت خاطره رفیق افتخارآفرین یداله اسماعیلی، به خانواده او درود می‌فرستیم.

☆ فدائی خلق رفیق یداله اسماعیلی (در جبهه ماهشهر) مالا مال از عشق به کارگران و خشم به امپریالیسم به کاروان سرخ شهدای پر افتخار سازمان پیوست

انقلابی‌بیش شکل گرفت. با شروع خیزش توده‌های در سال ۵۶ رفیق بسیار زود در صف مقدم مبارزین قرار گرفت و چندین بار تا پای مرگ پیش رفت. بعد از پیروزی انقلاب رفیق یداله به سازمان پیوست و با پیگیری و جدیت و شوری بی‌مانند به انجام وظایف تشکیلاتی و سیاسی خود پرداخت. در سال ۵۸ رفیق به خدمت سربازی اعزام شد. در آنجا نیز رفیق نمونه سرباز آگاهی بود که با اطاعت کورکورانه و سایر روابط باقیمانده دوره شاهنشاهی با قدرت مبارزه می‌کرد و در افشای خائنین و کودتاگران می‌کوشید. با شروع جنگ تجاوزکارانه و تحمیلی و در پی رهنمود سازمان مبنی بر شرکت هرچه وسیع‌تر در جنگ میهنی، رفیق داوطلب اعزام به جبهه گردید و در همین زمان به جزیره لاوان منتقل شد. پس از سه ماه برای طی دوره آموزش جنگ‌افزار ضد هوایی به تهران مراجعه نمود و بعد

رفیق شهید یداله اسماعیلی در سال ۱۳۳۸ در محله کارگرنشین مهرآباد جنوبی (سرآسیاب) در میان خانواده‌ای زحمتکش دیده به جهان گشود. تمام سالهای کودکی و نوجوانیش سرشار از رنجی بود که حاکمیت جهنمی سرمایه‌داران و قدرت‌بلانمازع امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا - برای کارگران و زحمتکشان میهن ما به بار آورده بود. هنوز دوره دبستان را به پایان نرسانده بود که فشار طاقت‌فرسای فقر مالی، خانواده رنج‌دیده‌اش را راهی یکی از روستاهای اطراف شهریار کرج نمود. در آنجا رفیق ناچار بود همراه با تحصیل، در جوار خانواده‌اش به کار پرمشقت کشاورزی بپردازد. در دوره دبیرستان بود که رفیق شهید با مطالعه آثار صمدبهرنگی و سایر نویسندگان انقلابی میهن و جهان به علل محرومیت‌ها و ستم‌های وارده بر زندگی زحمتکشان پی برده، شخصیت

سه از صفحه ۲

۴ سؤال از آقای...

انقلاب رسید، قانونی ست با کاستی‌ها و نقایص جدی. اکنون بعد از بیش از دو سال از پیروزی انقلاب پرشکوه بهمین ۵۷ هنوز بسیاری از سرمایه‌داران وابسته بر جایگاه قبلی خود نشسته‌اند و مهم‌تر آنکه حتی در صنایع ملی‌شده هنوز گامی اساسی در جهت قطع پیوندهای وابستگی این صنایع برداشته نشده است. مقابله با بحران اقتصادی کنونی، مقابله با بیکاری و گرانی، مستلزم اجرای سیاستی گسترده و همه‌جانبه برای بازسازی صنایع وابسته و ایجاد صنایعی مستقل به‌جای آنها است. ما از شما می‌پرسیم دقیقاً چه سیاستی در جهت مقابله با وابستگی اقتصادی در صنایع ایران، در جهت خلع ید از سرمایه‌داران وابسته و در جهت قطع پیوندهای وابستگی این صنایع به انحصارات امپریالیستی دارید؟

سؤال ۴- در باره روابط اقتصادی بین‌المللی

این برای مردم میهن ما به‌وضوح معین شده‌است که امپریالیسم جهانی، دقیق‌تر بگوئیم امپریالیسم آمریکا، اروپا و ژاپن دشمنان انقلاب مردم میهن ما هستند و به‌هرگونه که نتوانسته‌اند کوشیده‌اند تا اقتصاد ایران را تحت فشار قرار دهند. شما آقای رئیس‌جمهور پس از سالها مطالعه در علم اقتصاد حتماً باید بدانید که داشتن روابط اقتصادی با جهان خارج امری گزیر-ناپذیر است. ما از شما صریحاً می‌پرسیم هم‌اکنون روابط اقتصادی ایران با چه اقتصادهایی باید ادامه و گسترش یابد؟

این را نیز بگوئیم آنچه مطرح است، هم‌اکنون است بنا بر این اینکه اگر این یا آن کشور در آینده در موقعیت

امپریالیستی نباشد (که این مستلزم انقلابی عظیم در آن کشورها است و متأسفانه در چند ماه آینده چنین امری در هیچ یک از کشورهای امپریالیستی اروپا و نیز در ژاپن محتمل نیست!) آنگاه داشتن رابطه با آنها مفید خواهد بود، بحثی است که نکته‌ای را درباره استراتژی و برنامه عمل شما روشن نمی‌کند. ما می‌پرسیم (تکرار می‌کنیم): امروز برای مقابله با وابستگی اقتصادی، برای مقابله با بحران اقتصادی با کدام اقتصادها و با کدام دولت‌ها می‌توانیم روابط گسترده اقتصادی داشته باشیم؟

همان‌گونه که گفتیم آقای رئیس‌جمهور تاکنون از پاسخ مشخص به سئوالات فوق و سئوالات مشابه خودداری کرده‌است.

مثلاً آقای رئیس‌جمهور در پاسخ به نامه یکی از خوانندگان انقلاب اسلامی که از رئیس‌جمهور خواسته است نظر خود را در مورد ملی‌کردن تجارت خارجی اعلام کند، چنین نوشته‌است:

"اما درباره راه‌حل‌های کشور و محرومان جامعه، اول از اینجا شروع کنیم که آیا ملی‌کردن تجارت اگر ما استقلال‌نداشته باشیم، به نفع محرومان تمام می‌شود؟ اروپای شرقی را بنگریم در آنجا تجارت داخلی و تجارت خارجی ملی است اما چگونگی استقلال وجود ندارد (۱) و آزادی وجود ندارد در رابطه با داخل، از این ملی‌کردن تنها آن دست از دیوانسالاران و تن‌سالاران سود می‌برند."

(انقلاب اسلامی ۲۲ فروردین) می‌بینیم که رئیس‌جمهور نظر خود را در مورد ملی کردن تجارت خارجی ایران اعلام نمی‌کند. او بجای جواب، به تبلیغات ضدکمیونیستی می‌پردازد، علیه سوسیالیسم تبلیغ می‌کند و در همین حال زیرکانه یا از کشورهای امپریالیستی اروپا و ژاپن صحبتی نمی‌کند و یا تلویحاً اعلام می‌دارد که همه راه‌ها به رم ختم می‌شوند. اما این بندبازی‌های سیاسی نمی‌تواند برای مدتی مدید مردم را مشغول کند. رئیس‌جمهور ناگزیر است به سئوالات فوق پاسخ دهد.

به جای خراب کردن خانه ها و توسل جستن به خشونت در برابر مردم . . .

شدگان و روشن شدن وضع خانه‌هایشان بودند ، اما به جای هر گونه جوابی ۱۰ نفر دیگر از مردم اجتماع کننده توسط سپاه پاسداران دستگیر شدند !

بروز هر چند یک بار چنین برخوردهای نگران کننده‌ای (چند ماه پیش نیز عین همین مسئله در منطقه خاک سفید تهران روی داد) نشان می‌دهد که مسئله مسکن همچنان به عنوان یکی از مشکلات حل نشده انقلاب باقی است . میلیون‌ها هموطن زحمتکش ما که در بیغوله‌ها و آلودگی‌ها ، گودها و حلبی‌آبادها و . . . بسر می‌برند ، فاقد یکی از ابتدایی‌ترین حقوق زندگی یعنی حق داشتن مسکن مناسب می‌باشند . وضع اسفبار مسکن زحمتکش که یادگار سلطه شوم و نکت‌بار رژیم آمریکایی شاه و اربابان امپریالیست آن بر میهن ما و ناشی از عملکرد سیستم سرمایه‌داری می‌باشد پس از انقلاب نیز کماکان باقی مانده و جنگ تحمیلی رژیم عراق و وجود ۱/۵ میلیون جنگ‌زده آواره ابعاد گسترده‌تری به آن بخشیده است .

به اعتقاد ما مسئله مسکن جدا از تحولات عمیق اقتصادی - اجتماعی و

سیاسی امکان‌پذیر نیست ، اما در عین حال دولت جمهوری اسلامی قادر است با درپیش گرفتن یک سیاست مسئولانه و مترقی در کوتاه مدت وضعیت نابسامان مسکن را تا حدودی بهبود بخشد . اقداماتی نظیر ملی کردن زمین‌های موات شهری مصادره خانه‌های خالی و احتکار شده تبدیل خانه‌های چند ده هزار متری سرمایه‌داران به منازل قابل سکونت برای زحمتکشان ، ایجاد مراکز تولید خانه‌های پیش ساخته با کمک کشورهای دوست و کنترل دولتی و تنزل اجاره‌بهای منازل می‌تواند " بحران مسکن " را تخفیف داده و توده مردم محروم و زحمتکش را بیش از پیش به انقلاب جلب و پایه توده‌ای آن را گسترش دهد . لیکن حوادث اخیر یک بار دیگر نشان داد که ارزیابی‌های نادرست خالی از مسئولیت و غیر انقلابی همچنان در حرکات و موضع‌گیری‌های دولت نسبت به این مسئله مبرم انقلاب وجود دارد . مقامات مسئول به جای برخورد اصولی با

خواست زحمتکشان گرمدره که مشکل میلیون‌ها هموطن ماست ، برای توجیه اقدام ضد مردمی تخریب خانه‌ها و دستگیری مردم بهانه‌های به راستی حیرت‌انگیز را سر هم کرده‌اند . استاندار تهران می‌گوید : " ممکن بود این عده با این کار قصد داشتند در آینده گلوی تهران را . . . در دست بگیرند که به این ترتیب لطمه‌ای شدید به اقتصاد مملکت وارد می‌شد!! " (کیهان - ۳۰ فروردین) یکی از کسانی که در این واقعه خانه و کاشانه خود را از دست داده بود به خبرنگار ما گفت : " ما از مستضعفین این مملکت هستیم و از فرط استیصال ناچار در این منطقه اقدام به ایجاد بنا کردیم " مقامات مسئول به جای توجه به این واقعیت گوش خود را بر فریادهای حق طلبانه زحمتکش بسته و به آنها تهمت می‌زنند . آنها آسمان و ریسمان را به هم بافته‌اند اما راهی در پیش پای مردم نگذاشته‌اند و

حرفی مبنی بر اینکه چگونه می‌توان وضع نابسامان را سامان بخشید بر زبان نیاورده‌اند . چنین سیاستی علاوه بر آنکه بی‌توجهی آشکار نسبت به امر تامین رفاه زحمتکشان است ، مورد بهره‌برداری مستقیم دشمنان انقلاب قرار می‌گیرد . امپریالیسم و متحدان داخلی‌اش بویژه لیبرالها در جنگ قدرت علیه نیروهای خط امام و بطور کلی علیه انقلاب کوشش دارند از هر اقدام نسنجیده دولت نهایت استفاده را در جهت نیات پلید خود ببرند . لیبرالها کمین کرده‌اند تا از برخوردهای غلط دولت با مسائل مردم و از جمله مسئله مسکن بهره جسته و توده‌های بیشتری را به مخالفت و تقابل با دولت بکشانند . سیاست توسل به زور در برخورد با مردم از جانب جمهوری اسلامی به‌بهترین وسیله در دست دشمنان انقلاب تبدیل خواهد شد . تا از آن عوام فریبانه به نفع اهداف ضدانقلابی خود بهره جویند ، علیه انقلاب تبلیغ کنند ، درگیری‌ها را دامن

زنند ، جو خشونت ایجاد کرده و راه را برای اجرای رهنمود امپریالیسم و روی کار آمدن یک دولت " میانه‌رو " مورد قبول آن هموار سازند . سازمان ما ضمن تفتیح و محکوم کردن عمل تخریب خانه‌های مردم و بکار بردن خشونت در برابر آنها از طرف مسئولین و مامورین جمهوری اسلامی ، آزادی همه کسانی را که بی‌گناه دستگیر شده‌اند طلب می‌نماید . توجه مردم و همچنین دولت جمهوری اسلامی را به لزوم بکار گرفتن روش‌های مسالمت جویانه در حل مشکلات جلب کرده و در عین حال ضرورت اقدام جدی دولت نسبت به تامین خواست‌های زحمتکشان و اجرای قانون اساسی را گوشزد می‌کنیم . قانون اساسی داشتن مسکن مناسب را حق مردم ایران دانسته و دولت موظف است در چهارچوب امکانات خویش در این جهت گام بردارد .



هیئت بررسی شایعه شکنجه نتیجه کار خود را اعلام کرد

نظام حاکم بر زندان ها مبتنی بر شکنجه نیست

چند ماه پس از صدور فرمان آیت‌اله خمینی مبنی بر تشکیل هیئت بررسی شایعه شکنجه ، این هیئت طی یک مصاحبه مطبوعاتی نتیجه کار و تحقیقات خود را اعلام داشت .

حجت‌الاسلام محمد منتظری نماینده امام در هیئت مزبور ، چکیده گزارش تحقیقات انجام شده را که قرار است بزودی گزارش مشروح آن منتشر شود - چنین بیان داشت :

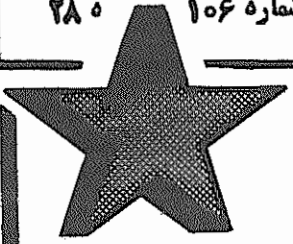
" بطور خلاصه می‌توان گفت که نظام حاکم بر بازجویی و بازپرسی دادگاه‌ها و زندان‌های مابدهیچ وجه مبتنی بر شکنجه نیست و اگر موارد معدودی نیز دیده شده بطور استثنایی و از سوی افراد غیرمسئول بوده است و اتهام وارده به روش بازجویی و بازپرسی - از طرف یکی از مقامات کشور - به هیچ وجه صحیح نمی‌باشد " (کیهان ۳۰ فروردین) ما با نتیجه کار " هیئت بررسی شایعه شکنجه " مبنی بر اینکه نظام حاکم بر

اعلام داشته‌ایم و هیئت مزبور نیز تصریح کرده است عدم وجود شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی به عنوان سیاست غالب به هیچ وجه بدان معنی نیست که افراد و جریاناتی خودسرانه و با نقض قانون اساسی که شکنجه را محکوم شناخته است - به شکنجه زندانیان نمی‌پردازند نمونه ترور جنایتکارانه توماج و همزمان ، به گلوله‌بستن دانشجویان زندانی در زندان دادگستری اهواز در اردیبهشت ماه گذشته ، اقدامات خودسرانه برخی از حکام شرع و دادستان‌های انقلاب در زندان‌های ایالات از جمله در استان گیلان مواردی است که با کمال

تاسف در گزارش هیئت جایی نداشته است . در حالی که بررسی و تحقیق پیرامون آنها دارای اهمیت فراوانی برای انقلاب و سرنوشت آن است . انتظار مردم آن است که " هیئت بررسی شایعه شکنجه " نتیجه تحقیقات خود را در این موارد بدون هیچگونه پرده‌پوشی اعلام داشته و دولت نیز عاملین جنایات فوق را به مجازات برساند . در این میان باید به ویژه فعالیت مشکوک و ضدانقلابی باندهای سیاه مبنی بر ربودن و شکنجه و در برخی موارد قتل فجیع فعالین سیاسی در خانه‌های مخفی را مورد توجه قرار داد . اطلاعات رسیده به دست ما نشان می‌دهد که

برخی افراد و جریانات درون جمهوری اسلامی که خودسرانه به ضرب و شتم فعالین سیاسی اقدام می‌کنند برای پرده‌پوشی اعمال خود بطور مخفیانه با چنین باندهایی همکاری کرده و با آنها زد و بند دارند . هیئت بررسی شایعه شکنجه باید نتایج کامل تحقیقات خود در مورد این باندها و حامیان آنها در جمهوری اسلامی را - تا آنجا که اطلاع دارد - فاش ساخته و برای کشف و شناسایی کامل عاملین این حوادث جنایتکارانه از مردم یاری بطلبد . ما بار دیگر ضمن تایید خطوط کلی نظرات هیئت بررسی شایعه شکنجه ، بر ضرورت پیگیری جدی نسبت به برخی اقدامات خودسرانه در برابر زندانیان پافشاری کرده و همصدا با مردم ایران از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم که در جهت پایان دادن به این اقدامات خودسرانه اقدام کند .





سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لایه کون است

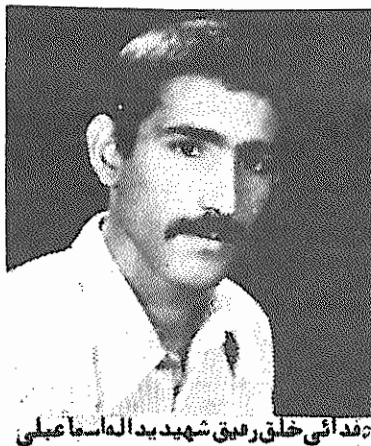
در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پر افتخار خلق بزرگ ما، هر روز جانهای عزیز را در راه انقلاب نثار می‌کنند. خون پاک رفقا، دانشمندان و درمهای میهن را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد. لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دیکراتیک فردای پیروزی زحمتکشان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای بیگناهی با تجاوزگران

- | | | |
|---------------|-----------------------------|------------------|
| اکبر بدلی | غلام عباس بخرد | کاظم عبدی |
| اکبر فخور | عنایت الله رئیسی | علیرضا کاظمی |
| امیر آقایی | محمد رضا آخربان | علی حاتم زاده |
| علی معاف | سپهلا مستحقان زاده | ایرج حسین نیا |
| جواد گنجی | حبیب الله فرجبخش | لطیف علیزاده |
| البرزیوسفی | ابراهیم شکرچی | پرویز کریمیان |
| مریم رئیسی | عبدالحسین شاه میر | اسحاق بابازاده |
| رحیم شیطی | محمود اشرف آبادی | مرضی دارابی |
| سعید کوشش | فریدون مرضی زاده | زهره موسویون |
| بهرام ورامینی | محمد قاسم فتح بیگی | وحید نیک بی |
| محمود اچخو | محمد مهدی نیت اندام | شهریار باقرزاده |
| خرو کریمی | محمد اسداله نژاد رودبه | کوروش پاک بین |
| حسین شریعی | محمد حسین صدرا بادی | حمید ولادوست |
| عبدالله مرادی | رحمت الله (امیر) انصافیابور | غلامرضا صفر نژاد |
| محمد بازاری | نوری نیاکان | محمد رضا جعفری |
| تمی اسکویی | سعید (عباس) آقاپور | منصور دهقانی |
| حسن صالحی | علیرضا خلیلی | یداله اسماعیلی |
| عباس دبه دار | افراساب (زوبین) سلیمانی | حسن دبه دار |
| | سدرضا طالب موسوی | |

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

☆ فدائی خلق رفیق یداله اسماعیلی (در جبهه ماهشهر) مالا مال از عشق به کارگران و خشم به امپریالیسم به کاروان سرخ شهدای پرافتخار سازمان پیوست



فدائی خلق رفیق شهید یداله اسماعیلی

اکنون سازمان ما در دفاع از آرمان والای طبقه کارگر و حمایت از زحمتکشان جامعه، نقش بس مهمی در حفظ انقلاب و دستاوردهای خونین آن به عهده گرفته است. رفقای ما بر اساس سیاستهای انقلابی سازمان، از کارخانهها و مزارع و مدارس و ادارات تا جبهه‌های جنگ همه جا با هوشیاری انقلابی و ایمان سترگ خود، برای تحکیم پایه‌های انقلاب، مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب وابسته بدان در تلاش هستند. در این شماره "کار"، یاد رفیق شهیدی را گرامی می‌داریم که در دفاع از استقلال میهن انقلابی و دفع تجاوزات رژیم ضد مردمی در سنگری از سنگرهای خونین جنوب قهرمانانه جان فدا کرد. در صفحه ۲۶

به جای خراب کردن خانه‌ها و توسل جستن به خشونت در برابر مردم

باید به فکر تامین مسکن زحمتکشان بود

در اواخر هفته گذشته گروه آلونک‌های فوق بین گروهی از ضربت شهربانی با همکاری سپاه پاسداران و ژاندارمری یک بار دیگر به خراب کردن آلونک‌های گروهی از زحمتکشان در منطقه کرمدره (۵ کیلومتری کرج) اقدام کردند. به دنبال تخریب در اواخر هفته گذشته گروه آلونک‌های فوق بین گروهی از مردم منطقه با ماموران درگیری روی داد و صبح روز جمعه نیز گروهی به عنوان اعتراض به عمل فوق زده و در مقابل مقر سپاه پاسداران کرج اجتماع کردند آنها خواهان آزادی دستگیر بقیه در صفحه ۲۷

تبلیغات دشمنانه لیبرال‌ها

علیه روزنامه‌های اطلاعات و کیهان در صفحه ۱۳

ضد انقلاب در «سازمان وحدت بلوچ» متشکل می‌شود

در بلوچستان توطئه تازه‌ای در شرف تکوین است. در این توطئه‌ها، خوانین و سران خائن عشایر، ضدانقلابیون فراری و مولوی‌های مرتجع به همراه فتوادل‌ها و مزدوران افغانی و پاکستانی با رهنمودهای مستقیم امپریالیسم آمریکا سرگرم فعالیت‌اند.

در صفحه ۲۲

بمناسبت سالروز کشتار وحشیانه آرامنه توسط امپریالیست‌ها

امپریالیسم دشمن تمامی مردم

صرف نظر از تعلقات مذهبی و عقیدتی آنان است

در صفحه ۲۶

ستون پنجم امپریالیسم با

انفجار نارنجک، بیش از ۱۵ نفر را در مقابل دانشگاه تهران مجروح ساخت

اینگونه حرکت‌ها از طرفندهای شناخته شده امپریالیسم برای متشنج جلوه دادن وضع مملکت است تا اینطور وانمود سازند که میهن ما دچار تشنج و آشوب است. در صفحه ۲۳

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر